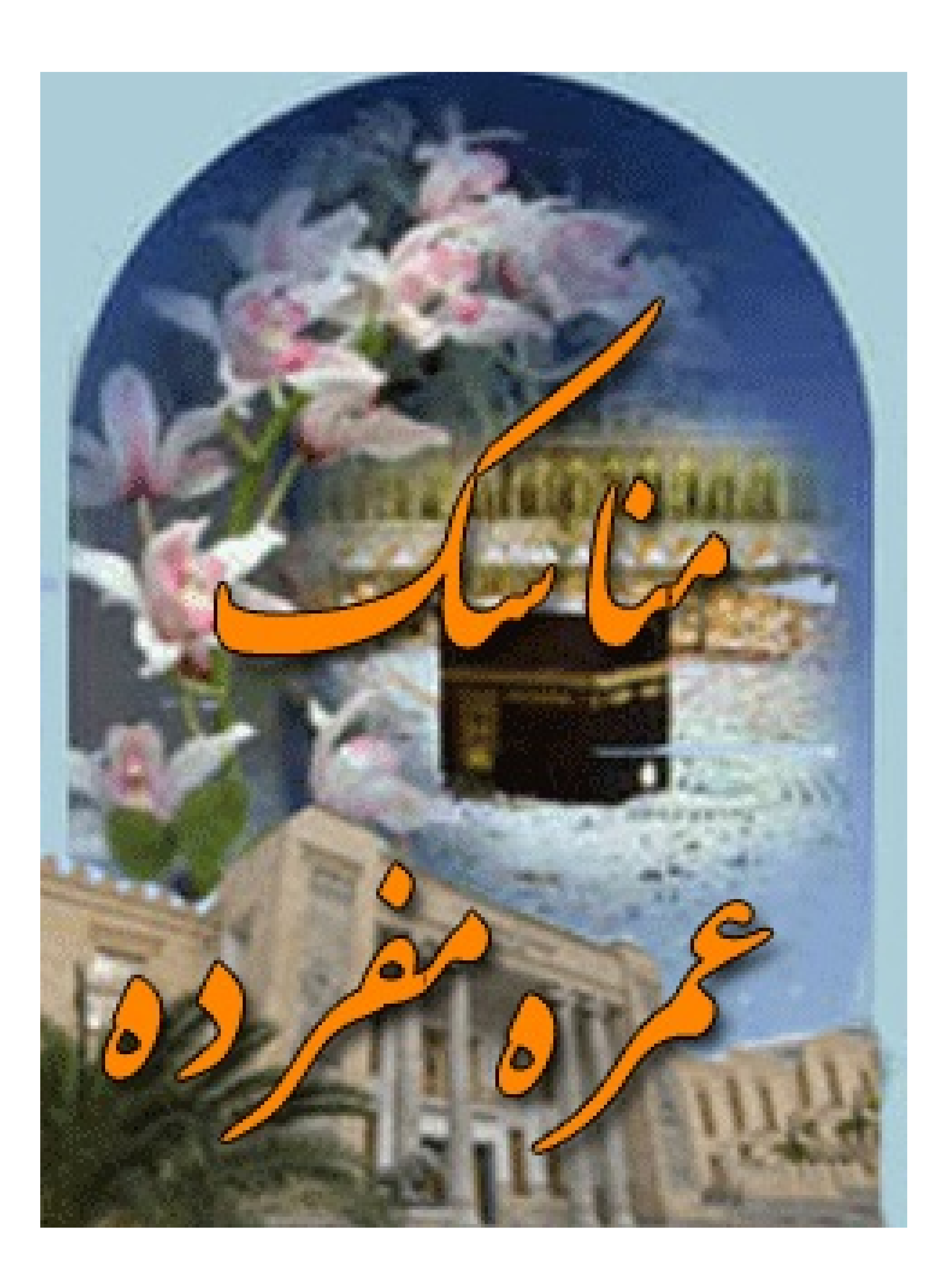

مناسک
عمره مفرده


بسم الله الرحمن الرحیم

مناسک عمره مفرده با حواشی مراجع تقلید

نویسنده:

آیت الله ناصرمکارم شیرازی

ناشر چاپی:

مدرسه الامام علی بن ابی طالب (علیه السلام)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

مناسک عمره مفرده

مشخصات کتاب

سرشناسه : مکارم شیرازی ناصر، ۱۳۰۵ -

عنوان و نام پدیدآور : مناسک عمره مفرده مکارم شیرازی تهیه و تنظیم مسعود مکارم.

مشخصات نشر : قم مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع ۱۳۸۵.

مشخصات ظاهری : ۳۱۹ ص. ۱۲ × ۱۷ س م.

شابک : ۶۰۰۰ ریال (چاپ اول) ؛ ۸۰۰۰ ریال ۹۶۴-۸۱۳۹-۵۵-۵ : ؛ ۱۰۰۰۰ ریال : چاپ چهارم ۸۷۹-۴۶۹-۹۳۱۸-۵۵-۶ :

یادداشت : چاپ اول : ۱۳۸۴.

یادداشت : چاپ دوم.

یادداشت : چاپ چهارم: ۱۳۸۷.

موضوع : حج عمره

موضوع : حج عمره -- رساله عملیه موضوع : فقه جعفری -- رساله عملیه

شناسه افزوده : مکارم مسعود، ۱۳۴۶ -، گردآورنده

شناسه افزوده : مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)

رده بندی کنگره : BP۱۸۸/۹۲ /م ۷م ۳۸ ۵۸۳۱

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۵۷

شماره کتابشناسی ملی : ۱۱۳۸۴۶۷

پیشگفتار

از آنجا که هر سال، خیل کثیری از مردم با ایمان و علاقه منـد ما جهت بجا آوردن عمره مفرده عازم بیت الله الحرام شده و این اقبـال روز به روز بیشتر می شود و از طرفی مواجهه روحانیون محترم با مسائل جدیـد و احساس نیاز نسبت به تـدوین مناسـکی جـامع در این زمینه، سبب شـد که بـازنگری کـاملی در کلّیه مسائل عمره و تطبیق مسائل حـج بر آن، زیر نظر حضـرت آیه الله

العظمی مکـارم شـیرازی (مـدّ ظلّه العـالی) را به انجـام برسـانیم; تا از طرفی حجّاج محترم به تمامی مسائل و آداب و اعمال این فریضه بزرگ آگـاه شـده و از طرف دیگر دغـدغه هـای روحـانیون محترم کاروانها نسـبت به اطّلاع از آخرین فتاوای معظم له برطرف گردد و همگان بتوانند اعمال عمره را با خیالی آسوده به جای آورده و با دستی پر

از معنویت از این سفر روحانی باز گردند.

از مزایای این کتاب می توان به موارد زیر اشاره نمود: ۱ جمع آوری کلّیه نظرات فقهی حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی در باب عمره که در کتب مختلف آمـده، به همراه آخرین فتاوای معظم له. ۲ حذف مسائل تکراری و غیر ضروری و جایگزین شدن مسائل جدید بجای آن. ۳ قرارگرفتن مسائل و استفتائات هر موضوع در کنار هم برای سهولت در یافتن مسائل مورد نیاز. ۴ قرارگرفتن مسائـل در ابواب و فصول مناسب. ۵ بکـارگیری زبان و ادبیات روز. ۶ حذف مسائلی که امروزه مصداق خارجی ندارد.

از خوانندگان عزیز بویژه روحانیون محترم کاروان ها، صمیمانه درخواست می کنیم ما را از نظرات و پیشنهادهای خویش بهره مند سازند تا در چاپ های بعدی از آن اسـتفاده کنیم. در خاتمه از جناب مستطاب حجه الاسلام والمسلمین آقای علیان نژادی که در تهیه این اثر ما را یاری نمودند، تشکّر و سپاسگزاری کرده و از خداوند متعال توفیق و عزت ایشان را خواستاریم. مسعود مکارم ربیع الثانی ۱۴۲۶

عمره مفرده

عمره مفرده

مسأله ۱ عمره مفرده یکی از بهـترین اعمـال است، و فضـیلت بسـیار دارد. از پیغمـبر اکرم(صـلی الله علیه وآله) روایت شـده که فرمود: «اَلْعُمْرَهُ کَفّـارَهٌ لِکُلِّ ذَنْب(۱)؛ عمره کفّـاره تمـام گناهـان است (و پشت انسان را از بار گناه سـبک می کنـد)». مسأله ۲ عمره را در هر مـاهی از سـال می توان بجا آورد؛ ولی در ماه رجب از همه ماهها بهتر است(۲)، و در اخبار اسلامی درباره آن بسیار تأکید شده است. مسأله ۳ عمره همانند حج بر دو قسم است:واجب و مستحب. مسأله

۴ کسی که فقط توانایی بر عمره مفرده داشته باشد احتیاط واجب آن است که آن را بجا آورد; هر چند استطاعت و توانایی بر حج نداشته باشد، و یک مرتبه در تمام عمر بیشتر واجب نیست، بنابراین کسانی که حجّ نیابتی بجا می آورند، احتیاط واجب آن است که بعد از انجام عمل نیابت، عمره مفرده ای برای خود بجا آورند. مسأله ۵ هر کس قصد دارد وارد مکّه شود واجب است با احرام وارد شود، و برای احرام باید نیّت عمره یا حج داشته باشد، و اگر موسم حج نیست واجب است عمره مفرده انجام دهد. لکن کسانی که به مقتضای شغلشان زیاد به مکّه رفت و آمد می کنند (مانند رانندگان اتومبیل، و خدمه کاروانها)، از این حکم استثنا شده اند. همچنین کسانی که عمره بجا آورده اند اگر از مکّه خارج شوند و دوباره در همان ماه داخل مکّه شوند، احرام و عمره مجدّد بر آنها واجب نیست. سؤال ۶ آیا انجام عمره مفرده در ماههای حج پیش از عمره تمتّع جایز است؟ آیا در این مسأله فرقی بین صروره و غیر صروره هست؟

جواب: مانعی ندارد، و در این مسأله بین کسی که برای اوّلین بار به حج می رود و غیر او تفاوتی نیست. سؤال ۷ هرگاه شخصی رجاءاً به احرام عمره مفرده محرم شود، آیا باید در تمام اعمال عمره کلمه رجاء را در نیّت بیاورد، یا این کار لازم نیست؟ جواب: همین اندازه که نیّت رجاء در ذهن او نسبت به تمام اعمال عمره وجود دارد کافی است، و لازم نیست کلمه رجاء را تکرار کند. سؤال

۸ زنی که احتمال می دهد عادت شود و نتواند داخل مسجد الحرام گردد، آیا می تواند برای عمره مستحبّی محرم شود، و اگر عادت شد برای طواف و نماز نایب بگیرد؟ همچنین اگر بیمار احتمال دهد که نتواند اعمال عمره مفرده را انجام دهد، آیا می تواند چنین کند؟ جواب: اشکال ندارد، و چنانچه وظیفه او نایب گرفتن شود برای طواف و نماز طواف نایب می گیرد، و بقیّه را با رعایت ترتیب خودش انجام می دهد. سؤال ۹ آیا کسی که نمازش را غلط می خواند، و وقت تصحیح آن را ندارد، می تواند عمره مفرده مستحبّی بجا آورد؟ جواب: اشکالی ندارد. سؤال ۱۰ آیا انجام عمره مفرده پس از اتمام عمره تمتّع و قبل از آغاز اعمال حجّ تمتّع، جایز است؟ جواب: نباید عمره مفرده بجا آورده شود، و اگر بجا آورند صحّت آن محلّ اشکال است، ولی ضرری به عمره و حجّ تمتّع نمی زند.

فاصله معتبر بین دو عمره مفرده

مسأله ۱۱ شخصی که بیش از یک ماه در مکّه بوده و همین مدّت از عمره مفرده قبلی او گذشته، اگر برای کاری به جدّه رود و در بازگشت بدون احرام وارد مکّه شود، کار خلاف شرعی انجام داده، و باید به میقات برگردد و محرم شود و عمره مفرده بجا آورد; زیرا با گذشتن ماه قمری، کسی که وارد مکّه می شود باید عمره دیگری انجام دهد. مسأله ۱۲ کسانی که عمره را مثلا در ماه شعبان بجا آورده، و در ماه رمضان به (جهت بازدید) به عرفات می روند، با توجّه به این که از محدوده حرم خارج می شوند در بازگشت باید

محرم شونـد، و عمره مفرده دیگری بجـا آورنـد. مسأله ۱۳ تکرار عمرهماننـد تکرار حـج مسـتحب است، ولی در هر مـاه قمری بیش از یک عمره نمی توان بجای آورد. مسأله ۱۴ همان گونه که گفته شد در هر ماه قمری یک عمره مستحب است، بنابراین اگر کسـی در اواخر مـاه رجب وارد مکّه شود و عمره مفرده بجـا آورد، و بعـداً ماه شـعبان شـروع شود، می توانـد دوباره عمره مفرده ای بجـا آورد، و امّا در همان ماه، دو عمره مفرده اشـکال دارد، و اگر کسـی بخواهـد در یک ماه بیش از یک عمره بجا آورد، به قصد رجاء انجام می دهد; یعنی به امید این که مطلوب درگاه الهی باشد (نه به نیّت دستور قطعی) ولی بهتر آن است که زائران محترم به جـای این گونه عمره های مکرّر، به طواف بپردازنـد که مشـروعیّت آن مسلّم است. مسأله ۱۵ اگر در روز آخر مـاه، مُحرم شود و اعمـال را در مـاه بعـد انجـام دهـد، در صورتی که بعـد از اعمـال برای بازدیـد به عرفـات برود، آیـا در برگشت عمره دیگری بر او واجب نیست؟ جواب : اگر ماه رجب می گـذرد برای درک فضـیلت عمره این ماه می توانـد محرم شـده و اعمال را در ماه شـعبان انجام دهد ولی نمی تواند عمره دیگری را در ماه شـعبان بجای آورد. سؤال ۱۶ فرموده اید که: «در هر مـاه قمری بیش از یـک عمره نمی تـوان انجـام داد» آیـا در این مسـأله بین دو عمره مفرده ای که برای خودش بجـا می آورد، با دو عمره مفرده ای که هر دو، یا یکی از

آنهـا را به نیـابت از دیگران انجـام می دهـد، تفاوتی هست؟ جواب: تفاوتی نمی کنـد. سؤال ۱۷ هرگـاه در یـک ماه قمری دو عمره مفرده انجـام دهـد، و عمره دوم نیـابتی باشـد، آیـا نـایب می توانـد برای انجام آن اجرت بگیرد؟ و چنانچه عمره مفرده بر منوب عنه واجب شـده باشد، آیا چنان عمره ای کفایت می کند؟ جواب: لازم است احتیاط را مراعات کند، و چنانچه با اطّلاع اجیر کننـده از آنچه انجـام شـده اجرت بگیرد اشـکال نـدارد; ولی کفـایت کردن چنین عمره ای از عمره واجب محـلّ اشـکال است. سؤال ۱۸ همان گونه که عمره مفرده را قبل از عمره تمتّع، هر چنـد در همان ماه قمری باشـد، اجازه داده ایـد، آیا بعد از عمره تمتّع و قبل از حـج نیز می توان در همان ماه قمری عمره مفرده ای انجام داد، یا بایـد به قصد رجاء باشد؟ جواب: اشـکال دارد. سؤال ۱۹ گاه محلّ توزیع کالا در مکّه مکرّمه یک کیلومتر بعـد از مسـجد تنعیم قرار دارد. وظیفه خدمه ای که مجبورند برای گرفتن سـهمیّه کاروان به آن محل رفت و آمد کنند، چیست؟ جواب: در عمره مفرده، هرگاه قبل از گذشتن ماهی که در آن عمره انجـام داده، خـارج شود و بازگردد، تکرار عمره لازم نیست; امّا اگر در ماه بعـد برگردد، بایـد از همان مسـجد تنعیم محرم شود، و عمره به جا آورد، مگر این که شـغلش به طور مرتّب رفت و آمد به بیرون حرم باشد. سؤال ۲۰ بعضی از فقها می گویند: «خدمه ای که می خواهند از مکّه خارج شوند، اگر فقط به جدّه بروند برای ورود

مجدّد به مکّه لازم نیست محرم شونـد، ولی اگر به مـدینه بروند، برای ورود مجدّد به مکّه باید دوباره در مسـجد شـجره محرم شـده، و بـا احرام وارد مکّه شونـد» نظر حضـرتعالی چیست؟ جواب: اگر بازگشت او در همان ماه قمری باشـد که خارج شـده، احرام مجـدّد لازم نیست، و اگر در ماه بعد بوده، باید مجدّداً محرم شود و اعمال را بجا آورد. سؤال ۲۱ هرگاه خدمه کاروانها، عمره مفرده را بجا آورده باشند، آیا هر بار که از مکّه خارج می شوند و برای انجام کارهای کاروان مثلا به جدّه می روند، در موقع بازگشت به مکّه باید محرم شوند؟ جواب: لازم نیست محرم شوند، مگر این که در ماه بعد (ماه قمری دیگر) وارد شوند.

پی نوشتها

۱ . وسائل الشیعه، جلد ۸، صفحه ۶۶، ابواب وجوب الحج، باب ۳۸، حدیث ۷، و جلد ۱۰، صفحه ۲۴۰، ابواب العمره، باب ۳، حدیث ۷. ۲ . روایـات فراوانی در این زمینه وجود دارد، که تنها در کتاب وسائل الشـیعه، جلـد ۱۰، صفحه ۲۳۹، ابواب العمره، باب ۳، شانزده روایت نقل شده است.

اعمال عمره مفرده

اعمال عمره مفرده

مسأله ۲۲ اعمال عمره مفرده هفت چیز است: ۱ احرام از میقات. ۲ طواف خانه خدا (هفت دور). ۳ نماز طواف. ۴ سعی صفا و مروه. ۵ تقصیر، یعنی کوتاه کردن مو و ناخن. ۶ طواف نساء. ۷ نماز طواف نساء.

۱ احرام از میقات

احرام از میقات

میقات

مسأله ۲۳ منظور از میقـات جایی است که بایـد از آنجا برای عمره احرام بست، و بـدون احرام نمی توان از آن گـذشت. مسأله ۲۴ محلّ بسـتن احرام عمره، ادنی الحل یعنی اولین نقطه خارج از حرم است و جایز است از یکی از میقاتهای معروف پنج گانه محرم شود ولی بهتر این است احرام عمره مفرده نیز از یکی از میقات های پنجگانه انجام گیرد، بنابراین کسانی که قصـد عمره مفرده دارند و قبلا به مدینه می روند، بهتر است از مسـجد شـجره یا لااقل از جحفه محرم شوند; هر چند از «حدیبیّه» یا محاذی آن در جادّه جدید نیز مانعی ندارد.

میقات های پنج گانه

۱ مسجد شجره

مسأله ۲۵ «مسـجد شـجره» در کنـار مـدینه قرار دارد، و امروز به نام «آبار علی» معروف است، آن را «ذو الحلیفه» نیز می نامنـد.

تمام کسانی که می خواهند از راه مدینه به حج بروند باید از آنجا مُحرم شوند، و جایز نیست تأخیر بیندازند، و مثلا از «جحفه» که میان راه مکّه و مدینه است محرم شوند، مگر بیماران و افراد ضعیف و کسانی که موانع دیگری دارند، و نمی توانند از مسجد شجره محرم شوند. مسأله ۲۶ واجب نیست احرام از داخل مسجد شجره باشد، بلکه می توان در کنار مسجد نیز احرام بست، و تفاوتی میان مسجد سابق، و مسجد امروز که بسیار توسعه یافته وجود ندارد; بنابراین، زنانی که در حال عادت ماهانه هستند می توانند در بیرون مسجد احرام ببندند. مسأله ۲۷ شخص جنب یا حائض می تواند در حال عبور از مسجد محرم شود، و نباید در مسجد توقّف کند. همان

گونه که می تواند در خارج از مسجد محرم شود.

مسأله ۲۸ چنانچه شخص جنب یا حائض بر اثر ازدحام جمعیّت نتواند در حال عبور از مسجد احرام ببندد، و بنا به عللی موفّق بر غسل نیز نشود، می توانـد تیمّم بـدل از غسل حیض یا جنابت کند، و از داخل مسـجد محرم شود، و نیز می تواند بیرون مسـجد احرام ببندد. مسأله ۲۹ احتیاط مسـتحب آن است که از خود مسـجد شجره محرم شوند، نه در کنار و اطراف مسجد، و مستحبّ است که در محلّ اصـلی و قدیمی مسجد احرام ببندند; هر چند در قسمتهای توسعه یافته مسجد، بلکه در خارج از مسجد چنان که گفتیم نیز می توان احرام بست. سؤال ۳۰ هرگاه حائض یا جنب، عمداً و عصـیاناً وارد مسجد شجره شده، و همانند دیگران در آنجـا توقّف نموده، و محرم شود. آیـا احرامش صـحیح است؟ جواب: اگر عمـداً باشـد خـالی از اشـکال نیست; ولی همان گونه که قبلا گفته ایم احرام از خارج مسجد نیز جایز است.

۲ جُحْفَه

مسأله ۳۱ «جحفه» محلّی است میان مکّه و مدینه در فاصله ۱۵۰ کیلومتری مکّه، و فعلا با جادّه اصلی مقداری فاصله دارد، و در آنجا مسـجد بزرگی ساخته اند، و آن، میقات کسانی است که از مصر و شمال آفریقا و سوریه و اردن و لبنان (از طریق زمینی) به حـج می آیند، بلکه میقات تمام کسانی است که از آنجا عبور می کنند. مسأله ۳۲ مسلمانان ایران و سایر نقاط که با هواپیما وارد فرودگاه جدّه می شوند، و نمی خواهند به مدینه بروند، می توانند به جحفه رفته

و از آنجا محرم شونـد. مسأله ۳۳ همـان گونه که گفته شـد در جحفه مسـجدی است که می توان از بیرون یـا داخل آن احرام بست، و بهتر داخل مسجد است، ولی زنان حائض از بیرون مسجد محرم می شوند.

۳ وادی عقیق

مسأله ۳۴ «وادی عقیق» محلّی است در سـمت شـمال شـرقی مکّه، که حدود ۹۴ کیلومتر بـا آن فاصـله دارد، و آن، میقات اهل «عراق» و مردم «نجد» است، و تمام کسانی که از آن محل عبور می کنند، می توانند از آنجا مُحرِم شوند. این میقات دارای سه قسـمت است: قسمت اوّل را «مَسْلخ» می نامند، و قسمت دوم را «غَمره»، و قسمت سوم را «ذات عرق» می گویند، و احرام بستن از تمام آنها جایز است، هر چند افضل احرام از «مسلخ» است.

۴ قرن المنازل

مسأله ۳۵ «قرن المنـازل» محلّی است نزدیـک «طائف» که حـدود ۹۴ کیلومتر بـا مکّه فاصـله دارد، و آن میقـات مردم آنجـا، یا کسـانی است که از آنجـا عبور می کننـد. بلکه تمـام کسانی که وارد جـدّه می شونـد، می تواننـد به آنجا رفته و از آنجا محرم شوند، هم اکنون در آنجا مسجدی وجود دارد که همه می توانند از آن محرم شوند.

۵ أدنی الحل

مسأله ۳۶ «أدنی الحـل» یعنی اوّلین نقطه خـارج از حرم، میقات کسانی است که عمره مفرده بجا می آورنـد. مسأله ۳۷ بهتر این است که برای عمره مفرده از یکی از این سه محلّ: «حـدیبیّه» یا «جعرانه» یا «تنعیم» که نزد اهل مکّه معروف است، احرام ببندد، و آسانتر برای کسانی که می خواهند بعد از حج، عمره مفرده بجا آورند این است که به مسجد تنعیم که حدود هشت کیلومتر با مسـجد الحرام فاصـله دارد و در حال حاضـر جزء شهر مکّه است بروند، و از آنجا محرم شوند. مسأله ۳۸ کسانی که از طریق جـدّه مسـتقیماً برای عمره مفرده به سوی مکّه می رونـد بایـد از «حدیبیّه» که فاصـله آن با مکّه حدود ۱۷ کیلومتر است، محرم شونـد (حدیبیّه دورترین حدّ حرم است).(۱) مسأله ۳۹ شـاغلین در جـدّه (از ایرانیان و سایر کشورها) در عمره مفرده می توانندماننـد سـایرین از «حـدیبیّه» یـا محـاذی آن در جـادّه جدیـد محرم شونـد، و چنانچه بر اثر جهل به مسأله در جای دیگری محرم شونـد، احرام آنها صـحیح نیست، و محرّمات احرام بر آنها حرام نمی شود. در صورت علم و عمد نیز حکم مسأله همین است، ولی در صورت

جهل، اگر بعد از اعمال مسأله را بفهمند عمل

آنان صحیح است.

احرام از محاذات یکی از میقاتها

مسأله ۴۰ کسانی که از میقات نمی گذرنـد هرگاه به محاذات هر یک از میقاتها برسـند بایـد از همانجا محرم شونـد، و لزومی نـدارد که حتماً به یکی از میقاتهـای پنجگـانه معروف برونـد، و اگر از محـاذات دو میقات می گذرنـد بایـد وقتی به محاذات نخستین میقات می رسـند احرام ببندند، و در محاذات میقات بعد، نیّت احرام را تجدید نمایند. مسأله ۴۱ کسانی که از محاذات غیر مسـجد شـجره عبور می کنند، احتیاط مستحب آن است که قبل از رسیدن به محاذات، به نذر محرم شوند، و بهتر آن است که در محاذات تجدیـد احرام کنند (ولی واجب نیست). مسأله ۴۲ منظور از محاذات برای کسـی که به طرف مکّه می رود آن است که به جـایی برسـد که میقـات در سـمت راست یـا چپ او واقـع شـده، به گونه ای که اگر از آن نقطه عبور کنـد میقـات متمایل به پشت او گردد.

مسأله ۴۳ اگر محاذات را ندانـد بایـد از اهل اطّلاع مورد اطمینان بپرسـد، و اگر نتواند مکان محاذات را تشـخیص دهد، قبل از رسـیدن به محلّی که احتمـال می دهـد محاذات باشـد بنابر احتیاط با نـذر محرم می شود. مسأله ۴۴ هرگاه از راهی بگـذرد که محاذی هیـچ یک از میقاتها نیست (ماننـد جـدّه)، احتیاط آن است که به میقات رود و از آنجا محرم شود، یا به جایی برود که محـاذی یکی از میقاتها باشـد، و اگر آن هم امکان نـدارد، از هر جا که احتمال می دهـد محاذی یکی از میقاتهاست محرم می شود، سپس

به اوّلین نقطه حرم (در اطراف مکّه) که رسید، احرام خود را تجدید می کند (یعنی دوباره نیّت نموده، و لبّیک گوید). مسأله ۴۵ در مسأله محاذات میقات، فرقی میان صحرا و دریا نیست. مسأله ۴۶ محاذات با علم و یقین و نیز شهادت دو شاهد عادل ثابت می شود، و اگر از این دو راه ثابت نشد، هرگاه از قول کسانی که مطّلع به آن مکانها هستند گمان قوی حاصل شود کافی است. همچنین از قول کسانی که اهل خبره هستند، و از روی قواعد علمی محاذات را تعیین می کنند، اگر گمان قابل ملاحظه ای حاصل شود ظاهراً کافی است. مسأله ۴۷ در صورتی که ثابت نشود «رابُغ» محاذی جحفه است، احرام از آن محل صحیح نیست.

احکام میقات ها

مسأله ۴۸ احرام بستن قبل از میقات جایز نیست. همان گونه که گذشتن از میقات بدون احرام حرام است، و تنها باید درخود میقات محرم شوند; مگر در دو صورت: ۱ در صورتی که نذر کند قبل از میقات محرم شود، لازم است به نذر خود وفا کند، از هر جا که باشد، و نیازی به تجدید احرام در میقات نیست، به همین جهت هنگامی که انسان در میقات یا محاذات آن شک کند، می تواند قبل از رسیدن به محلّ مشکوک، «نذر احرام» نماید، و از همان جا محرم شود، و فرقی میان حجّ واجب و مستحب نیست; و نذر زن در صورتی که مزاحم حقّ شوهر نباشد اشکالی ندارد. ۲ برای کسی که می خواهد عمره ماه رجب را بجا آورد، و بیم آن دارد که ماه رجب قبل از رسیدن

به میقات تمام گردد، جایز است قبل از میقات محرم شود، تا فضیلت عمره ماه رجب را درک کند. مسأله ۴۹ رسیدن به میقات بایـد به طور یقین، یـا اطمینان، یا شـهرت در میان اهل محل، یا حـدّاقل شـهادت یک نفر عادل ثابت شود، و در صورت شک، احرام بسـتن جایز نیست; مگر از طریق نـذر کردن. مسأله ۵۰ کسـانی که میقات برای آنها مشـخّص نیست نمی تواننـد به گفته راهنما، یا رئیس کاروان، که می گویـد فلان محل میقات است، محرم شوند، مگر این که از گفته آنها اطمینان پیدا کنند، بلکه ظنّ حاصـل از گفته اهـل اطّلاـع نیز کـافی است. در غیر این صورت بایـد به اهل محل مراجعه کننـد. مسأله ۵۱ عبور از میقات بدون احرام جایز نیست، مگر این که میقات دیگری در پیش داشته باشد که در این صورت احرام از میقات دوّم صحیح است; هر چند کار خلافی کرده است. مسأله ۵۲ جایز نیست اختیاراً احرام را از میقات تأخیر بیندازد. بلکه احتیاط واجب آن است که از محاذات میقات هم بدون احرام عبور نکند; اگرچه میقات دیگری بعد از آن باشد. مسأله ۵۳ کسانی که برای عمره مفرده به مکّه مشـرّف می شوند، و باید به یکی از مواقیت معروفه بروند، نمی توانند بدون احرام از میقات عبور کنند، و اگر چنین کنند، واجب است به میقات بازگردنـد، و از آنجا محرم شونـد، و اگر نتوانند برگردند، از همان جا که هسـتند محرم می شوند. مسأله ۵۴ اگر بدون احرام از میقات بگذرد، و میقات دیگری بعد از آن میقات باشد، لازم نیست به میقات اوّل

بـاز گردد، بلکه از میقـات دوّم محرم می شود. مسأله ۵۵ هر گـاه از روی جهـل یا فراموشـی در میقات محرم نشود، هنگامی که یادش آمـد اگر بیرون حرم است، بایـد از همان جا احرام ببنـدد، و اگر وارد حرم شـده به بیرون حرم (مثلا تنعیم) برود و احرام ببنـدد، و اگر نمی توانـد از حرم بیرون برود، از همان جا که هست احرام می بنـدد. مسأله ۵۶ هر گـاه زن در حال عادت ماهیانه باشـد، و خیـال کنـد احرام بسـتن برای او جایز نیست، و در میقات احرام نبنـدد، اگر می توانـد، بایـد به میقات بر گردد و مُحرم شود، و اگر نمی توانـد، به خارج حرم رود و در آنجا احرام ببندد، و اگر نمی تواند، از همان جا که هست احرام ببندد، و عمره او صحیح است. مسأله ۵۷ هرگاه از روی جهل یا فراموشـی احرام را ترک کند،و بعد از تمام شدن اعمال متوجّه شود،اعمال او صحیح است. مسأله ۵۸ کسـی که با احرام عمره مفرده وارد مکّه می شود، در صورتی که در ماههای حج (شوّال، ذی القعده و ذی الحجّه) احرام بسته باشد، جایز است آن را عمره تمتّع قرار دهد، و به دنبال آن حجّ تمتّع بجا آورد. سؤال ۵۹ آیا نذر احرام قبل از میقات برای نایب هم جایز است؟ جواب: اشکال ندارد. سؤال ۶۰ زنی بدون اجازه شوهرش نذر نموده، و قبل از رسیدن به میقـات بـا نـذر محرم می شود. آیـا احرام وی و اعمال پس از آن صـحیح است؟ جواب: اگر نـذر او منافاتی با حقّ شوهرش ندارد، احرامش صحیح است.

۱ . حدیبیّه در کنار جادّه قدیم

«جدّه، مکّه» واقع شده، و محاذی آن در جادّه جدید در نزدیکی پل شمیشیّه مسجدی ساخته اند که محاذی آن است، و می توان از آنجا محرم شد.

واجبات احرام

واجبات احرام

مسأله ۶۱ نخستین اعمال عمره مفرده «احرام» است و واجبات احرام سه چیز است: پوشیدن لباس احرام، نیّت و گفتن لبیک.

اوّل: پوشیدن لباس احرام

مسأله ۶۲ شخصی که می خواهد احرام ببندد واجب است قبلا ـ لباسهایی را که پوشیدنش بر محرم حرام است از تن بیرون آورد، سپس دو جامه احرام را بر تن کند. یکی را (که ازار گویند) به صورت لنگ دور کمر ببندد، و دیگری را مانند عبا بر دوش بیندازد (و آن را «رداء» گویند). این حکم مخصوص مردان است، و برای زنان پوشیدن دو جامه احرام، نه زیر لباسها و نه روی لباسها، لازم نیست. بلکه همان لباسها، لباس احرامشان محسوب می شود.

مسأله ۶۳ احتیاط واجب آن است که دو جامه احرام و طرز پوشیدن آن به همین شکلی که معمول است باشد; یعنی لنگ را طوری ببندد که لااقل از ناف تا زانو را بپوشاند، و رداء را روی شانه بیفکند، به طوری که بقیّه بدن را بپوشاند، ولی جنس و رنگ خاصّی در جامه احرام شرط نیست، امّا نباید دوخته باشد. مسأله ۶۴ احتیاط واجب آن است که پوشیدن دو جامه احرام قبل از نیّت و گفتن لبّیک باشد، و اگر بعد از لبّیک بپوشد، احتیاط آن است که لبّیک را دوباره بگوید. مسأله ۶۵ احتیاط واجب آن است که لنگ را به گردن گره نزند، و اگر از روی جهل یا فراموشی گره بزند احتیاط آن است که فوراً باز کند، ولی به احرامش ضرری نمی زند و چیزی بر او نیست (امّا گره زدن آن به دور کمر مانعی ندارد). و بهترین راه آن

است که روی لنگ کمربند یا مانند آن ببندد تا کاملا راحت باشد؛ امّا گره زدن دو طرف رداء مانعی ندارد. همچنین بستن آن به وسیله سنجاق، یا گذاشتن سنگی در یک طرف حوله و بستن آن با یک قطعه کش یا نخ به طرف دیگر (آن گونه که در میان بعضی از حجّاج معمول است) نیز مانعی ندارد؛ هر چند ترک این امور بهتر است. مسأله ۶۶ احتیاط واجب آن است که در حال اختیار به یک جامه بلند، که مقداری از آن را لنگ و مقداری را رداء قرار می دهند، اکتفا نکنند؛ بلکه باید دو جامه جداگانه باشد. مسأله ۶۷ احتیاط واجب آن است که در پوشیدن جامه احرام قصدقربت و جلب رضای الهی داشته باشد، و احتیاط مستحب آن است که به هنگام بیرون آوردن جامه دوخته هم قصد قربت داشته باشد. مسأله ۶۸ تمام چیزهایی که در لباس نمازگزار شرط است در دو جامه احرام نیز شرط می باشد؛ بنابراین لباسهای احرام باید پاک باشد، و از اجزای حیوان حرام گوشت، یا ابریشم خالص، و زربفت نباشد. (در این حکم، بنابر احتیاط واجب، فرقی میان زن و مرد نیست، هر چند در نماز در مورد پارچه ابریشم و زربفت میان زن و مرد تفاوت است). مسأله ۶۹ در مواردی که نجس بودن لباس نماز گزار بخشوده شده، در لباس احرام نیز بخشوده شده است. مسأله ۷۰ إزار (لُنگ) باید بدن نما نباشد، و احتیاط واجب آن است که رداء نیز چنین نباشد. مسأله ۷۱ احتیاط واجب آن است که جامه احرام از پوست نباشد. مسأله ۷۲ احتیاط واجب آن است

که جامه احرام منسوج و بافتنی نباشد، و چیزهایی مانند نمد کافی نیست. مسأله ۷۳ واجب نیست همیشه لباس احرام را به تن داشته باشد؛ بلکه می تواند برای شستن، یا عوض کردن، یا حمّام رفتن، یا مقصود دیگری، موقّتاً آن را از تن درآورد. مسأله ۷۴ هرگاه لباس احرام نجس شود باید آن را بشوید، و اگر میسّر نبود هر وقت ممکن شد اقدام به تطهیر آن می کند. (و اگر رداء نجس شود می تواند موقّتاً آن را بردارد) و احتیاط آن است که اگر بدن نیز در حال احرام نجس شود، مبادرت به تطهیر آن کند. مسأله ۷۵ اگر جامه احرام یا بدن را تطهیر نکند کفّاره ندارد. مسأله ۷۶ هرگاه محرم جامه احرام را بنا بر عللی عوض کرده، بهتر است هنگامی که وارد مکّه می شود، برای طواف همان جامه ای را که در آن محرم شده، بپوشد. مسأله ۷۷ اگر از روی نادانی یا فراموشی در حالی که پیراهن یا لباسهای معمولی دیگر در تن دارد احرام ببندد، احرام او صحیح است؛ ولی باید فوراً آن لباس را از تن بیرون آورد، و فقط لباس احرام بپوشد، و اگر این کار از روی علم و عمد باشد، احتیاط آن است که در این صورت بعد از بیرون آوردن آن لباس و پوشیدن لباس احرام، دوباره نیّت کند و لبّیک بگوید. مسأله ۷۸ هرگاه بعد از احرام به خاطر ندانستن مسأله یا فراموشی، پیراهن به تن کند احرامش صحیح است؛ ولی باید آن را از طرف پایین درآورد،و اگر ممکن نشد، باید آن را بشکافد و بیرون آورد. مسأله ۷۹

هرگـاه بیمار باشـد و نتوانـد لباس معمولی خود را در میقات از تن در آورد، کافی است نیّت احرام کنـد و لبّیک بگویـد، و در صورت امکان لباسـهای معمولی را مؤقتاً در آورد و لباس احرام بپوشد و محرم شود، و بعداً اگر ناچار است لباس معمولی خود را به تن کنـد، و اگر در میقات این کار ممکن نشـد، و بعـداً حال او برای پوشـیدن لباس احرام مساعـد شـد، احتیاط واجب آن است که اگر توانـایی دارد به میقات برگردد، و مجـدّداً احرام ببنـدد، و اگر بازگشت به میقات میّسر نبود، از همان جا لباس را عوض می کند، و تجدید احرام لازم نیست. مسأله ۸۰ پوشیدن بیش از دو جامه (مثلا دو حوله) برای احرام جهت جلوگیری از سرما یا گرما یا غیر آن، اشکالی ندارد. مسأله ۸۱ هرگاه محرم بر اثر سردی هوا، یا علّت دیگر، ناچار شود لباس دوخته بپوشد، این کار اشـکالی ندارد، ولی اگر ممکن است، لباس دوخته را پایین و بالا کند و بر دوش بیندازد، و دست در آستین آن نکند، و احتیاط آن است که آن را پشت و رو نیز بنماید، و اگر اضطرار به پوشیدن لباس دوخته به این نوع پوشش رفع نمی شود، می تواند به طور معمولی لباس بپوشد. سؤال ۸۲ آیا به هنگام پوشیدن لباس احرام، چه در میقات باشد یا ساعتها قبل از بستن احرام در مـدینه صورت گرفته باشـد، قصـد خاصّی لازم است؟ جواب: هیـچ قصـدی لازم نیست، بلکه هنگام احرام مطابق آنچه در بحث احرام گذشت نیّت می کند. سؤال ۸۳ هرگاه شخصی در میقات، یا محاذات آن،

یا ادنی الحل، یا شـهر مکّه، و خلاصه هر جا که وظیفه اش بوده محرم شود، و سپس پشیمان گردد، آیا می تواند احرامش را بر هم بزند؟

جواب: نمی تواند از احرام خارج شود. حتّی اگر لباس احرام را از تن بیرون کند، و لباس دوخته بپوشد، و قصد بیرون آمدن از احرام کنـد، احرامش به هم نمی خورد، و آنچه به سـبب احرام بر او حرام شـده حلال نمی شود، و اگر کاری کنـد که موجب کفّاره است، باید کفّاره بدهد و راه خروج از احرام فقط انجام عمره یا حج است که نیّت آن را کرده است. سؤال ۸۴ بعضی از مردان محرم برای این که موقع وزش بـاد، یـا به هنگـام سوار شـدن ماشـین، یـاماننـد آن، عورت آنها ظاهر نشود، علاوه بر دو حوله احرام، یـک متر پـارچه نـدوخته از وسط پا عبور می دهنـد، به گونه ای که دو طرف پارچه از جلو و عقب زیر حوله قرار می گیرد. این عمل چه حکمی دارد؟ جواب: اشـکال ندارد; ولی اجتناب از این گونه کارها جز در موارد ضـروری بهتر است. سؤال ۸۵ آیا لباس احرام منحصـر به دو جامه است،و نباید بیشتر باشد؟ جواب: مقدار واجب آن دو جامه است، و زیادتر مانعی ندارد; مشـروط بر این که مانند لباس احرام باشد، مثلا از حوله های متعدّد استفاده کند. سؤال ۸۶ اینجانب به علّت قطع نخاع و عـدم کنترل بول و مشـکلات دیگر، نمی توانم بـدن و لباس احرام خود را پاک نگهـدارم، وظیفه ام چیست؟ جواب: آن مقدار که می توانید محافظت کنید، و آنچه موجب عُسر و

حرج است اشکالی ندارد. سؤال ۸۷ اگر لباس احرام زنان به قدری نازک باشد که بدن آنها نمایان گردد، آیا به اعمال حجّ آنان ضرری می رساند؟ جواب: این کار برای احرام اشکال دارد و طواف و نماز طواف را باطل می کند. سؤال ۸۸ طبق فتوای بعضی از مراجع که فرموده اند: «احتیاطاً زنان هم مثل مردان محرم شوند» آیا زن بعد از پوشیدن حوله های احرام، می تواند حوله ها را کنار بگذارد، و اعمال حج را با لباس معمولی اش انجام دهد؟ جواب: زنان می توانند در همان لباسهای معمولی محرم شوند، و پوشیدن حوله های احرام لازم نیست، و به فرض که احتیاطاً با آن محرم شوند، بعد می توانند بیرون آورند. سؤال ۸۹ اگر جامه احرام را از پول خمس یا زکات نداده خریده باشند، آیا احرام در آن صحیح است؟ جواب: احرام در آن حرام است. سؤال ۹۰ آیا پرداخت خمس لباس احرام، که معلوم نیست از پول خمس نداده تهیّه شده، یا از پولی که خمس به آن تعلّق نگرفته (مانند مال الارث) واجب است؟ جواب: با فرض شک در تعلّق خمس، پرداختن خمس آن لازم نیست، هر چند احتیاط در آن مطلوب است. سؤال ۹۱ چنانچه شخصی که سال خمسی نداشته به عمره مفرده مشرّف شود، و با همان پولهای خمس نداده هزینه های عمره، از جمله لباس احرام را تأمین نماید. عمره او چه حکمی دارد؟ جواب: اعمال او اشکال دارد. سؤال ۹۲ شخصی با پول خمس نداده لباس احرام خریده، و با همان لباس محرم شده، و طواف و نماز طواف را بجا آورده است.

اکنون وظیفه اش چیست؟

جواب: اگر از روی علم و عمـد نبوده، عمره و حجّ او صـحیح است، ولی در صورتی که جاهل مقصّـِر بوده، احتیاط واجب آن است طواف و نمـاز آن، را اعاده کنـد. سؤال ۹۳ غسـل احرام، زیـارت وماننـد آن، تا چه زمانی اعتبار دارد؟ و با چه چیزهایی باطل می شود؟ جواب: تا یک روز معتبر است; و اگر حدث اصغر از او سر زند، به قصد رجا آن را اعاده می کند، ولی واجب نیست.

دوّم: نیّت

مسأله ۹۴ نیّت احرام چنین است که قصـد می کنـد اموری را که بعداً به آن اشاره می شود بر خود حرام بشـمرد، و به دنبال آن به اعمال عمره بپردازد، و کافی است با در نظر گرفتن این معنی، به زبان، یا در قلبش بگویـد: «احرام می بندم برای عمره مفرده برای خودم (یا برای کسی که از طرف او نیابت دارم) قربه الی الله» و منظورش از «احرام می بندم» بناگذاری بر تحریم کارهای مزبور بر خویش است.

مسأله ۹۵ لازم نیست نیّت را بر زبان جاری کنـد، بلکه کافی است چنین قصـدی در دل او باشد، ولی بهتر است علاوه بر قصـد باطنی، بر زبان نیز جاری سازد. مسأله ۹۶ مستحبّ است ولیِّ طفلِ غیر ممیّز، یا هر کسی که عهده دار کارهای کودک است او را محرم کنـد، و لباس احرام بر وی بپوشاند، و از طرف او نیّت کند; یعنی به هنگام عمره مفرده بگوید: «این طفل را محرم می کنم به عمره مفرده قربه الی الله» و در صورت امکان او را وادار کند که لبّیک بگوید،

و اگر توانایی نـدارد خودش از طرف او لَبّیک بگویـد; امّا اگر ولیّ می ترسـد که نتوانـد وظائف مربوط به کودک را بدرستی انجام دهد، بهتر است از محرم کردن وی صـرفنظر کند. مسأله ۹۷ هرگاه در موقع نیّت احرام قصد شکسـتن بعضی از محرّمات را داشـته باشد (مثل این که در همان موقع در حال سـفر باشد، و بدون ضـرورت زیر سـقف اتومبیل یا هواپیما قرار گیرد) برای احرام او خالی از اشـکال نیست، و اگر در آغاز نیّت ترک همه را داشته، ولی پس از احرام نیّت او عوض شود، یا بعضی از آن اعمـال را مرتکب گردد، ضـرری به احرام او نمی زنـد; هر چنـد در مواردی بایـد کفّاره دهـد. مسأله ۹۸ دانسـتن اموری که بر محرم حرام است به طور مشـروح لازم نیست; بلکه کافی است به طور اجمال نیّت ترک همه را داشـته باشـد. سؤال ۹۹ هرگاه کسـی که به دیگران «نیّت احرام» و «تلبیه» را تلقین می کرده، فراموش کنـد که خودش نیّت نماید، وظیفه اش چیست؟ جواب: اگر بـه قصـد انجـام عمره تلـبیه نگفتـه، محرم نشـده است، و بایـد در صـورت امکـان به میقـات بـازگردد و محرم شـود، و اگر بازگشت به میقات ممکن نیست، به خارج حرم می رود و در آنجا مجدّداً احرام می بنـدد. سؤال ۱۰۰ هرگاه شخصی رجاءاً به احرام عمره مفرده محرم شود، آیا باید در تمام اعمال عمره کلمه رجاء را در نیّت بیاورد، یا این کار لازم نیست؟ جواب: همین اندازه که نیّت رجاء در ذهن او نسبت به تمام اعمال عمره وجود دارد کافی است، و لازم نیست

کلمه رجاء را تکرار کند.

سؤال ۱۰۱ آیا قصد باطل کردن عمره، یا قسمتی از مناسک آن (بدون آن که هنگامِ قصدِ ابطال عمل را ادامه دهد) موجب بطلان آن می گردد؟ جواب: قصد ابطال موجب بطلان نمی گردد.

سوّم: گفتن لبّیک

مسأله ۱۰۲ واجب است هنگام احرام «لبّیکهای چهارگانه» را به عربی صحیح بگوید، و احتیاط واجب آن است که بصورت زیر باشد: «لَبَّیْکَ اللّهُمَّ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ لا شَریکَ لَکَ لَبَّیْکَ، اِنَّ الْحَمْدَ وَ النِّعْمَهَ لَکَ وَ الْمُلْکَ، لا شَریکَ لَکَ; یعنی خداوندا! اجابت (و اطاعت) می کنم دعوت تو را، و دگر بار هم اجابت می کنم تو را، همتایی برای تو نیست، اجابت می کنم تو را، ستایش تنها تو را سزاوار است، و نعمت و ملک از آن تو است، هیچ همتایی نداری!». مسأله ۱۰۳ احتیاط واجب آن است از افزودن لبّیک پنجم و عبارات دیگر خودداری شود; مگر آنچه در مستحبّات خواهد آمد. مسأله ۱۰۴ واجب است لبّیکهای چهارگانه فوق را، همانند تکبیره الاحرام نماز، به طور صحیح اداء کند. مسأله ۱۰۵ در صورتی که زائر نتواند این عبارات را با عربی صحیح ادا کند، باید آن را یاد بگیرد، و اگر نتواند، یا وقت نباشد، کافی است دیگری شمرده شمرده برای او بخواند و او تکرار نماید، و چنانچه قادر بر تلفّظ صحیح نباشد، احتیاط آن است آنچه را می تواند بخواند، و ترجمه آن را نیز بگوید. مسأله ۱۰۶ شخص گنگ بجای گفتن «لبّیک» با دست خود اشاره می کند،و زبان خود را طبق معمول حرکت می دهد، و بهتر است علاوه بر این، کسی به نیابت از او نیز

لبّیـک بگویـد، ولی واجب نیست. مسأله ۱۰۷ کودکـان نیز می تواننـد برای عمره مُحرم شونـد، و چنانچه خودشان تمیز بـدهند «لبّیک» را همراه با نیّت می گویند، و اگر غیر ممیّز باشـند کسـی از طرف آنها نیّت می کند و لبّیک می گوید، و هر گاه کسـی در میقـات بیهوش باشـد، از طرف او نیز می توان نیّت کرد و لبّیـک گفت. مسأله ۱۰۸ در احرام فقـط یک بار لبّیک گفتن (به صورتی که گفته شد) واجب است، و بعد از آن، مسـتحبّ است آن را در حالات مختلف به مقدار امکان تکرار کند; یعنی در موقع سوار شـدن بر مرکب و پیاده شـدن، و گذشـتن از پستیها و بلنـدیها، و پس از خواب، و بعـد از نمازها تکرار می نماید، و بهتر است مردان صـدای خود را به لبّیک بلنـد کنند. مسأله ۱۰۹ در احرام عمره مفرده واجب است هنگام مشاهـده کعبه اگر از مکّه برای احرام به خـارج رفته است، و هنگام داخل شـدن به منطقه حرم اگر از خارج مکّه به سوی آن می آیـد، لبّیک را قطع کند. مسأله ۱۱۰ هر گاه محرم «لبّیک» واجب را، چه عمداً و چه بر اثر عذر، نگفته باشد، محرّمات احرام بر او حرام نمی شود، و اگر چیزی از محرّمـات احرام که کفّـاره دارد انجام دهـد، کفّاره بر او واجب نمی شود. همچنین اگر «لبّیک» اوّل را با ریا باطل کند.

مسأله ۱۱۱ پیش از گفتـن «لبّیـک» اعمـالی کـه بر محرم حرام اسـت، بر او حرام نمی شـود; هر چنـد نیّت احرام کرده، و لبـاس احرام را نیز پوشیده باشد. بنابراین، اگر قبل از گفتن لبّیک

چیزی از آنها را بجا آورد کفّاره ای نـدارد، و در حقیقت «لبّیک» مانند «اللّه اکبر» اوّل نماز است، که تا آن را نگوید وارد نماز نمی شود، و هرگـاه شک کنـد که «لبّیک» گفته یا نه؟ باز هم چیزی بر او حرام نمی شود. مسأله ۱۱۲ هرگاه در میقات باشد و شک کنـد لبّیک گفته، یا نه باید لبّیک را بگوید، و اگر از میقات گذشـته، احتیاط آن است اگر می تواند بازگردد و لبّیک را بگوید، و اگر نمی تواند، در همانجا بگوید، و اگر لبّیک گفته، امّا نمی داند صحیح گفته یا نه؟ بنابر درست گفتن می گذارد، و احرامش صـحیح است. مسـأله ۱۱۳ اگر لبّیـک را فراموش کنـد، یـا به خـاطر ندانسـتن مسـأله آن را نگویـد، واجب است در صورت امکان به میقات برگردد و احرام ببنـدد و لبّیک بگویـد، و اگر نتوانـد برگردد، و هنوز داخل حرم نشـده، همانجا لبّیک می گویـد، و اگر داخل حرم شـده، واجب است به خارج حرم بازگردد، و در آنجا احرام ببنـدد و لبّیک بگوید، و چنانچه نمی توانـد بازگردد، همانجا محرم می شود و لبّیک می گویـد، و اگر بعـد از اتمام عمره یادش بیایـد، عمل او صـحیح است. مسأله ۱۱۴ جـایز نیست لبّیک واجب را از میقات تأخیر بینـدازد، و اگر عمـداً تأخیر بینـدازد، بایـد به وظیفه کسـی که بـدون احرام از میقـات عبور کرده عمل کنـد; یعنی اگر می توانـد بازگردد. سؤال ۱۱۵ بعضـی از زائران ایرانی، کلماتیماننـد «لبّیک»، «غیر»، «یوم» و مانند آن را به گونه ای ادا می کنند که گاه احساس می شود متمایل به کسره است.

در مقابل بعضی از اهل دقّت، یا وسواسیها، اظهار می دارند که فتحه باید کاملا ظاهر شود، و به هنگام تلفّظ چنان اشباع می کنند که شبیه به «الف» می شود (و لبّیاک می گویند) در حالی که اساتید قرائت زبان عربی و حتّی خود عربها نیز به دقّتی که گروه دوّم لازم می دانند، ادا نمی کنند. لطفاً بفرمائید طرز صحیح قرائت این کلمات چگونه است؟ جواب: در این گونه مسائل باید به تلفّظ اهل لسان توجّه کرد; و از آنجا که اهل لسان فتحه را به صورتی که گروه دوّم معتقدند نمی گویند، احتیاط آن است که از آن پرهیز شود; و آنچه از اهل لسان بارها شنیده ایم این است که فتحه را کمی مایل به کسره ادا می کنند، و همین صحیح است. سؤال ۱۱۶ یکی از حُجّاج شنوایی خود را به کلّی از دست داده، و زبانش هم لکنت دارد، و قادر بر تکلّم صحیح نمی باشد. مسؤولین و دوستانش به این موضوع توجّه نداشته، و آن شخص در میقات نیّت نکرده، و تلبیه هم نگفته، و به همین شکل همراه بقیّه وارد مکّه شده است، وظیفه او چیست؟ جواب: باید به میقات برگردد و با نیّت و تلبیه مُحرم شود; هر چند با بردن همراه باشد، و اگر نمی تواند به میقات بازگردد، باید در خارج از حرم محرم شود، و اگر نمی تواند تلبیه را، هر چند با تلقین، صحیح بگوید احتیاط آن است که به هر نحو می تواند بگوید، و ترجمه اش را نیز بر زبان آورد. سؤال ۱۱۷ چنانچه پس از خروج از میقات متوجّه

شـود که تلـبیه را نگفته، یـا نیّت نکرده، یـا به جهت دیگری احرامش درست نبوده، و از طرفی نمی توانـد از نیمه راه به میقـات برگردد، بلکه بایـد به مکّه بیاید، و از آنجا به میقات بازگردد. وظیفه چنین شخصـی چیست؟ جواب: باید از أدنی الحلّ به نیّت عمره مفرده محرم گردد. سـؤال ۱۱۸ آیـا خانمهـا می تواننـد تلبیه را به گونه ای بلنـد بگوینـد که مرد نـامحرم صـدای آنهـا را بشنود؟ جواب: اشکالی ندارد.

احکام إحرام

مسأله ۱۱۹ لازم نیست محرم به هنگام احرام بستن، از حدث اصـغر و اکبر پاک باشد، بنابراین بدون وضو، و در حال جنابت یا حیض، یا نفاس می تواند محرم شود. (البتّه روشن است که در صورت جنابت و حیض و نفاس هم باید خارج از مسـجد محرم شود)، بلکه غسل احرام بر زن حائض و نفساء نیز مستحب است. مسأله ۱۲۰ اگر احرام را فراموش کند و بعد از پایان مناسک و اعمال متوجّه شود، عمره او صحیح است. مسأله ۱۲۱ احرام کسی که ختنه نشده صحیح است، ولی طواف و نماز طواف های او اشـکال دارد، و در احرام بـاقی می مانـد. مگر آن که ختنه کرده و سـپس طواف و نمـاز طواف را بجای آورد. مسأله ۱۲۲ اگر بچّه ختنه نشده را وادار به احرام کنند، یا او را محرم نمایند، احرام او صحیح است; ولی تمام طوافهای او اشکال دارد. بنابراین، چنین فردی در احرام باقی می ماند، و در آمدن از احرام برای او مشـکل می شود; مگر آن که او را ختنه کنند، و سپس طواف کند، یا او را طواف دهند.

محرّمات احرام

محرّمات احرام

مسأله ۱۲۳ هنگامی که انسان محرم می شود کارهای زیر بر او حرام می گردد، و بعضی دارای کفّاره است، به عقیده ما بعضی از آنها مکروه است، که شرح آن خواهد آمد. این کارها به ترتیب زیر است: ۱ پوشیدن لباس دوخته (برای مردان). ۲ پوشیدن چیزی که پشت پا را می پوشاند (برای مردان). ۳ پوشانیدن سر (برای مردان). ۴ پوشانیدن صورت (برای زنان). ۵ زینت کردن برای همه. ۶ سرمه کشیدن. ۷ نگاه کردن در آینه.

۸ استعمال بوی خوش. ۹ مالیدن کرم و روغن به بدن. ۱۰ ناخن گرفتن. ۱۱ زیر سایه رفتن در حال سفر (برای مردان). ۱۲ زائل کردن مو از بدن. ۱۳ عقد ازدواج. ۱۴ نگاه به همسر از روی شهوت. ۱۵ لمس کردن. ۱۶ بوسیدن. ۱۷ نزدیکی کردن. ۱۸ استمناء کردن. ۱۹ کشتن حشرات. ۲۰ بیرون آوردن خون از بدن. ۲۱ کشیدن دندان. ۲۲ مجادله کردن. ۲۳ دروغ گفتن. ۲۴ صید حیوانات صحرایی. ۲۵ حمل اسلحه.

مسأله ۱۲۴ پس از آن که کودک محرم شد، یا او را محرم نمودند، ولیّ یا سرپرست او باید او را از محرّمات احرام باز دارد، و اگر ممیّز نیست، او را از محرّمات احرام حفظ کند. مسأله ۱۲۵ اگر کودکِ محرم مرتکب یکی از محرّمات احرام شد، کفارّه آن در صید بر عهده ولیّ او است، نه آن که از اموال طفل بپردازد، و احتیاط مستحب آن است که در غیر صید نیز ولیّ از طرف او کفّاره بدهد.

۱ پوشیدن لباس دوخته

مسأله ۱۲۶ پوشیدن لباسهایی مانند پیراهن، قبا، کت و شلوار، زیر پیراهن، شورت، بر مردان در حال احرام حرام است;

بلکه احتیاط واجب آن است که از هر لباس دوخته اجتناب کننـد. همچنین از لباسـهای بافتنی، و لباسـهایی که قطعات آن را به هم می چسبانند، یا مانند نمد درست می کنند، و به صورت پیراهن و پالتو و شـلوار و مانند آن است، هر چند دوختنی نباشد و نخ و سوزن در آن به کار نرود، احتیاط واجب این است که از همه این ها پرهیز شود.

مسأله ۱۲۷ در لبـاس دوخته تفـاوتی میـان لباس کوچک و بزرگ نیست، ولی انـداختن پتوهایی که اطراف آن دوخته شـده بر شانه برای دفع سـرما و مانند آن، یا کشـیدن لحاف دوخته شده به روی بدن (به شرط این که سر خود را با آن نپوشاند) اشکال نـدارد، بلکه اگر لبه های احرامی نیز دوخته باشد ضـرری ندارد; هر چند احتیاط مسـتحب در ترک آن است. مسأله ۱۲۸ بستن «همیان»(۱) بر کمر مانعی نـدارد، هر چند دوخته شده باشد. همچنین بسـتن کمربند روی احرامی نیز مانعی ندارد; خواه دوخته باشـد، یـا غیر دوخته. بسـتن شـال دوخته شـده روی احرامی نیز بی مـانع است، امّا احتیاط مسـتحب در تمام اینها نـدوخته بودن است. مسأله ۱۲۹ اسـتفاده از فتق بنـد، هر چند دوخته باشد، مانعی ندارد. همچنین کیفهای دوخته ای که احیاناً به گردن یا شانه می اندازنـد، و قمقمه آب که در محفظه دوخته ای قرار دارد، ضـرری نـدارد. مسأله ۱۳۰ همـان گونه که در باب احرام گفتیم احتیاط واجب آن است که لنگ احرامی را به گردن گره نزنـد; امّا گره زدن آن به دور کمر، مخصوصاً در آنجا که احتیاج به آن باشد، و همچنین گره

زدن رداء، یا استفاده از سنجاق برای نگهداشتن آن، یا لنگ مانعی ندارد، ولی بهتر ترک آن است، و آنچه در میان بعضی از حجّاج معمول است، که سنگی در کنار حوله گذاشته، و با یک قطعه کش یا نخ آن را به طرف دیگر می بندند نیز جایز است، و بهترین راه برای حفظ لنگ، استفاده از کمربند است. مسأله ۱۳۱ پوشیدن انواع لباس دوخته برای زنان بی مانع است; مگر دستکش که جایز نیست، هر چند دوخته نباشد. مسأله ۱۳۲ کسی که عمداً لباس دوخته بپوشد، کفّاره آن یک گوسفند است; امّا اگر از روی فراموشی یا جهل باشد چیزی بر او نیست. مسأله ۱۳۳ پوشیدن لباس دوخته در حال اضطرار حرام نیست، ولی کفّاره دارد. مسأله ۱۳۴ اگر محرم چند لباس دوخته بپوشد، باید برای هر کدام یک کفّاره بدهد، و احتیاط واجب آن است که اگر آنها را توی هم کند و یک دفعه بپوشد، برای هر یک کفّاره جداگانه بپردازد. مسأله ۱۳۵ اگر از روی اضطرار لباسهای متعدّد بپوشد کفّاره ساقط نمی شود; مگر این که کفّاره متعدّد موجب عسر و حرج شود. مسأله ۱۳۶ اگر لباسی، مثلا پیراهن، بپوشد و کفّاره آن را بپردازد، و دوباره پیراهن دیگری بپوشد، یا همان را که پوشیده از تن بیرون آورد و مجدّداً بپوشد، باید دوباره کفّاره بپردازد. سؤال ۱۳۷ آیا مردان محرم، برای محافظت از سرما، می توانند از پتوهائی که حاشیه آن دوخته شده استفاده کنند؟ جواب: اشکالی ندارد،وحکم لباس دوخته برآن جاری نمی شود. سؤال ۱۳۸ آیا منظور از لباس دوخته که در حال احرام بر مردان حرام

است دوختنیهـایی است که قطعـات جـدا از هم را به هم متّصـل می کننـد، یـا حتّی اگر بر روی حـوله احرام هم دوخت بزنند اشـکال دارد؟ جواب: این گونه دوختن هـا اشـکالی نـدارد. سؤال ۱۳۹ آیـا اسـتفاده از دست و پـای مصـنوعی، که با چرمهای دوخته شده به بدن می بندند، برای جانبازان و معلولینِ مُحرم جایز است؟

جواب: اشـکالی ندارد، و کفّاره هم ندارد. سؤال ۱۴۰ آیا پوشـیدن لباسهایی که قسمتهایی از آن، به عنوان تزیین، تور دوزی یا گلـدوزی شـده، برای زنـان محرم جایز است؟ و آیا مقنعه جز لباس است؟ جواب: از لباسـهای زینتی در حال احرام بایـد پرهیز کرد، و مقنعه نیز جزء لباس است.

۱ . همیان چیزی است که، بر کمر می بندند و پول نقد و مانند آن را در آن می گذارند.

۲ پوشیدن چیزی که تمام پشت پا را بپوشاند(برای مردان)

مسأله ۱۴۱ پوشـیدن کفشـهایی که تمام پشت پا را می پوشانـد،ماننـد چکمه، گیوه، کفشـهای معمولی و امثال آن، و همچنین جوراب در حـال احرام جـایز نیست; خواه ساق پا را بپوشانـد، یا نه; امّا اگر قسـمتی از پشت پا را بپوشانـد، ماننـد بنـد نعلین، و کفشهایی که قسمتی از پشت پا در آن پوشیده نمی شود، مانعی ندارد. البتّه این حکم مخصوص مردان است، و پوشیدن کفش و جوراب برای زنان در حال احرام اشـکال ندارد. مسأله ۱۴۲ هرگاه حوله احرامی بلنـد باشد و پشت پا را بپوشاند، یا مثلا برای رفع درد پا، پارچه ای را داغ کننـد و روی پشت پا بگذارنـد، اشـکالی ندارد. مسأله ۱۴۳ هرگاه مرد عمداً، یا در حال اضـطرار، کفش و جوراب بپوشد کفّاره ندارد، و احتیاط

مستحب آن است که اگر مجبور به پوشیدن کفش و جوراب شود، قسمت روی پا را شکاف دهد. سؤال ۱۴۴ آیا احرام در کفش دوخته شده، که تمام پشت پا را نگیرد، جایز است؟ جواب: آری جایز است; ولی بهتر است مردان در حال احرام چنین کفشی نپوشند.

۳ پوشانیدن سر (برای مردان)

مسأله ۱۴۵ پوشانیدن تمام سر برای مردان در حال احرام حرام است، و احتیاط واجب آن است که قسمتی از سر را نیز نپوشانند، ولی پوشانیدن سر با دست، یا موقع خشک کردن با حوله، یا به هنگام خواب به وسیله بالش جایز است. همچنین انداختن بند مشک و ساک و مانند آن، بر سر جایز است، و پوشانیدن صورت نیز برای مردان مانعی ندارد.

مسأله ۱۴۶ احتیاط واجب آن است که سر را به چیزهایی مثل گِل، حنا، دارو، و مانند آن نیز نپوشاند. مسأله ۱۴۷ احتیاط واجب آن است که چیزی بر سر نگذارد; مثلا باری را که می خواهد حمل کند بر روی سر قرار ندهد. مسأله ۱۴۸ احتیاط واجب آن است که گوشها را نیز نپوشانند. مسأله ۱۴۹ جایزنیست محرم سر خود را در آب فرو برد; خواه بقیّه بدن زیر آب باشد یا نه; امّا ریختن آب بر سر خواه برای غسل باشد یا غیر آن مانعی ندارد، همچنین زیر دوش رفتن; ولی سر خود را در وان حمّام زیر آب نکند. مسأله ۱۵۰ دستمالی که برای سردرد به سر می بندند اشکال ندارد، و خشک کردن سر با دستمال و حوله نیز جایز است; مشروط بر این که سر را با آن نپوشاند. مسأله ۱۵۱ اگر پارچه ای را روی

کمانی بیندازند، به گونه ای که بالای سر قرار گیرد، و سر را برای حفظ از پشه زیر آن کنند اشکالی ندارد. همچنین استفاده از پشه بند اشکال ندارد. مسأله ۱۵۲ مرد محرم نباید به هنگام خوابیدن سر خود را بپوشاند، و اگر بدون توجّه، یا از روی فراموشی چنین کند، باید فوراً سر خود را برهنه نماید. مسأله ۱۵۳ کفارّه پوشانیدن سر به طور عمد برای مردان یک گوسفند است (بنابر احتیاط واجب؛) ولی در صورت جهل و فراموشی و غفلت کفّاره ندارد. مسأله ۱۵۴ احتیاط واجب آن است که اگر سر را به طور مکرّر بپوشاند، کفّاره را نیز تکرار کند؛ یعنی برای هر دفعه یک گوسفند بدهد، مگر این که موجب عُسر و حرج شود. سؤال ۱۵۵ اگر محرم سر درد بگیرد و بدین جهت دستمالی بر سر ببندد، که تمام سر را بپوشاند، چه حکمی دارد؟ جواب:این کار در حال ضرورت جایز است؛ ولی بنابر احتیاط واجب کفّاره دارد. سؤال ۱۵۶ مُحرمی سرش را شسته و موهایش خیس است. اگر صبر کند تا موها به طور طبیعی خشک شود و سپس وضو بگیرد، نمازش به تأخیر می افتد. وظیفه اش چیست؟ جواب: مانعی ندارد سرش را با حوله خشک کند، و سپس وضو بگیرد، ولی حوله را آهسته بکشد، تا مویی جدا نشود، همچنین دقت نماید تا همه سر را نپوشاند.

سؤال ۱۵۷ اگر مرد محرم سرش را با چیز دوخته مانند کلاه دوخته شده بپوشاند، آیا باید دو کفّاره بدهد، یا یک کفّاره کافی است؟ جواب: در مثل پارچه دوخته شده که به صورت کلاه نیست

یک کفّاره دارد؛ ولی کلاه دوخته و مانند آن، بنابر احتیاط واجب دو کفّاره دارد.

۴ پوشانیدن صورت (برای زنان)

مسأله ۱۵۸ پوشانیدن صورت برای زنان در حال احرام جایز نیست، خواه به وسیله نقاب باشد، یا پوشیه، یا بادبزن، یا مانند آن. حتّی احتیاط واجب آن است که به وسیله سدر و مانند آن هم صورت خود را نپوشانند. مسأله ۱۵۹ پوشانیدن قسمتی از صورت، به طوری که به آن نقاب و برقع نگویند حرام نیست. همچنین پوشانیدن در حال خواب به وسیله لحاف و گذراندن صورت بر بالش، یا پوشانیدن به وسیله دست، مانعی ندارد. مسأله ۱۶۰ بر زنان واجب است که به هنگام نماز سر خویش را بپوشانند، و بدین منظور برای این که یقین حاصل کنند می توانند مقداری از صورت را نیز با مقنعه و مانند آن بپوشانند. مسأله ۱۶۱ جایز است زن چادر خود را پایین بکشد، به طوری که نصف یا تمام صورت را فراگیرد، و احتیاط آن است که به صورت نچسبد، و در صورتی که نامحرمی نباشد صورت را باز نگه دارد (باز بودن گردی صورت در غیر حال احرام نیز جایز است). مسأله ۱۶۲ کفّاره پوشانیدن صورت برای زنان، بنابر احتیاط مستحب یک گوسفند است، و می توان این احتیاط را ترک کرد. سؤال ۱۶۳ هرگاه زن محرم از مقنعه ای استفاده کند که روی چانه را تا لبها بپوشاند، چه حکمی دارد؟ جواب: اشکال ندارد؛ هر چند بهتر آن است که مقنعه روی خطّ چانه باشد. سؤال ۱۶۴ آیا زن مُحرِم می تواند صورت خود را با حوله خشک کند. جواب: خشک کردن صورت برای زنان با حوله

مانعی نـدارد. به شـرط اینکه تمام صورت را نپوشانـد. سؤال ۱۶۵ صورت خانمهـای محرم در حال پوشـیدن یا درآوردن مقنعه خواه و ناخواه پوشیده می شود، چه حکمی دارد؟ جواب: این مقدار مانعی ندارد.

۵ زینت کردن

مسأله ۱۶۶ جـایز نیسـت مردان انگشـتر زینـتی بپوشـند؛ ولی انگشترهـایی که برای ثـواب در دست می کننـد، اگر جنبه تزیینی نداشته باشد، بی اشکال است. بنابراین اگر انگشتر زینتی باشد، باید از پوشیدن آن خودداری کند، خواه به قصد زینت باشد، یا نباشد. مسأله ۱۶۷ اگر انگشتری به دست کنـد، نه برای زینت و نه برای اسـتحباب، مثل آن که برای خاصـیّتی به دست کنـد، و عرفاً جنبه زینتی نداشـته باشد، اشـکال ندارد. مسأله ۱۶۸ پوشـیدن زینت آلاـت مطلقـاً برای زنان در حال احرام جایز نیست؛ امّا زینت آلاـتی که قبلاـ به طور معمول آن را می پوشـیده، اگر در حال احرام پنهان باشـد مانعی نـدارد، و آنها را نبایـد به مردان نشان بدهـد؛ حتّی به شوهر خود. مسأله ۱۶۹ بسـتن «حنا» برای مردان و زنان، اگر جنبه زینت داشـته باشـد، در حال احرام جایز نیست.

مسأله ۱۷۰ احتیـاط واجب آن است که محرم، خواه زن باشـد یـا مرد، از پوشـیدن هرگونه زینت آلات دیگر نیز اجتناب کنـد؛ حتّی احرامی زینتی، یـا نعلین زینتی نپوشـد، و از هرگونه آرایش سـر و صورت و سـایر اعضـای بـدن پرهیز نمایـد. مسـأله ۱۷۱ رنـگ کردن موهـا، در صـورتی که به آن تزیین گفته شود، برای محرم اشـکال دارد؛ هر چنـد قصـد زینت نکرده باشـد، و در صورتی که جنبه تزیین نداشته باشد (مثل این که برای درمان حنا ببندد) مانعی ندارد. همچنین رنگ

کردن موها و بستن حنا قبل از احرام، به طوری که اثرش تا موقع احرام باقی بماند، اشکالی ندارد; مگر این که از اوّل قصدش تزیین برای حالت احرام باشد، که معمولا کسی این کار را نمی کند. مسأله ۱۷۲ پوشیدن زیور آلات برای زنان در حال احرام حرام است، ولی کفّاره ندارد. سؤال ۱۷۳ در مورد زینت کردن زن در حال احرام فرموده اید: «اگر به قصد بقاء زینت قبل از احرام زینت کند، و اثرش پس از احرام نیز باقی باشد، اشکال دارد» آیا حکم مزبور تکلیفی است، یا وضعی؟

جواب: حکم مذکور تکلیفی است، و احرام او باطل نمی شود، و کفّاره ای ندارد.

۶ سرمه کشیدن

مسأله ۱۷۴ سرمه کشیدن برای زنان و مردان با موادّ سیاه، یا غیر آن، اگر جنبه زینت داشته باشد در حال احرام حرام است، و اگر جنبه زینت ندارد، مثلا ـ برای درمان چشم استفاده شود و شکل زینت به خود نگیرد، اشکالی ندارد. مسأله ۱۷۵ سرمه کشیدن در حال احرام موجب کفّاره نمی شود; مگر این که بوی خوش در آن باشد، که در این صورت اگر عمداً سرمه بکشد احتیاط آن است که یک گوسفند کفّاره بدهد. مسأله ۱۷۶ در صورتی که محرم به خاطر درمان و مانند آن احتیاج به سرمه کشیدن داشته باشد مانعی ندارد.

۷ نگاه کردن در آینه

مسأله ۱۷۷ نگاه کردن در آینه برای تزیین خود و اصلاح سر و وضع خویش در حال احرام حرام است; خواه مرد باشد، یا زن; امّا برای هدفهای دیگر، مثل نگاه کردن رانندگان در آینه برای دیدن اطراف اتومبیل، یا نگاه کردن پزشک برای دیدن دهان و دندان بیمار، یا نگاه به آینه بی آن که عکس خویش را در آن ببیند، یا نگاه کردن به آینه برای دیدن محلّ زخم صورت و مانند آن، مانعی ندارد. مسأله ۱۷۸ نگاه کردن در آب صاف و اشیاء صیقلی برای اصلاح سر و وضع خویش، حکم نگاه در آینه را دارد، و در حال احرام جایز نیست. مسأله ۱۷۹ احتیاط مستحب آن است که به آینه نگاه نکند; هر چند برای زینت کردن نباشد. مسأله ۱۸۰ اگر بدون اختیار چشمش به آینه بیفتد اشکالی ندارد; و بهتر این است که در ایّام حج، در اطاقهایی که افراد محرم سکونت دارند، و نیز در آسانسورها، روی آینه چیزی بکشند

که نگاه غیر اختیاری افراد محرم نیز به آن نیفتد. مسأله ۱۸۱ نگاه کردن به آینه موجب کفّاره نمی شود، ولی مستحبّ است بعد از نگاه کردن لبّیک بگوید.

مسأله ۱۸۲ نگـاه کردن در شـیشه اطاق، یا شـیشه عینک که پشت آن پیـدا است، در حال احرام بی مانع است، ولی اگر عینک زینـتی باشـد اسـتفاده از آن برای محرم، خـواه مرد باشـد یـا زن، جـایز نیست. سؤال ۱۸۳ آیـا عکس گرفتـن در حـال احرام، یا فیلمبرداری در این حال، اشـکال دارد؟ چون عکس گیرنـده به شـیشه دوربین، که حالت شـفّاف و آینهماننـدی دارد، نگاه می کند. جواب: عکس برداری و فیلم برداری در حال احرام اشکالی ندارد.

۸ استعمال بوی خوش

مسأله ۱۸۴ اسـتعمال بوی خوش، مانند انواع عطرها، مُشک، زعفران، گلاب و غیر آن، خواه از طریق بوییدن باشد، یا مالیدن بر بـدن و لباس، یا پراکنـدن در فضای اطاق به وسـیله اسپری، یا خوردن غذاهای معطّر، بر مرد و زن مُحرم حرام است. مسأله ۱۸۵ خوردن میوه های خوشـبوماننـد سـیب و پرتغال وماننـد آن مانعی ندارد; ولی بهتر است از بوییدن آنها خودداری شود. مسأله ۱۸۶ احتیاط واجب آن است که از تمام انواع گلها و سبزیهایی که بوی خوش می دهد اجتناب شود. مسأله ۱۸۷ خرید و فروش عطریّات در حال احرام اشـکالی نـدارد، ولی نبایـد حتّی به عنوان امتحان آنها را ببوید، یا اسـتعمال کند. مسأله ۱۸۸ احتیاط آن اسـت کـه محرم از «دارچیـن»، «زنجبیـل»، «هِـل» و هر آنچـه بـوی خـوش دارد، اجتنـاب کنـد. مسأله ۱۸۹ محرم نمی توانـد با صابونهای عطری، یا شامپوهای معطّر، خود را بشوید، و لازم

است از گذاشتن این گونه اشیاء در کنار لباس احرامی خود، که سبب بو گرفتن آنها می شود، خودداری کند. مسأله ۱۹۰ هرگاه محرم در جایی قرار گیرد که بوی خوش در آنجا باشد، باید چیزی در برابر بینی خود بگیرد که بوی خوش را استشمام نکند; مگر این که موجب عسر و حرج شود، ولی اگر از محلّی بگذرد که بوی بد در آنجاست، نباید بینی خود را بگیرد، امّا می تواند به سرعت از آنجا بگذرد.

مسأله ۱۹۱ اگر ناچار شود لباسی که بوی خوش می دهد بپوشد، یا غذایی که بوی خوش دارد بخورد، باید چیزی در برابر بینی خود قرار دهد که بوی خوش را استشمام نکند; مگر این که موجب عسر و حرج شود. مسأله ۱۹۲ مشهور آن است که استعمال خلوق کعبه (چیزی که کعبه را با آن خوشبو می کنند) حرام نیست; ولی چون معلوم نیست خلوق کعبه چیست احتیاط آن است که از بوی خوشی که فعلا به کعبه می مالند نیز اجتناب شود. مسأله ۱۹۳ اگر عمداً بوی خوش استعمال کند، کفّاره آن بنابر احتیاط واجب یک گوسفند است. مسأله ۱۹۴ اگر در زمان واحد به طور مکرّر بوی خوش استعمال کند، بعید نیست یک گوسفند کفایت کند; ولی احتیاط در تعدّد است، و چنانچه در زمانهای مختلف از بوی خوش استفاده نماید، تکرار کفّاره را ترک نکند، و اگر پس از استفاده از بوی خوش کفّاره دهد، و دوباره بوی خوش استعمال کند، واجب است مجدّداً کفّاره دهد. سؤال ۱۹۵ آیا برای محرم جایز است از صابون، یا شامپوهایی که بویی دارد هر چند

بوی خیلی خوشی نیست استفاده کند؟ جواب: اگر صدق بوی خوش می کند باید از آن اجتناب نماید; در غیر این صورت مانعی ندارد، و اگر مشکوک هم باشد، اشکالی ندارد.

۹ مالیدن انواع روغنها و کرمها به بدن

مسأله ۱۹۶ مالیدن هر نوع روغن و کرم به بدن، خواه معطّر باشد یا نه، برای محرم جایز نیست; حتّی مالیدن روغنهای خوشبو قبل از احرام در صورتی که عطر آن در حال احرام باقی بماند ممنوع است; امّا روغن و کرم غیر معطّر قبل از احرام مانعی ندارد. مسأله ۱۹۷ مالیدن انواع پمادهای طبّی بر بدن برای معالجه و درمان مانعی ندارد. مسأله ۱۹۸ خوردن غذاهای چرب، هر چند اطراف دست و دهان را چرب کند، برای محرم جایز است. مسأله ۱۹۹ خوردن روغن اگر بوی خوش همانند بوی زعفران نداشته باشد، مانعی ندارد. مسأله ۲۰۰ اگر در روغن بوی خوش باشد کفّاره آن یک گوسفند است; هر چند از روی اضطرار باشد، و اگر بوی خوش نداشته باشد، در صورت مالیدن به بدن، کفّاره آن نیز بنابر احتیاط یک گوسفند است.

۱۰ ناخن گرفتن

مسأله ۲۰۱ گرفتن ناخن دست یا پا، حتّی گرفتن یک ناخن یا بعضی از آن، بر محرم حرام است; ولی اگر ناخن آسیب دیده، و ماندن آن ضرر دارد، یا مایه ناراحتی شدید است، می تواند آن را قطع کند. مسأله ۲۰۲ تفاوتی در گرفتن ناخنها با قیچی و ناخن گیر و حتّی با دندان نیست. مسأله ۲۰۳ در آنچه که گفته شد تفاوتی میان انگشت اضافی و غیر آن نیست (بنابر احتیاط واجب). مسأله ۲۰۴ هرگاه گرفتن ناخن از روی فراموشی یا ندانستن مسأله باشد، چیزی بر او نیست، و اگر از روی عمد باشد، کفّاره گرفتن هر ناخن یک مدّ طعام است; (حدود ۷۵۰ گرم) و هرگاه تمام ناخن دستها را بگیرد، کفّاره آن یک گوسفند است.

همچنین اگر تمام ناخنهای دست و پا را در یک مجلس بگیرد، کفّاره آن یک گوسفند است; امّا اگر ناخن دستها را در یک مجلس، و ناخن پاها را در مجلس دیگر بگیرد، کفّاره آن دو گوسفند است. مسأله ۲۰۵ هرگاه تمام ناخن دستها را بگیرد، ولی تمام ناخن پاها را نگیرد، یک گوسفند برای ناخن دستها کفّاره می دهد، و برای هر یک از ناخنهای پا، یک مدّ طعام به نیازمند می پردازد. همچنین اگر تمام ناخن پاها را بگیرد، ولی تمام ناخن دستها را نگیرد. مسأله ۲۰۶ اگر پنج ناخن دست و پنج ناخن پا را بگیرد، باید برای یک از ناخنها یک مدّ طعام کفّاره بدهد. همچنین اگر کمتر از ده ناخن از دستها یا پاها را بگیرد. مسأله ۲۰۷ اگر بیش از ده ناخن داشته باشد، و تمام ناخنها را بگیرد،باید یک گوسفند کفّاره بدهد، و احتیاط مستحب آن است که برای هر یک از ناخنهای اضافه بر ده ناخن اصلی، کفّاره مدّ طعام بدهد. مسأله ۲۰۸ هرگاه شخصی بیش از ده ناخن دارد، و ده ناخن اصلی را در حال احرام بگیرد، احتیاط واجب آن است که یک گوسفند کفّاره بدهد، ولی اگر بعضی از ناخنهای اصلی و بعضی از ناخنهای اضافه را بگیرد، برای هر یک از ناخنهای اصلی یک مدّ طعام، و برای هر یک از ناخنهای اضافی نیز، بنابر احتیاط مستحب، یک مدّ طعام می پردازد. مسأله ۲۰۹ اگر ناچار به گرفتن ناخن شود، احتیاط واجب آن است که کفّاره آن را به همان شرحی که گذشت بپردازد. سؤال ۲۱۰ گرفتن ناخنِ شخصِ غیرِ محرم

توسّط محرم چه حکمی دارد؟ جواب: اشکال ندارد.

۱۱ زیر سایه رفتن در حال احرام (برای مردان)

مسأله ۲۱۱ مرد محرم هنگـام سـفر نبایـد زیر سـایه برود، یا سایبانیماننـد چتر بر سـر بگیرد. بنابراین، سوار شـدن بر هواپیما، یا اتومبیل سر پوشیده، و مانند آن، هنگام روز برای مردان محرم جایز نیست; ولی برای زنان و بچّه ها جایز است، و کفّاره ای هم ندارد. مسأله ۲۱۲ در منازل وسط راه، یا در مکّه، عرفات، مشـعر و منی، رفتن زیر خیمه و سقف منزل مانعی ندارد; هر چند در حـال راه رفتن باشـد. همچنین گذشـتن از بازارهـای سـر پوشـیده، و تونلهایی که برای عابران درست کرده انـد، بی مانع است. مسأله ۲۱۳ گذشـتن از زیر پلهـای وسط راه مانعی نـدارد. همچنین بودن در سایه ای که از دیواره های اتومبیل سـرباز به وجود می آید، جایز است. مسأله ۲۱۴ در این حکم فرقی بین افراد پیـاده و سواره نیست. مسأله ۲۱۵ در مواقعی که سایبان اثری برای حفـظ از آفتـاب و بـاران نـدارد، رفتن مردان محرم زیر سایبـان در حال سـفر مانعی نـدارد. بنابراین، مردان محرم می تواننـد در شبها، یا بین الطُّلوعین، یا روزهای کاملا ابری، از ماشـین سـقف دار یا هواپیما اسـتفاده کنند; ولی در شـبهای بارانی استفاده از سایبان کفّاره دارد. مسأله ۲۱۶ کسانی که نذر کرده اند از کشور خود احرام ببندند، و ناچارند با هواپیما به مکّه مُشرّف شوند، نـذر آنها صـحیح است، و بایـد در کشورشان محرم شونـد، ولی برای زیر سـقف بودن در حال سـفر، باید کفّاره بدهند. مسأله ۲۱۷ برای بیماران، و کسانی که از حرارت آفتاب شدیداً ناراحت می شوند، یا تابش آفتاب

به آنها زیان می رساند، جایز است از ماشین سقف دار و مانند آن استفاده کنند; امّا باید کفّاره بدهند. مسأله ۲۱۸ هرگاه محرم از روی سهو و فراموشی، یا جهل، به هنگام سفر زیر سایه برود، کفّاره ندارد; امّا اگر عمداً، یا به خاطر ضرورتی باشد، کفّاره دارد، و کفّاره آن یک گوسفند برای هر احرام است; یعنی برای مجموع احرام عمره یک گوسفند، و برای مجموع احرام حج نیز یک گوسفند واجب است. سؤال ۲۱۹ طبق فتوای حضرتعالی،محرم از منزل خود در مکّه تا مسجدالحرام می تواند از ماشین سقف دار استفاده کند. آیا کسانی که در مسجدالحرام برای حج احرام می بندند نیز می توانند در مکّه زیر سقف بروند؟ جواب: در شهر مانعی ندارد; هر چند در حال حرکت به سوی عرفات باشد، ولی هنگامی که به خارج شهر رسید سایبان جایز نیست; مگر این که شب باشد. سؤال ۲۲۰ استظلال برای شخصی که از تنعیم محرم می شود چه حکمی دارد؟ جواب: با توجّه به این که تنعیم در حال حاضر جزء شهر مکّه شده و مکّه منزل است، استظلال در فرض سؤال اشکالی ندارد. سؤال ۲۲۱ افرادی که از مسجد شجره محرم شده، و شبانه با ماشین سقف دار به سمت مکّه حرکت کرده اند، نزدیک طلوع آفتاب در ماشین به خواب رفته، و پس از طلوع آفتاب بیدار شده، و بلافاصله ماشین را متوقّف کرده اند. آیا برای مدّتی که در حال حرکت روزانه در زیر سقف بوده اند کفّاره ای به آنها تعلق می گیرد؟ اکنون که ماشین توقّف کرده و می خواهند با حرکت در زیر

سقف از ماشین پیاده شوند، چه حکمی دارد؟ جواب: در این صورت کفّاره ای لازم نیست. سؤال ۲۲۲ پیاده و سوار شدن از ماشینی که ایستاده، در صورتی که مستلزم گذشتن از زیر سقف جلو ماشین باشد، چه حکمی دارد؟ جواب: مانعی ندارد. سؤال ۲۲۳ آیا استظلال مربوط به سایه حاصل از تابش عمودی خورشید است، یا شامل سایه حاصل از تابش مایل خورشید هم می شود؟ جواب: سایه دیوارهای ماشین بدون سقف و مانند آن مانعی ندارد. سؤال ۲۲۴ آیا استظلال مربوط به سایه ای است که بر سر محرم می افتد، یا اگر سایه فقط بر شانه بیفتد نیز حکم استظلال دارد؟ جواب: در فرض سؤال، که سایه بر سر نیست، مانعی ندارد. سؤال ۲۲۵ در شهر مکّه تونلهائی وجود دارد که طول آن بیش از هزار متر است. آیا محرم می تواند با اتومبیل مسقّف از آن عبور کند؟ جواب: مانعی ندارد; زیرا داخل شهر است. سؤال ۲۲۶ آیا محرم به محض رسیدن به شهر مکّه می تواند از سایه استفاده کند، یا این کار بعد از رسیدن به محلّ اقامت و منزل جایز است؟ جواب: با رسیدن به مکّه استظلال مانعی ندارد. سؤال ۲۲۷ با ماشین بدون سقف در حال احرام به سمت مکّه حرکت کردیم، برای نوشیدن آب مجبور شدم به قسمت جلو اتوبوس که مسقّف است بروم. آیا مرتکب خلافی شده و باید کفّاره بپردازم؟ جواب: این کار جایز نیست، و اگر عمداً باشد کفّاره دارد، و کفّاره آن یک گوسفند برای تمام مدّت احرام است; ولی اگر در شب غیر بارانی باشد اشکال ندارد. سؤال ۲۲۸ یکی از

خدمه کاروان ها مجبور است به عنوان راهنما به همراه زنان با ماشین سقف دار روزانه به سوی مکّه حرکت کند، چه حکمی دارد؟ جواب: رفتن زیر سایه در موقع ضرورت جایز است، ولی کفّاره دارد، و کفّاره آن برای هر احرام یک گوسفند است. سؤال ۲۲۹ برخی از حجّاج، که برای عمره مفرده محرم می شوند، مجبورند روزانه و با ماشین مسقّف حرکت کنند، و در بین راه برای نماز و غذا چند مرتبه پیاده و سوار می شوند. چند کفّاره بر آنان واجب است؟ جواب: برای تمام مدّت احرام عمره، یا تمام مدّت احرام حج، یک کفّاره کافی است.

۱۲ زایل کردن مو از بدن

مسأله ۲۳۰ مُحرم نباید مو از بدن خود جدا کند; خواه با تراشیدن باشد، یا قیچی کردن، یا کندن به هر وسیله دیگر (مثلا به وسیله دارو)، خواه شخصاً این کار را انجام دهد، یا دیگری را وادارد تا او را اصلاح نماید; حتّی جدا کردن یک مو از بدن جایز نیست، و فرقی میان اعضای بدن نمی باشد. مسأله ۲۳۱ در حرمت جدا کردن مو از بدن، تفاوتی بین کم و زیاد بودن موی ازاله شده نیست، بلکه همان گونه که گفته شد ازاله یک مو نیز حرام است; هر چند از نظر کفّاره تفاوت دارد. مسأله ۲۳۲ اگر بداند شانه زدن موی سر و صورت، سبب جدایی موها می شود جایز نیست; بلکه احتیاط مستحب آن است که از شانه کردن موها در حال احرام مطلقاً خودداری کند، و هنگام خاراندن بدن نیز باید مواظب باشد مویی جدا نشود. مسأله ۲۳۳ هرگاه داشتن مو سبب بیماری، یا ناراحتی شدید گردد، جایز

است آن را زایـل کنـد; ولی کفّاره دارد. مسأله ۲۳۴ اگر به هنگام انجام وضو یا غسل، مویی بـدون قصـد کنـده شود اشـکالی ندارد.

مسأله ۲۳۵ هرگاه عمداً سـر خود را بتراشد، یا موهای زیر هر دو بغل یا یکی را زایل کند، کفّاره آن یک گوسـفند است; ولی اگر از روی ضـرورت سـر خود را بتراشد مخیّر است میان یک گوسفند، یا سه روز روزه،یا اطعام شش فقیر، که به هر کدام دو مدّ طعام (تقریباً یک کیلو و نیم) بدهد، و احتیاط واجب آن است که در زایل کردن موی زیربغل نیز همین کفّاره را بدهد; امّا اگر مقـداری از موی سـر، یـا صورت، یـا زیر بغل، یا زیر گلو ،وماننـد آن را زایل کنـد، کافی است یک فقیر را اطعام نمایـد. مسأله ۲۳۶ اگر موی سـر را به غیر تراشـیدن إزاله کند، احتیاط واجب آن است که کفّاره تراشـیدن را بدهد. مسأله ۲۳۷ اگر از روی ندانسـتن مسأله، یا فراموشـی، یا غفلت، موی بـدن را زایل کند کفّاره ندارد، و هرگاه در موقع وضو و غسل دست بر بدن بکشد، و موهایی کنده شود، همان طور که گفته شد، کفّاره ای ندارد; امّا اگر بدون هدف دست بر سر و صورت یا بدن خود بکشد، و موهایی از او جدا شود، احتیاط واجب آن است که مقداری غذا به فقیر بدهد. مسأله ۲۳۸ محرم نمی تواند مو از بدن دیگری زایـل کنـد. خواه طرف مقابـل مُحرِم باشـد، یـا غیر مُحرِم، خواه با تیغ باشـد، یا با وسـیله دیگر; ولی این کار کفّاره ای ندارد. بنابراین، باید دقّت کرد که در منی

به هنگام بیرون آمدن از احرام، افراد محرم نمی توانند سر دیگران را بتراشند، یا اصلاح کنند; بلکه اوّل باید خودشان از احرام خارج شوند، و بعد چنین کنند. سؤال ۲۳۹ مُحرمی سرش را شسته و موهایش خیس است. اگر صبر کند تا موها به طور طبیعی خشک شود و سپس وضو بگیرد، نمازش به تأخیر می افتد. وظیفه اش چیست؟ جواب: مانعی ندارد سرش را با حوله خشک کند، و سپس وضو بگیرد، ولی حوله را آهسته بکشد، تا مویی جدا نشود، همچنین دقت نماید تا همه سر را نپوشاند. سؤال ۲۴۰ هرگاه شخصی که از احرام خارج شده موهای شخص محرم را بتراشد یا کوتاه کند، یا یکی دیگر از کارهایی که بر محرم حرام است برای او انجام دهد، مانند گرفتن ناخن یا زینت کردن او و امثال آن، چه حکمی دارد؟ جواب: در صورتی که محرم به میل و اختیار حاضر به این کار شود، مرتکب کار حرامی شده و باید کفّاره بدهد; ولی چنانچه بدون اختیار، یا از روی فراموشی بوده، کفّاره ای برای هیچ کدام ندارد.

۱۳ عقد ازدواج

مسأله ۲۴۱ ازدواج کردن در حال احرام برای مُحرِم، اعم از زن و مرد، جایز نیست; خواه خودش صیغه عقد را بخواند، یا به دیگری وکالت دهد که این کار را انجام دهد. خواه عقد دائم باشد یا موقّت، و در هر صورت عقد او باطل است، و هرگاه علم به حرام بودن آن داشته باشد،و اقدام به این کار کند، آن همسر برای او حرام ابدی خواهد شد. مسأله ۲۴۲ جایز نیست مُحرم برای دیگری صیغه عقد بخواند، هرچند او مُحرِم

نباشـد، و در این صورت نیز عقـد او باطـل است; امّـا حرام ابـدی نمی شود، و در هیـچ یـک از دو صورت فوق کفّـاره واجب نیست. مسأله ۲۴۳ جـایز نیست مُحرِم در مجلس عقـد ازدواج به عنوان شاهـد حضور پیـدا کنـد. همچنین (بنابر احتیاط واجب) جایز نیست شهادت بر انجام عقد ازدواج دهد; هر چند قبل از احرام شاهد عقد بوده باشد، و برای خود یا دیگری خواستگاری کند. مسأله ۲۴۴ اگر با علم به مسأله، همسری را در حال احرام برای خود عقـد کند، همان گونه که گفته شد آن همسـر بر او حرام دائمی می شود، ولی اگر با جهل به مسأله چنین کاری کند، عقد باطل است، امّا حرام ابدی نمی شود، و احتیاط مستحب آن است که با او ازدواج نکنـد; مخصوصاً اگر با او نزدیکی کرده باشـد. مسأله ۲۴۵ در احکامی که گفته شـد، فرقی بین عقد دائم و موقّت نیست. مسأله ۲۴۶ هرگاه مرد غیر مُحرِم زن مُحرِمی را عقـد کنـد، احتیاط واجب آن است که او را طلاق دهد، و در صورت علم به مسأله، حرام ابدی نیز می شود; بنابر احتیاط واجب. مسأله ۲۴۷ رجوع کردن در حال احرام به زنی که وی را طلاق رجعی داده، اشکالی ندارد. مسأله ۲۴۸ هرگاه شـخص سوّمی زنی را برای کسـی که در احرام است عقـد کند، و محرم دخول نمایـد، و هر سه نفر عـالم به حکم بطلان باشـند، بر هر یـک از آنـان یـک شـتر به عنوان کفّـاره واجب است، ولی اگر آمیزش صورت نگیرد، بر هیچ کدام کفّاره ای واجب نمی شود، و در این حکم تفاوتی

نیست بین آن که زن و عاقد محرم باشند، یا نباشند، و اگر بعضی از آنها حکم را می دانسته، و بعضی دیگر نمی دانسته اند، کفّاره فقط بر کسی که می دانسته واجب است.

۱۴ نگاه کردن

مسأله ۲۴۹ جایز نیست مُحرِم به همسر خود از روی شهوت نگاه کند; ولی صحبت کردن با او و نگاه بدون قصد لذّت مانعی ندارد و می تواند مانند سایر محارم با او معاشرت نماید. مسأله ۲۵۰ هرگاه به قصد لذّت به همسرش نگاه کند، باید یک گوسفند کفّاره بدهد، و اگر با این کار منی از او خارج شود، احتیاط واجب آن است که یک شتر کفّاره بدهد. مسأله ۲۵۱ هرگاه عمداً به زن دیگری غیر از همسرش نگاه کند، و با این کار منی از او خارج شود، احتیاط واجب آن است که در صورت توان یک شتر، و اگر نمی تواند یک گاو، و اگر قدرت بر آن هم ندارد، یک گوسفند کفّاره دهد.

۱۵ لمس کردن

مسأله ۲۵۲ برای شخص مُحرِم جایز نیست که دست بر بدن همسرش بگذارد، ولی این کار بدون قصد لذّت مانعی ندارد. مسأله ۲۵۳ هرگاه به قصد لذّت بدن همسرش را لمس نماید، باید یک گوسفند کفّاره دهد، و اگر با این کار إنزال منی شود، کفّاره آن بنابر احتیاط واجب یک شتر است. سؤال ۲۵۴ آیا شوهر پس از خروج از احرام می تواند زوجه در حال احرامش را از روی شهوت لمس کند؟ جواب: برای شوهر اشکالی ندارد; ولی اگر زن نیز از این کار لذّت می برد احتیاط آن است که به این کار رضایت ندهد.

۱۶ بوسیدن

مسأله ۲۵۵ جایز نیست مُحرِم همسر خود را از روی شهوت ببوسد،واحتیاط آن است که بوسیدن بدون قصد لذّت را نیز ترک کند. مسأله ۲۵۶ اگر همسرش را به قصد لذّت ببوسد، کفّاره آن یک شتر است; خواه إنزال شود، یا نشود.

مسأله ۲۵۷ اگر زنی را از روی شهوت ببوسد، کفّاره آن بنابر احتیاط واجب یک شتر است، و اگر بدون شهوت باشد، یک گوسفند کفّاره دارد. سؤال ۲۵۸ مردی از احرام خارج می شود، سپس همسرش را که هنوز در احرام است می بوسد، هر چند زن راضی به این کار نبوده است. حکم زن و مرد در این مسأله چیست؟ جواب: اگر زن اختیاری نداشته و راضی نبوده، چیزی بر او نیست، و بر مرد هم کفّاره ای واجب نشده است.

۱۷ نزدیکی کردن

مسأله ۲۵۹ نزدیکی با همسر در حال احرام عمره مفرده حرام است، و آن دو حالت دارد: اگر قبل از اتمام سعی صفا و مروه باشد عمره او باطل است، و یک شتر باید کفّاره بدهد، و احتیاط واجب آن است که عمره را تمام کرده، و یک ماه صبر کند، سپس به یکی از میقاتها رفته مجدّداً احرام ببندد، و عمره مفرده را اعاده کند، و فرقی میان عمره واجب و مستحب نیست; امّا اگر بعد از سعی (و قبل از تقصیر) باشد، عمره او باطل نخواهد شد. مسأله ۲۶۰ هرگاه از روی فراموشی، یا غفلت، یا ندانستن

مسأله نزدیکی کند، ضرری به عمره او نمی زند، و کفّاره هم ندارد. بنابراین، احکام فوق مربوط به کسی است که عالماً آن را انجام می دهد. مسأله ۲۶۱ هرگاه مرد

محرم با همسـر خود، که وی نیز محرم است، از روی اجبار نزدیکی کنـد، چیزی بر زن نیست، ولی مرد در صورت علم و عمد علاوه بر کفّاره خود، باید کفّاره زن را نیز بدهد; امّا اگر این کار با علم و رضایت زن صورت گیرد، هر کدام باید یک کفّاره به شرحی که گذشت بدهند. مسأله ۲۶۲ کفّاره در همه این موارد، بنابر احتیاط واجب، یک شتر است، و فرقی میان همسر دائم و موقّت نیست. همچنین نزدیکی از جلو و عقب در این احکام یکسان است.

۱۸ استمناء کردن

مسأله ۲۶۳ هرگاه مُحرِم با خود بازی کنـد و منی از او خارج شود، حکمش حکم کسـی است که با زنی نزدیکی کرده باشـد، که شـرح آن در مسائـل سـابق گـذشت، و اگر بـا همسـر خود بازی کنـد، یا به وسـیله نگاه کردن، یا فکر و تصوّر کردنِ چنان صحنه هـایی، منی از او خـارج گردد، کفّـاره بر او واجب است; بلکه بنـابر احتیـاط واجب تمـام احکام جماع را، که در مسائل سابق گذشت، دارد.

۱۹ کشتن حشرات

مسأله ۲۶۴ احتیاط واجب آن است که مُحرِم حشـرات (ماننـد پشه، مگس، مورچه و امثال آن) را نکشد; چه روی بدن یا لباس او باشـد، یا جای دیگر. بلکه احتیاط واجب آن است که هیـچ جنبده ای را به قتل نرساند، مگر این که مایه آزار او شوند، یا از حیوانات موذی و خطرناک، مثل مار و عقرب و ماننـد آن باشـد; حتّی احتیاط واجب آن است که حشـرات مـذکور را از روی بـدن نیفکنـد، و اگر از روی خطا چنین کنـد، مقداری طعام به فقیر دهد. مسأله ۲۶۵ احتیاط واجب آن است که حشـرات را از مکـانی که محفوظ است به جـایی که در معرض سـقوط است منتقـل نکنـد; بلکه احتیاط آن است که مطلقاً از محلّی به محلّ دیگر منتقل ننماید; مگر این که مکان دوّم محفوظتر باشد.

مسأله ۲۶۶ کشـتن و انتقـال حشـرات در حال احرام کفّاره دارد، و کفّاره آن، خواه عمـداً باشـد یا از روی خطا، مقـداری طعام است.

۲۰ بیرون آوردن خون از بدن

مسأله ۲۶۷ بیرون آوردن خون از بدن، خواه به وسـیله حجامت باشد، یا جرّاحی، یا مسواک نمودن، یا خاراندن بدن، به طوری که خون از آن خـارج شود، در غیرِ حالِ ضـرورت مکروه است، و چون جمعی از فقها آن را حرام می داننـد، احتیاط مسـتحب ترک آن است. مسأله ۲۶۸ بهتر است در حال احرام از دادن خون به روش امروز نیز خودداری کند; مگر در مواقع ضـرورت و برای حفظ جان مسلمان. مسأله ۲۶۹ بیرون آوردن خون از بـدن کفّاره ای ندارد. سؤال ۲۷۰ تزریق آمپول برای تزریق کننده و تزریق شونده، که در حال احرام است، چه

حکمی دارد؟ جواب: تزریق آمپول در حال احرام مانعی ندارد; ولی اگر موجب بیرون آمدن خون از بدن گردد مکروه است.

سؤال ۲۷۱ آیا می توان پوستهای زاید را، که از لبها یا کنار ناخن ها بر آمده، از بدن جدا کرد؟ جواب: در صورتی که خون نیاید اشکالی ندارد، و اگر خون بیاید مکروه است، و در هر حال کفّاره ای ندارد.

۲۱ کشیدن دندان

مسأله ۲۷۲ کشیدن، یا کندن، یا جرم گیری، یا پر کردن دندان، اگر باعث خونریزی شود در حال احرام مکروه است، ولی اگر موجب خونریزی نشود اشکالی ندارد; هر چند احتیاط مستحب ترک آن است. مسأله ۲۷۳ کفّاره کشیدن دندان در حال احرام، بنابر احتیاط مستحب یک گوسفنداست. سؤال ۲۷۴ آیا منظور از کشیدن دندان که در فرض خونریزی مکروه است دندان شخص محرم است، یا شامل دندان دیگری هم می شود؟ مثلا اگر دندانپزشک محرم باشد، و دندان شخص محرم یا غیر محرمی را بکشد آیا کراهت دارد؟ جواب: شامل دندان غیر نمی شود.

سؤال ۲۷۵ آیا در حال احرام می توان دندانی که شدیداً درد دارد، و دکتر سفارش به کشیدن آن کرده، را کشید هر چند باعث خونریزی شود؟ جواب: خارج کردن خون از بدن در حال احرام چه در حال ضرورت و غیر ضرورت حرام نیست، ولی مکروه است و کفّاره ای هم ندارد.

۲۲ دروغ و دشنام و تفاخر

مسأله ۲۷۶ دروغ گفتن و دشنام دادن در همه حال حرام است، ولی در حال احرام به خصوص نهی شده است; یعنی از کارهایی است که مُحرِم باید آن را ترک کند، بلکه احتیاط واجب آن است که از اظهار برتری بر دیگران، یا بیان نقص دیگران نسبت به خود، نیز اجتناب کند، و این سه کار (دروغ، دشنام و تفاخر) مطابق بعضی از روایات معصومین(علیهم السلام) در معنی «فسوق» در آیه شریفه (فَلا رَفَثَ وَ لا فُسُوقَ وَ لا جِدالَ فِي الْحَجِّ)(۱) جمع است. مسأله ۲۷۷ هرگاه مُحرِم هر یک از امور سه گانه فوق را انجام دهد کار خلافی کرده، ولی احرام

او باطل نمی شود، و کفّاره آن استغفار است، و بهتر این است که انسان در حال احرام زبان خود را از هر سخن ناروا و زشت حفظ کند، و جز به نیکی سخن نگوید. سؤال ۲۷۸ در بین مردم معروف است که شخص محرم نباید به کسی دستور بدهد; بلکه باید خود کارهایش را انجام دهد. آیا چنین مطلبی صحیح است؟ اگر در حال احرام به کسی دستور دهد آیا گناه کرده و کفّاره دارد؟ جواب: این کار اشکال ندارد; ولی تفاخر و برتری جویی حرام است.

۱ . سوره بقره، آیه ۱۷۹.

۲۳ مجادله و نزاع

مسأله ۲۷۹ «جدال» در حال احرام ممنوع است، همان گونه که در آیه شریفه ۱۷۹ سوره بقره به آن اشاره شده است، و منظور از «جدال» در اینجا آن است که از روی خصومت و دشمنی برای اثبات مطلبی در مقابل دیگری به خدا سوگند یاد کند، و بگوید: «بَلی وَاللّهِ...; آری، به خدا سوگند که مطلب چنین است» یا برای نفی مطلبی بگوید: «لا وَ اللّهِ...; نه، به خدا سوگند مطلب چنین نیست» و فرقی میان عربی و فارسی و زبانهای دیگر نمی باشد; بلکه هر عبارتی که این مفهوم را برساند در حال احرام حرام است. مسأله ۲۸۰ گفتن کلمه «لا» و «بَلی» و مرادف آن در سایر زبانها، مثل «نه» و «آری» در فارسی، جدال نیست; بلکه قسم خوردن برای اثبات یا ردّ مطلبی، از روی خصومت و مخالفت جدال است. مسأله ۲۸۱ اگر قسم به غیر «الله» و خداوند باشد، حکم جدال ندارد. مسأله ۲۸۲ سایر نامهای خداوند نیز حکم لفظ جلاله (الله) را دارد; (بنابر

احتیاط واجب) بنابراین اگر مُحرم در مقام خصومت و مجادله برای اثبات یا نفی مطلبی در مقابل دیگری، به «رحمان» یا «رحیم» یا «خالق آسمان و زمین» و مانند آن قسم بخورد، جدال محسوب می شود. مسأله ۲۸۳ در مقام ضرورت قسم به لفظ جلاله، یا سایر اسماء الله، برای شخص محرم، جهت اثبات حقّ یا ابطال باطلی جایز است.

مسأله ۲۸۴ در موضوع جدال سوگند دروغ و راست یکسان است; ولی اگر قسم دروغ باشد، کفّاره آن در همان مرتبه اوّل یک گوسفند است، و احتیاط آن است که برای دو بار قسمِ دروغ یک گاو، و برای سه بار یک شتر کفّاره دهد، و اگر راست باشد، چنانچه سه مرتبه تکرار کند کفّاره اش یک گوسفند می باشد; امّا کمتر از سه بار کفّاره ندارد; هر چند در حال احرام کار خلافی کرده، و باید استغفار کند. مسأله ۲۸۵ اگر محرم بیش از سه مرتبه قسمِ راست بخورد، هر مقدار که باشد، کفّاره آن یک گوسفند است; مگر آن که بعد از سه مرتبه کفّاره بدهد، که در این صورت اگر سه مرتبه دیگر جدال کند، باید یک گوسفندِ دیگر کفّاره بدهد. مسأله ۲۸۶ اگر به دروغ مثلا ده مرتبه یا بیشتر جدال کند، کفّاره آن بنابر احتیاط یک شتر است; مگر این که پس از سه مرتبه یا بیشتر، کفّاره را بپردازد که در این صورت باید در دفعه اوّل گوسفند، و در دفعه دوّم گاو، و در دفعه سوّم شتر کفّاره دهد. مسأله ۲۸۷ بهتر است که در حال احرام از هر نوع مجادله و خصومت بپرهیزد; هر چند جمله های

قسم که در مسائل قبل گفته شد در آن نباشد، ولی اظهار تنفّر و بیزاری و برائت از دشمنان اسلام، نه تنها ضرری برای احرام ندارد، بلکه از وظائف مسلمین در برابر کفّار می باشد. مسأله ۲۸۸ هرگاه از روی محبّت (نه به خاطر خصومت) بگوید: «به خدا قسم این کار را نکن» یا بگوید: «به خدا سوگند بگذار من برای تو این کار را انجام دهم» حرام نیست، و کفّاره هم ندارد.

۲۴ شکار حیوانات صحرایی

مسأله ۲۸۹ شکار کردن حیوانات صحرایی یا ذبح آنها در حال احرام، حرام است؛ همچنین شکار پرندگان، و در این مورد تفاوتی نمی کند که به تنهایی شکار کند، یا به کمک دیگران. مسأله ۲۹۰ نشان دادن شکار به شخصِ شکار کننده، یا بستن و نگهداری آن، یا خوردن گوشت شکار (هر چند دیگری شکار کرده، یا خودش قبل از احرام آن را شکار کرده باشد) حرام است. مسأله ۲۹۱ کشتن ملخ نیز برای محرم جایز نیست؛ بنابراین اگر از راهی بگذرد که ملخ در آن است، چنانچه می تواند راه خود را تغییر دهد، و اگر نمی تواند باید مواظب باشد ملخ ها را حتّی الامکان پایمال ننماید، ولی در صورت ناچاری و مشقّت و عُسر و حرج اشکالی ندارد. مسأله ۲۹۲ کشتن حیوانات موذی، مانند مار و عقرب و درندگان، در جایی که ایجاد خطر نمایند جایز است. مسأله ۲۹۳ ذبح حیوانات اهلی، مانند مرغ خانگی و گاو و گوسفند و شتر، در حال احرام اشکالی ندارد. مسأله ۲۹۴ شکار حیوانات دریایی برای محرم جایز است. مسأله ۲۹۵ منظور از حیوانات دریایی حیواناتی است که تخم گذاری

و رشـد نوزاد آنهـا هر دو در دریـا انجـام شود، و در دریـا هم زنـدگی کنـد. مسأله ۲۹۶ نگاه داشـتن صـید در حال احرام بنابر احتیاط واجب حرام است; هر چنـد مالک آن باشد. مسأله ۲۹۷ هر حیوانی که شـکار آن حرام است، نوزاد و تخم آن نیز حرام است; هر چند در دسترس باشد. مسأله ۲۹۸ اگر محرم شکاری ذبح کند، بنابر مشهور در حکم میته (مردار) خواهد بود، و بنابر احتیاط واجب هیـچ کس (چه محرم و چه غیر محرم) نمی تواند از آن اسـتفاده کند. مسأله ۲۹۹ برای کشتن و شکار کردن هر یـک از حیوانات صـحرایی کفّاره ای معیّن شـده است، ولی چون در حال حاضـر این مسأله چنـدان مورد ابتلا نیست، و حجّاج بیت الله مطلقاً اقدام به شکار نمی کنند، از شرح آن صرفنظر می شود.

۲۵ حمل اسلحه

مسأله ۳۰۰ محرم نبایـد با خود اسـلحه بردارد; خواه اسـلحه گرم باشد، یا سـرد، بلکه احتیاط آن است که از سـلاحهای دفاعی، ماننـد سپر و امثال آن، نیز اسـتفاده نکنـد; ولی در موقع ضـرورت، خطر و ترس از دزد و دشـمن و حیوان درنـده، حمل هر نوع سلاحی که لازم باشـد جایز است. مسأله ۳۰۱ آنچه ممنوع است حمـل نمودن اسـلحه با خویش است; ماننـد بسـتن شمشـیر به کمر، و گرفتن تفنـگ بر دوش، یـا بـا دست، ولی اگر در خانه و خیمه و اثاثیه خود سـلاحی داشـته باشـد، برای احرام او ضـرر ندارد; هر چند احتیاط مستحب آن است که آن را نیز در غیر موارد ضرورت ترک کند.

مسأله ۳۰۲ هرگاه عمداً اسلحه با خود بردارد، احتیاط آن است که

یک گوسفند کفّاره بدهد.

قطع درخت و گیاه حرم

مسأله ۳۰۳ حرمت قطع گیاه و درخت حرم، اختصاص به حال احرام و شخصِ مُحرم ندارد; بلکه بر همه کس حرام است. مسأله ۱۳۰۴گر گیاه یا درختی در منزل انسان باشد، چنانچه خودش آن را کاشته باشد قطع آن جایز است، و اگر دیگری کاشته قطع آن نیز مانعی ندارد; ولی احتیاط مستحب آن است که آن را قطع نکند; امّا قطع درختان و گیاهان خودرو که قبل از بنای منزل در آن بوده حرام است. مسأله ۳۰۵ گیاه أذخر که یکی از گیاهان خوشبو است از حکم بالا مستثنی است و قطع آن مانعی ندارد. مسأله ۱۳۰۶گر به صورت متعارف و عادی راه برود، و گیاهی بر اثر راه رفتن قطع شود، اشکالی ندارد. مسأله ۳۰۷ چنانچه درختی را که قطع آن جایز نیست قطع کند، احتیاط آن است که یک گاو کفّاره دهد; خواه آن درخت بزرگ باشد، یا کوچک. مسأله ۱۳۰۸گر قسمتی از درخت را قطع کند، نه همه آن را، لازم است قیمت آن را به عنوان کفّاره بپردازد. مسأله ۳۰۹ قطع گیاه حرم کفّاره ای جز استغفار ندارد. مسأله ۱۳۱۰گر نایب موجبات کفّاره را انجام دهد، کفّاره بر عهده خود اوست، نه منوب عنه.

دیگر مسائل محرّمات و کفّارات احرام

مسأله ۳۱۱ هر یک از محرّمات احرام که موجب کفّاره است اگر بر اثر جهل به مسأله، یا از روی غفلت، یا فراموشی واقع شود کفّاره ای ندارد، و ضرری به عمره شخصِ محرم نمی زند، مگر صید که در هر صورت کفّاره دارد. مسأله ۳۱۲ شخصی که بر اثر جهل به مسأله، یا فراموشی حکم، یا موضوع آن،

یا بر اثر غفلت، بعضی از محرّمات احرام را بجا آورده، کفّاره ندارد، مگر در صید و شکار که در هر صورت کفّاره دارد. بنابراین، به طور کلّی در غیر شکار، هرگاه از روی علم و عمد مرتکب محرّمات احرام شود، کفّاره واجب می گردد.

مسأله ۳۱۳ شرایط قربانی حجّ تمتّع در حیوانی که برای کفّاره تقصیر قربانی می شود، معتبر نیست، بنابراین می توان گوسفند خصّی و معیوب را برای این منظور قربانی کرد. مسأله ۳۱۴ مصرف کفّارات فقط فقراء و مستمندان هستند، و احتیاط آن است که کفّاره غیر سادات به سادات داده نشود. مسأله ۳۱۵ تأخیر انداختن انجام کفّارات تا هنگام بازگشت به محل مانعی ندارد. بنابراین، می تواند گوسفند کفّاره را در وطنش ذبح کند، تا صرف فقرای شیعه گردد. مسأله ۳۱۶ شخص فقیر نمی تواند گوشت کفّاره خود را به مصرف کسانی کهواجب النفقه او هستند برساند; هر چند نیازمند باشند. مسأله ۳۱۷ استفاده از گوشت کفّاره برای شخصی که کفّاره بر او واجب شده جایز نیست.

کفّارات احرام به طور خلاصه

گرچه کفّاره هر یک از محرّمات احرام، به هنگام ذکر آنها بیان شد، ولی مناسب است برای سهولت امر همه را یک جا بیاوریم:

۲ طواف

طواف

مسأله ۳۱۸ دوّم از واجبات عمره، طواف است; طواف یعنی هفت دور گردش به دور خانه خدا. مسأله ۳۱۹ هرگاه طواف را سهواً ترک کند، لازم است هر وقت یادش آمد آن را بجا آورد، و اگر به وطن خود بازگشته و نمی تواند یا زحمت شدید دارد که به مکّه بازگردد، باید شخصِ موردِ اطمینانی را نایب بگیرد.

شرایط پنج گانه طواف

اوّل: نیّت

مسأله ۳۲۰ باید طواف را با قصد خالص برای خدا بجا آورد; زیرا طواف از عبادات است، و بدون نیّت همراه با قصد قربت صحیح نیست.

مسأله ۳۲۱ لازم نیست محرم نیّت را به زبان آورد، یا حتّی از قلب خود بگذراند; بلکه همین مقدار توجّه داشته باشد که تصمیم دارد طواف انجام دهد، و این توجّه تا پایان طواف وجود داشته باشد کافی است. به عبارت دیگر، نیّت در عبادات مانند نیّت در کارهای روز مرّه است; همانطور که (مثلا) با قصد آب می خورد و راه می رود، اگر به همان شکل عبادت را بجا آورد نیّت انجام شده است; تنها قصد قربت در عبادات لازم است. مسأله ۳۲۲ اگر در انجام طواف، یا سایر اعمال عمره و حج، که عبادت است، ریا کند (یعنی برای نشان دادن، و به رخ دیگران کشیدن، و عمل خود را خوب جلوه دادن، عبادت را بجا آورد) آن عمل باطل است، و علاوه بر بطلان عمل، مرتکب معصیت و گناه بزرگی نیز شده است. مسأله ۳۲۳ اگر در

انجام عبادت، رضایت و خشنودی دیگری را هم مدّ نظر داشته باشد، و آن عمل خالص برای خدا نباشد، ریا و باطل است.

مسأله **۳۲۴** در صحیح بودن

عمل کفایت می کند که آن را «برای خدا» یا «برای اطاعت امر خدا» یا «برای نجات از کیفر الهی» یا «برای رسیدن به بهشت» و یـا «برای وصول به ثواب معنوی» انجام دهـد. مسأله **۳۲۵** هر گـاه بعـد از تمـام کردن طواف یا دیگر عبادات، مرتکب ریا شود، عبادت باطل نمی شود؛ هر چنـد کار خلافی کرده است. سؤال **۳۲۶** شخصـی که به نیابت از دیگری به حج آمده، در دور دوّم طواف شک می کند که آیا طواف را به نیّت منوب عنه آغاز کرده، یا برای خودش؟ اکنون وظیفه اش چیست؟ جواب: احتیاط آن است که طواف را به نیّت منوب عنه به پایان برساند، پس از آن نماز طواف بخواند، سپس طواف و نماز را اعاده کند.

دوّم: طهارت از حدث

طهارت از حدث

مسأله **۳۲۷** منظور از «طهـارت از حـدث» این است که محرم به هنگـام طواف، از جنابت و حیض و نفاس پاک باشـد، و وضـو داشته باشد. مسأله **۳۲۸** «طهارت از حدث» در صورتی شـرط است که طوافِ واجب باشد، امّا در طواف مستحب شرط نیست؛ هر چنـد افضـل آن است که طهـارت داشـته باشـد، بنابراین اگر جنب یا حائض، یا نفساء بوده و فراموش کرده، و با همان حال طواف نموده، طواف مسـتحب او صـحیح است، امّـا در صورت علم و آگـاهی، چون بودن جنب در مسـجد الحرام حرام است، طواف او صـحیح نمی باشد، ولی طواف مسـتحب بدون وضو اشکالی ندارد. مسأله **۳۲۹** هر گاه شخصـی که وضو نداشته، یا از جنابت، یا حیض، یا نفاس، پاک نبوده طواف واجب کند، طوافش باطل است؛ خواه از روی عمد باشد، یا بر اثر غفلت و

نسیان، یا ندانستن مسأله. مسأله ۳۳۰ هرگاه محرم دسترسی به آب پیدا نکند، یا از استعمال آب معذور باشد، و نتواند صبر کند تا عذرش برطرف شود، واجب است به جای آن تیمّم کند; خواه تیمّم بدل از غسل باشد، یا بدل از وضو; سپس طواف را بجا آورد. مسأله ۳۳۱ اگر محرم تیمّم بدل از غسل کرد، و سپس یکی از مبطلات وضو را انجام داد، لازم نیست تیمّم بدل از غسل را تکرار کند; بلکه تیمّم بدل از وضو می کند، و تا زمانی که یکی از موجبات غسل حاصل نشده، و عذرش باقی است، همان تیمّم بدل از غسل اوّل کافی است. مسأله ۳۳۲ اگر امید دارد که عذرش مرتفع گردد، احتیاط واجب آن است که تا آخرین فرصت صبر کند; اگر عذر برطرف نشد تیمّم کند. مسأله ۳۳۳ اگر با طهارت بوده و شک کند که حدثی از او سر زده، بنا را بر طهارت می گذارد، و لازم نیست دوباره آن را انجام دهد. مسأله ۳۳۴ هرگاه یقین داشته باشد غسل بر او واجب شده، یا وضویش باطل گردیده، سپس شک کند که وضو گرفته یا غسل کرده، باید وظیفه غسل یا وضو را انجام دهد. مسأله ۳۳۵ هرگاه بعد از انجام طواف شک کند آن را با وضو بجا آورده، یا شک کند غسل را انجام داده؟ طوافش صحیح است; ولی برای اعمال بعد (که نیاز به وضو، یا غسل دارد) باید آن را بجا آورد. مسأله ۳۳۶ اگر در اثناء طواف شک کند وضو گرفته؟ و حالت سابقه خود را از وضو و حدث نداند، اگر بعد از

تمام شـدن دور چهارم باشد طواف را رها می کند و وضو می گیرد، و از همانجا بقیّه طواف را بجا می آورد، و سـپس احتیاطاً آن را اعاده می کنـد، و اگر قبل از دور چهارم باشـد، طواف او باطل است. مسأله ۳۳۷ هرگاه در اثناء طواف شک کند غسلی که بر او واجب بوده انجام داده، یا نه؟ باید فوراً از مسـجد الحرام خارج شود، و پس از غسل بازگردد، سپس اگر حدّاقل چهار دور را تمـام کرده باشـد، دنباله آن را بجا می آورد، و احتیاط آن است که پس از اتمام طواف آن را اعاده کنـد، و اگر قبل از شوط چهارم بوده، از اوّل شـروع می کند. مسأله ۳۳۸ بانوان می تواننـد با خوردن قرص، عادت را به عقب بیندازنـد و طواف و عمره را به جا آورند، و برای عمره آنها اشـکال ندارد. مسأله ۳۳۹ هرگاه بانوان بعـد از خوردن قرص در ایّام عادت لک ببینند، و سه روز پشت سـر هم ادامه نداشـته باشـد، حیض محسوب نمی شود. وضو می گیرنـد، و اعمالشان صـحیح است. مسأله ۳۴۰ هرگـاه زنی در غیر ایّام عادت ماهانه لک ببینـد، و به اعتقاد این که خون عادت نیست، طواف و نماز طوافش را انجام دهـد، و شب بعـد از طواف خونی ببیند که تمام شـرایط عادت ماهیانه را داشـته باشد، اگر یقین کند که بعد از دیدن لک (در شب قبل از طـواف) خـون در بـاطن بـوده و قطع نشـده، آن لـک احکـام حیض دارد و طواف و نمـاز طوافش باطـل است، ولی عمره او صحیح است، امّا باید طواف و نماز

طواف را (بعد از قطع عادت و انجام غسل) اعاده کند، ولی اگر شک دارد، یا یقین دارد که آن لک مدّتی قطع شده (و این خون تازه ای است)، حکم حیض ندارد و اعمالش صحیح است. مسأله ۳۴۱ هرگاه کسی مشغول طواف واجب باشد و وضوی او باطل شود، تجدید وضو می کند و باز می گردد. اگر حدّاقل چهار دور را تمام کرده بود، بقیّه را بجا می آورد، و اگر کمتر از چهار دور بوده از اوّل شروع می کند، و اگر زن در حال طواف عادت ماهانه شود، فوراً از مسجد الحرام خارج می شود، و حکم او نیز بعد از پاک شدن همین است. مسأله ۳۴۲ اگر به خاطر پیش آمدن حاجت ضروری برای خودش یا یکی از برادران و خواهران دینی، طواف واجب خود را قطع کند، مطابق مسأله سابق عمل می نماید.

مسأله ۳۴۳ هرگاه در اثناء طواف بیماری شدیدی به او دست دهد که قادر بر اتمام طواف نباشد طواف را قطع می کند، و پس از بهبودی اگر چهار دور را تکمیل کرده بوده، باقیمانده را بجا می آورد، و اگر کمتر از آن بوده، طواف را از سر می گیرد، و اگر بیماری ادامه یافت و نتوانست شخصاً طواف کند، او را طواف می دهند، و اگر به این صورت نیز نتوانست طواف کند، نایب می گیرد. مسأله ۳۴۴ هرگاه طواف مستحب را رها کند و دنبال کاری برود (خواه ضروری باشد، یا غیر ضروری) هنگامی که باز می گردد می تواند از همانجا که رها کرده ادامه دهد؛ خواه چهار دور تمام شده باشد،

یا نه. مسأله ۳۴۵ نشستن در حال طواف برای رفع خستگی مانعی ندارد; ولی احتیاط واجب آن است که موالات عرفی به هم نخورد (یعنی مطابق معمول طواف را پشت سر هم و بدون فاصله زیاد بجا آورد). سؤال ۳۴۶ شخصی پس از انجام تقصیر متوجّه می شود که در حال طواف و نماز طواف وضو نداشته، یا وضویش باطل بوده، اکنون چه وظیفه ای دارد؟ آیا لازم است مجدّداً لباس احرام بپوشد، و طواف کند؟ جواب: طواف و نماز طواف را اعاده کند، و عمره او صحیح است، و پوشیدن لباس احرام لازم نیست. سؤال ۳۴۷ وضوی یکی از حُجّاج در دور آخر طواف باطل شد. طواف را با همان حالت به پایان رسانده، سپس وضو گرفته و طواف را از اوّل شروع کرده، و پس از آن نماز طواف و سعی و تقصیر را انجام داده است، آیا عمل او صحیح می باشد؟ جواب: طواف دوّم و اعمال پس از آن صحیح است; هر چند می توانست طواف اوّل را پس از وضو تکمیل و به آن قناعت نماید. سؤال ۳۴۸ شخصی به نیابت از پدر، عمره مفرده ای انجام داده، و روز بعد به نیابت از مادر احرام می بندد و در اثنای عمره دوّم متوجّه می شود که طواف و نماز طواف عمره اوّل را بدون وضو انجام داده است. اکنون وظیفه اش چیست؟ جواب: طواف و نماز عمره اوّل را اعاده می کند، و عمره دوّم را به قصد رجا ادامه می دهد (توجّه داشته باشید که در یک ماه قمری بیش از یک عمره نمی توان انجام داد; مگر

به قصـد رجـا، یعنی به امیـد این که مطلوب باشـد، نه به طور قطعی). سؤال ۳۴۹ کسـی که وظیفه اش وضوی جـبیره ای و تیمّم بوده، از روی جهل و نادانی به احکام شـرعی بـدون تیمّم اعمال عمره را انجام داده است، وظیفه اش چیست؟ جواب: طواف و نمـاز آن بایـد اعـاده شود، و احتیـاط آن است که اعمال بعـد از آن را هم اعاده نمایـد. سؤال ۳۵۰ هنگام اذان صـبح به مسجد الحرام رسـیدیم. سرپرست کاروان گفت: «کمی صبر کنید، پس از نماز صبح طواف می کنیم». بر اثر خستگی زیاد خوابم برد، و چون آب در دسترس خود نمی دیـدم تیمّم کردم، و طواف و نماز طواف را با تیمّم انجام دادم. آیا اعمال من صـحیح است؟ جواب: در صورتی که برای شـما امکـان داشـته وضو بگیریـد، هر چنـد که به منزل برویـد و مثلا برای روز بعـد اعمال را انجام دهیـد، تیمّم صـحیح نبوده است. وظیفه شـما این است که طواف و نماز طواف را اعاده کنیـد، و اگر خودتان نمی توانیـد، باید نایب بگیرید. سؤال ۳۵۱ شخصـی در طواف واجب احساس می کنـد لباس احرامش نجس شده، ولی اعتنا نمی کند،و با همان حال طواف و اعمال بعـد را انجام می دهـد، سـپس لباسـش را بررسـی نموده، یقین پیدا می کند که در حال طواف چنین شده است، و بـدون جـبران اعمـال به وطن بـاز می گردد. اکنون وظیفه اش چیست؟ آیـا هنوز در حـال احرام است؟ جواب: اگر در حال طواف یقین نداشته که وضویش باطل و احرامی اش نجس شده (هر چند بعد از اعمال یقین پیدا کرده باشد)،

از احرام خارج شده است، ولی باید طواف و نماز آن را اعاده کند و اگر شخصاً نمی تواند، باید نایب بگیرد. سؤال ۳۵۲ خانمی طبق تاریخ تولّدش، بیش از پنجاه سال شمسی دارد، و یک سال و نیم است که عادت ماهانه نشده; ولی در حال احرام خون می بیند. آیا می توان در یائسگی او تردید کرد؟ وظیفه او چیست؟ جواب: هرگاه شرایط و صفات عادت ماهیانه را نداشته باشد، حکم مستحاضه را دارد و با انجام وظیفه مستحاضه حج و طواف او صحیح است. سؤال ۳۵۳ هرگاه زنان سیّده پس از شصت سال، و غیر سیّده بعد از پنجاه سال، چند روز متوالی خونی ببینند، که همه نشانه های حیض را داشته باشد، برای طواف و نماز طواف چه کنند؟ جواب: در صورت داشتن تمام نشانه های حیض، حکم حیض را دارد. در ضمن زنان سادات در محیط ما حکم زنان قرشیّه را ندارند، و آنها نیز در پنجاه سالگی قمری (حدود ۵/۴۸ سال شمسی) یائسه می شوند، یعنی هرگونه خون مشکوکی ببینند حکم استحاضه را دارد. سؤال ۳۵۴ خانمی در حال طواف مستحاضه قلیله می شود. وظیفه اش چیست؟ جواب: اگر بعد از تمام شدن دور چهارم بوده، پس از تجدید وضو و تطهیر بدن و لباس، طواف را تمام می کند، و اگر قبل از تمام شدن دور چهارم بوده، پس از تجدید وضو و تطهیر، طواف را از اوّل شروع می کند. سؤال ۳۵۵ زن مستحاضه ای پس از انجام غسل و وضو مشغول طواف می شود، ولی در اثناء طواف لک می بیند. وظیفه اش چیست؟ جواب: اگر

خون او مستمر است و به وظیفه اش عمل کرده، و در حدّ امکان از خروج خون جلوگیری نموده، وظیفه ای ندارد، ولی اگر خون کاملاـ قطع شده و غسل کرده، سپس خون جاری شده، حکم حدث جدید را دارد. سؤال ۳۵۶ زن مستحاضه که باید غسل کند و وضو بگیرد، و با این کار فاصله ای بین اعمال او پیش می آید، که گاهی از اوقات طولانی است، مثل این که باید برای غسل به منزل برود. آیا این فاصله اشکال ندارد؟ جواب: همانطور که قبلا گفته شد، هنگامی که مستحاضه وظیفه غسل خود را برای نمازها انجام دهد به حکم طاهر است، و غسل دیگری برای طواف و نماز طواف لازم نیست. سؤال ۳۵۷ خانم مستحاضه ای طبق وظیفه اش غسل کرد، یا وضو گرفت، و مشغول طواف شد. در بین طواف، نماز ظهر شروع شد. طواف را قطع کرد و نمازش را خواند. پس از نماز، با همان وضو یا غسل طوافش را ادامه داد. آیا طوافش صحیح است؟ جواب: هرگاه مستحاضه کثیره غسلهای نماز خود را به موقع بجا آورد، غسل دیگری مطلقا برای طواف و نماز طواف بر او واجب نیست. سؤال ۳۵۸ بعضی از بانوان برای جلوگیری از عادت ماهیانه، مخصوصاً جهت اعمال حج، قرص می خورند; ولی با این حال به هنگام احرام لکّه های مختصری می بینند. آیا ضرری به اعمال آنها می زند؟ جواب: لکّه های مزبور، اگر سه روز مستمرّاً ادامه نیابد، حکم استحاضه را دارد، و ضرری به اعمال حج نمی زند، و باید مطابق اعمال استحاضه عمل کنند و چنانچه فقط لکّه هایی

دیده و ادامه نداشته، تنها وضو بر آنان واجب است، و غسل ندارد. سؤال ۳۵۹ خانمی که پس از طواف عمره، خون دیده است وظیفه اش نسبت به نماز و اعمال بعدی چیست؟ ممکن است حیض باشد و ممکن است با خوردن قرص قطع شود؟

جواب : اگر احتمال قطع خون با خوردن قرص می دهد پس از تطهیر و وضو و انجام اعمال مستحاضه، نماز طواف را بخواند و سعی و تقصیر و طواف نساء را بجا آورد و چنانچه بعد معلوم شود که اعمال را در حال حیض انجام داده، نماز طواف و طواف نساء و نماز آن را پس از پاک شدن اعاده کند و اگر یقین به حیض بودن خون می دهد از مسجد بیرون رود و پس از پاک شدن، نماز طواف و اعمال پس از آن را انجام دهد و در صورت تنگی وقت برای نماز طواف عمره و طواف نساء و نماز آن، نایب بگیرد. سؤال ۳۶۰ اگر صاحب عادت «وقتیه و عددیّه» که عدد روزهای عادتش همواره مثلا هفت روز است، روز هفتم پاک شود و غسل کند، سپس اعمال حج را بجا آورد، ولی بعداً لک ببیند، اعمالش چگونه است؟ جواب: هرگاه اعمال او در حال پاکی واقع شده، صحیح است. سؤال ۳۶۱ نظم عادت ماهانه بعضی از خانمها به خاطر مصرف قرص جلوگیری بر هم می خورد; به طوری که گاه به مدّت طولانی مرتّب خون یا لک می بینند. وظیفه این دسته از زنان در حج چیست؟ جواب: اگر خون سه روز استمرار داشته باشد، و در ایّام عادت دیده شود، هر چند به

این صورت که پس از شروع تا سه روز باطن آلوده باشد، محکوم به حکم حیض است. در غیر این صورت، احکام استحاضه را دارد. سؤال ۳۶۲ خانمی عادت ماهانه نمی شود; ولی هر دو ماه یکبار دو سه روزی لک و ترشّحات می بیند، وظیفه اش چیست؟ جواب: اگر خون، هر چند در داخل و باطن، تا سه روز استمرار نداشته، حکم استحاضه را دارد. سؤال ۳۶۳ خانمی بر اثر جهل و ناآگاهی از احکام شرع، پس از پاك شدن از عادت ماهانه، خیال می کرده جنب است، و لهذا نیّت غسل جنابت کرده، و با همین اعمال را بجا آورده است. عمره او چه حکمی دارد؟ جواب: اگر منظورش انجام غسل برای عادت ماهانه بوده، و اسم آن را جنابت گذاشته، عملش صحیح است.

سؤال ۳۶۴ شخصی پس از به جا آوردن اعمال متوجّه می شود که غسل مسّ میّت بر او واجب بوده، و هنوز آن را انجام نداده است. آیا عمره اش صحیح است؟ جواب: هرگاه غسل واجب یا مستحبّ دیگری انجام داده کفایت می کند، و اعمالش صحیح است و اکنون وظیفه ای ندارد، ولی اگر هیچ غسلی نکرده، هر چند عمره او اشکالی ندارد، امّا واجب است طوافها و نمازهای آن را اعاده کند، و اگر خودش قادر نیست نایب بگیرد. سؤال ۳۶۵ دختر مجرّدی در اوائل سن بلوغ جنب شده، و تا کنون غسل جنابت نکرده; ولی غسلهایی مانند غسل حیض یا جمعه را انجام داده، و با این کیفیّت به عمره رفته است. لطفاً بفرمائید: ۱ عبادتهایی که بعد از آن حالت تاکنون انجام داده چه وضعی

دارد؟ ۲ آیا هنوز از احرام خارج نشده، و جمیع محرّمات احرام بر او حرام است؟ ۳ عمره او چه حکمی دارد، و اکنون وظیفه اش چیست؟

جواب: هرگاه غسل دیگری انجام داده کفایت می کند؛ بنابراین، اعمالی که بعد از غسل حیض یا جمعه انجام داده، از جمله عمره او، صحیح است، ولی نمازهایی را که بعد از جنابت و قبل از اوّلین غسل خوانده باید به تدریج قضا کند، و اگر بعد از جنابت تا زمان انجام عمره هیچ غسلی نکرده، باید طوافهای واجب و نمازهای آن را دوباره بجا آورد، و اگر نمی تواند، نایب بگیرد، و تا زمانی که این اعمال را اعاده نکرده، باید از بوی خوش و ازدواج و محرّماتی که با طواف نساء حلال می شود، احتیاطاً اجتناب کند. سؤال ۳۶۶ هر گاه شخص محرم جنب شود و آب برایش ضرر داشته باشد و وقت تنگ باشد، آیا طواف و نماز آن با تیمم کافی است یا باید نایب هم بگیرد؟ جواب: کافی است و نایب گرفتن لازم نیست. سؤال ۳۶۷ خانمی به تصوّر این که پاک شده، طواف و نماز طوافش را بجا آورده، مشغول سعی می شود. در اثناء سعی متوجّه می شود که هنوز پاک نشده است، وظیفه اش چیست؟ اگر بعد از سعی متوجّه این موضوع شود، تکلیفش چه می باشد؟ جواب: در فرض اوّل سعی را قطع می کند، و پس از پاک شدن، طواف و نماز طواف و سعی را اعاده نماید و در فرض دوم نیز اعاده طواف و نماز طواف لازم است، و احتیاطاً سعی را هم اعاده می کند.

سؤال ۳۶۸اگر خـانمی بـه نیّـت عمره مفرده محرم، و پس از آن عـادت شـود، و در همـه روزهـایی که در مکّه است در حـال عادت باشـد، برای عمره مفرده باید چه کند؟ اگر بدون انجام اعمال به ایران آمده، چه وظیفه ای دارد؟ جواب: در فرض سؤال بایـد برای طواف و نماز نایب بگیرد، و بقیّه اعمال عمره را خودش بجا آورد، و چنانچه به ایران آمـده، باید برگردد و اعمالش را انجام دهد، و اگر نمی تواند برگردد، باید برای اعمال عمره نایب بگیرد، ولی باید خودش تقصیر نموده، و ترتیب بین تقصیر و سایر اعمال را مراعات کند، و تا اعمال عمره را انجام ندهد، در احرام باقی می ماند.

حکم مسلوس

سؤال ۳۶۹ وظیفه مسلوس (کسـی که بی اختیـار قطرات بـول از او خـارج می شـود) نسـبت به طـواف و نمـاز طـواف چیست؟ جواب: اگر در زمان خاصّی بیماریش تخفیف پیـدا می کنـد، به گونه ای که می توانـد در آن زمان طواف و نماز طواف را با وضو و بدنِ پاک به جا آورد، باید این اعمال را در آن زمان انجام دهد و اگر چنین وقتی ندارد، در صورتی که زحمت زیادی نداشته باشد، هر بار که وضویش باطل شد تجدید وضو کند، و اگر زحمت زیاد دارد، برای طواف یک وضو، و برای نماز هم یـک وضو می گیرد، و نـایب گرفتن لازم نیست. سؤال ۳۷۰ شخصـی عمـل جرّاحی کرده، و فعلا کیسه ای به او بسـته انـد که پیوسته قطرات بول در آن می ریزد; خواه از مجرای بول، یا از محلّی که جرّاحی و سوراخ شده است.

آیا چنین شخصی حکم مسلوس را دارد؟ جواب:آری، حکم مسلوس را دارد که حکم آن در پاسخ قبل گذشت. سؤال ۳۷۱ مُحرمی که مبتلا به خروج ریح است (یعنی مرضی دارد که نمی تواند از خارج شدن باد جلوگیری کند) و در طول سال شاید یکی دو ماه بیماریش تخفیف پیدا کند، ولی نوعاً به فاصله یکی دو دقیقه وضویش باطل می شود، تکلیفش چیست؟ جواب: چنانچه نتواند در اثناء طواف وضو بگیرد، یا این کار زحمت زیاد داشته باشد، می تواند برای طواف به یک وضو اکتفا کند، و برای نماز طواف وضوی دیگری بگیرد. هر چند در اثناء طواف و نماز، وضویش باطل شود، و نیازی به نایب گرفتن نیست. سؤال ۳۷۲ پیرمردی سلس بول دارد و خود را برای طواف از تنجیس لباس و مسجد حفظ نمی کند و به راهنمایی و ارشاد دیگران توجه ندارد; آیا می تواند برای طواف نایب بگیرد؟ جواب: باید نایب بگیرد.

حکم مبطون

سؤال ۳۷۳ مدّتی است، که به علّت بیماری و در اثر عمل جرّاحی، مبطون هستم و خروج مدفوع را احساس نمی کنم. بدین جهت از کیسه مخصوصی استفاده نموده، و برای وضو و نماز طبق رساله عمل می کنم. با توجّه به این که سال آینده، انشاء الله، به زیارت خانه خدا نائل می شوم، وظیفه ام در رابطه با مراسم حج چیست؟ جواب: چنانچه زمانی باشد که بتوانید طواف و نماز طواف را بدون خروج آن انجام دهید، باید همان زمان را انتخاب نموده، و اعمالتان را انجام دهید و اگر چنین چیزی امکان پذیر نیست، و به هیچ وجه خروج آن را

احساس نمی کنید، طواف را با یک وضو، و نماز طواف را با وضوی دیگر انجام دهید.

سوّم: طهارت از نجاست

مسأله ۳۷۴ بـدن و لبـاس طواف کننـده (خواه در طواف واجب، یـا مسـتحب) بایـد از هر نجـاستی پاک باشـد; حتّی بعضـی از نجاسات که در نماز بخشوده شـده (ماننـد خون کمتر از یک درهم) در طواف بخشوده نیست، ولی در مورد خون زخمها، اگر شسـتن آن باعث مشـقّت و عسر و حرج باشد، ضرری برای طواف ندارد. مسأله ۳۷۵ اگر لباسهای کوچک مانند جوراب، شب کلاـه و همیـان، که به تنهـایی نمی توان بـا آن ستر عورت کرد، نجس باشـد عیبی نـدارد. مسأله ۳۷۶ اگر تطهیر خـون قروح و جروح مشـقّت داشـته باشد، شستن آن لازم نیست; ولی احتیاط واجب آن است که به مقداری که می توان بدن را تطهیر کرد، و لباس را عوض نمود، و موجب مشـقّت نیست، انجام دهـد. مسأله ۳۷۷ در صورتی که بتوانـد با تأخیر انداختن طواف، خود و لباس خویش را بدون مشـقّت تطهیر کند، احتیاط آن است که چنین نماید; به شـرط آن که وقت باقی باشد. مسأله ۳۷۸ هر گاه لباس یا بـدن نجس باشـد، و نداند یا می دانسـته و فراموش کرده، چنانچه بعد از طواف بفهمد طوافش صـحیح است، و اگر در حال طواف بفهمـد باید لباس خود را عوض کند، و با لباس پاک طواف را ادامه دهد، و اگر لباس پاکی همراه ندارد طواف را متوقّف می کند، و لباس یا بدن را آب می کشد، سـپس باقیمانده طواف را به جا می آورد، و طوافش صـحیح است; خواه قبل از تکمیل کردن دور چهارم

باشد، یا بعد از آن. مسأله ۳۷۹ اگر شک داشته باشد که لباس یا بدنش نجس است یا پاک، می تواند در آن حال طواف کند; خواه بدانـد قبلا پاک بوده، یا ندانـد، ولی اگر یقین داشته باشـد که قبلا نجس بوده، و ندانـد که آن را تطهیر کرده یا نه، نمی توانـد در آن حال طواف کند، بلکه باید ابتدا تطهیر کند، و سپس طواف نماید. مسأله ۳۸۰ اگر در بین طواف بـدن یا لباس او نجس شود، دست از طواف بر می دارد، و لباس یا بـدنش را آب می کشد، سـپس طواف را از همانجا که قطع کرده بود ادامه می دهـد،و طوافش صـحیح است; خواه قبل از تکمیل چهار دور باشد، یا بعد از آن. مسأله ۳۸۱ اگر در بین طواف نجاستی در بـدن یا لباس خود ملاحظه کند، و احتمال دهد که در همان حال طواف حاصل شده، طبق مسأله قبل عمل می کند. سؤال ۳۸۲ شخصـی در دور ششم طواف نجاستی در بدن خود مشاهده کرده، و یقین دارد که از دورهای قبل بوده است، ولی بدون توجّه به این مطلب، طواف را تکمیـل کرده، و پس از تطهیر بـدن طواف را اعـاده می نمایـد، سـپس بقیّه اعمـال عمره را به انجام می رسانـد. آیا اعمال او صـحیح است؟ جواب: عمل او اشـکالی ندارد. سؤال ۳۸۳ شخصـی در حین طواف متوجّه انـدکی خون بر بینی خود می شود. با دسـتمال آن را پاک کرده، و طواف را به انجام می رساند. آیا طوافش صحیح است؟ جواب: اگر بینی او نجس شده باید آن را آب بکشد، و طواف را

تکمیل کنـد، و اگر این کار را نکرده، احتیاط آن است که بعد از تطهیر آن را تکمیل کند و نماز بخواند، سـپس طواف و نماز را اعاده کنـد. سؤال ۳۸۴ اگر بچّه های کوچک در حال طواف یا سـعی در قنـداقه خود بول کننـد، چه حکمی دارنـد؟ جواب: حجّ آنها صحیح است; انشاء الله.

چهارم: ختنه برای مردان

مسأله ۳۸۵ هرگـاه مردی ختنه نکرده باشـد، طوافش باطل است، و احتیاط واجب آن است که پسر نابالغ نیز ختنه کرده باشـد. مسأله ۳۸۶ اگر بچّه ختنـه نشـده را وادار به احرام کننـد، یـا او را محرم نماینـد، احرام او صـحیح است; ولی تمـام طوافهـای او اشکال دارد. بنابراین، چنین فردی در احرام باقی می ماند، و در آمدن از احرام برای او مشکل می شود; مگر آن که او را ختنه کننـد، و سـپس طواف کنـد، یا او را طواف دهند. مسأله ۳۸۷ اگر کسـی ختنه کرده به دنیا بیایـد، طوافش صـحیح است. مسأله ۳۸۸ هرگاه کسی از روی عمد، یا فراموشی، یا ندانستن مسأله، طواف را بدون ختنه انجام دهد، طوافش باطل است. سؤال ۳۸۹ تکلیف کسـی که ختنه او به طور نـاقص انجـام شـده، و بـا این حال اعمال حـج را به جا آورده، چه می باشـد؟ جواب: احتیاط واجب آن است که بعـد از ختنه صـحیح و کامـل، طوافها و نماز طوافها را اعاده کنـد، و اگر نمی توانـد به مکّه برود، نایب می گیرد. سؤال ۳۹۰ اگر شخصـی را به طور ناقص ختنه کرده باشـند، به این معنی که قسـمت بالای آلت کاملا هویدا نیست، ولی در حال نعوظ آشکار می گردد. آیا چنین

شخصی ختنه شده محسوب، و طوافهایش صحیح است؟ اگر پاسخ منفی است، و ختنه بر آن شخص برای بار دیگر لازم باشد، و او به علّت سنّ بالاـ از انجام این کار خجالت بکشد، حکم مسأله چیست؟ جواب: احتیاط واجب آن است که طواف و نماز آن را بعد از ختنه کردن اعاده کند، و در این گونه مسائل خجالت کشیدن معنی ندارد. می تواند به طور پنهانی نزد طبیب آگاهی برود و ختنه کند، و این کار در ایّام ما بسیار آسان است.

پنجم: پوشانیدن عورت

پوشانیدن عورت

مسأله ۳۹۱ پوشانیدن عورت بر طواف کننده واجب است; بلکه لازم است بدن خود را طوری بپوشاند که نگویند بدنش برهنه است. مسأله ۳۹۲ احتیاط واجب آن است که تمام شرایط لباس نمازگزار را در حال طواف رعایت کند.

طواف در لباس مشمول خمس

سؤال ۳۹۳ شخصی با پول خمس نداده لباس احرام خریده، و با همان لباس محرم شده، و طواف و نماز طواف را بجا آورده است. اکنون وظیفه اش چیست؟ جواب: اگر از روی علم و عمد نبوده، عمره او صحیح است، ولی در صورتی که جاهل مقصّر بوده، احتیاط واجب آن است طواف و نماز آن، را اعاده کند. سؤال ۳۹۴ هرگاه مُحرم به هنگام طواف پول خمس نداده همراه داشته باشد، آیا طوافش اشکال پیدا می کند؟ جواب: اشکالی برای طوافش ایجاد نمی کند.

حدّ پوشش در طواف

سؤال ۳۹۵ آیا حجاب زنان محرم در طواف، مانند حجاب در حال نماز است، یا تفاوت می کند؟ جواب: تفاوت می کند; در حال نماز پوشیدن پشت پا و کف آن نیز مستثنی است; ولی احتیاط آن است که در حال طواف آنها را بپوشاند (جوراب بپوشد). همچنین در طواف استفاده از نقاب جایز نیست، ولی در نماز ضرری ندارد. سؤال ۳۹۶ اگر مقداری از موی سر زن محرم، یا جاهای دیگر بدنش، که پوشیدن آن در حال طواف لازم است، ظاهر باشد، طوافش چه حکمی دارد؟ جواب: طوافش صحیح است; هر چند گناه کرده است. سؤال ۳۹۷ بعضی از خانم ها از لباس احرام سفید نازک استفاده می کنند که بدن در حالت عادی یا در وقت عرق کردن از زیر آن پیدا می شود، طواف و نمازشان چگونه است؟ جواب : لباس باید ساتر باشد و با ظاهر بودن بدن، نماز و طواف باطل است. سؤال ۳۹۸ خانم هایی که می دانند در وقت دست بلند کردن در مقابل حجرالاسود و یا کتاب دعا به دست گرفتن،

قسـمتی از دست آنها از آستین بیرون می آید، چنانچه با توجّه چنین کنند طواف آنها چه صورتی دارد؟ جواب : با علم و عمد طواف آنهـا باطل است. سؤال ۳۹۹ پیـدا شـدن دست یا سـینه مردان در حال طواف چه صورتی دارد؟ جواب : مضـرّ به طواف نیست، ولی بهتر است با وجود نامحرم آن را بپوشانند.

واجبات هفتگانه طواف

اوّل و دوّم: شروع از حجر الاسود و ختم به آن

مسأله ۴۰۰ بایـد طواف را از «حجر الاسود» شـروع کنـد، و به «حجر الاسود» ختم نمایـد، و همین اندازه که در عرف بگویند از حجر الاـسود شـروع کرده، و به آن خـاتمه داده کـافی است، و دقّت در محـاذی بودن اجزای بـدن با حجر الاسود لازم نیست; ولی احتیاط واجب آن است که کمی قبل از حجر الاسود شـروع کنـد، و کمی بعـد از آن ختم نمایـد، تا یقین حاصل کنـد که هفت دورِ تمـام انجـام داده است. مسـأله ۴۰۱ در طواف بایـد همـان گونه که همه مسـلمین طواف می کننـد شـروع کنـد، و از دقّتهـای افراد وسواسـی در مورد محـاذات بـا حجر الاـسود بپرهیزد، و در دورهای دیگر توقّف در نزد حجر الاسود لازم نیست، بلکه بـدون توقّف ادامه می دهـد تا هفت دور تمام شود تا مزاحمتی برای طواف کنندگان حاصل نگردد. مسأله ۴۰۲ گاه دیده می شود که اشـخاص جاهل در هر دوری که به هنگام طواف انجام می دهند توقّف نموده، و مقداری عقب و جلو می روند تا محـاذات بـا حجر الاسود را رعایت کرده باشـند، این کار به هیـچ وجه لازم نیست، بلکه گاهی حرام است. سؤال ۴۰۳ شخصی طواف را از حجر الاسود شروع، و به رکن یمانی

که قبل از حجر الاسود است ختم کرده، و فاصله رکن یمانی تا حجر را بدون نیّت ادامه داده، و دوباره از حجر الاسود نیّت کرده، و به رکن یمانی ختم نموده، و هفت دور طواف را به همین صورت انجام داده است. طواف او چه حکمی دارد؟ جواب: این طواف باطل است، و باید اعاده شود. سؤال ۴۰۴ اگر کسی قبل از حجر الاسود طواف را شروع نموده، و به همانجا ختم کند، آیا طوافش باطل است؟ جواب: طوافش باطل است. سؤال ۴۰۵ وظیفه شخصی که به اشتباه طواف را از رکن یمانی شروع، و به همانجا ختم کرده، و سپس نماز طواف را خوانده، و پس از آن متوجّه خطایش شده چیست؟ چنانچه در وسط طواف متوجّه اشتباهش گردد، و طوافش را به حجر الاسود ختم کند، آیا مقدار اضافی برای طواف ضرر دارد؟ جواب: طواف و نماز آن را باید اعاده کند، و اعاده در صورت دوّم احتیاط است. سؤال ۴۰۶ اگر شخصی یقین کرد رکن مستجار (رکن یمانی که قبل از حجر الاسود قرار دارد) حجر الاسود است، و طواف را از آنجا شروع و به همانجا ختم کرد، و بعد فهمید که این کار خطا بوده، تکلیفش چیست؟ جواب: طواف مذکور بنابر احتیاط واجب باطل است، و باید اعاده شود.

سوّم: خانه کعبه سمت چپ طواف کننده باشد

مسأله ۴۰۷ واجب است طوری طواف کند که خانه کعبه طرف دست چپ او باشد (برخلاف حرکت عقربه ساعت) همان گونه که معمول همه مسلمین است. مسأله ۴۰۸ واجب نیست صورت طواف کننده در حال طواف رو به جلو باشد; بلکه می تواند به سمت چپ و راست

خود نگاه کند، و حتّی صورت را برگرداند و به عقب نگاه کند. مسأله ۴۰۹ لازم نیست شانه چپ در تمام حالات محاذی کعبه باشد; بلکه همین اندازه که مطابق معمول و متعارف مسلمین خانه کعبه را دور بزنند کافی است، حتّی اگر گاهی صورت خود را به سوی کعبه کند و به راه خود ادامه دهد مانعی ندارد. مسأله ۴۱۰ آنچه بعضی از عوام در مورد محاذی بودن دائمی شانه چپ با کعبه (به خصوص موقع رسیدن به حجر اسماعیل) انجام می دهند هیچ لزومی ندارد; بلکه اگر موجب وهن مذهب گردد جایز نیست، و بهتر است به جای این گونه احتیاط های بیجا، در تمام حالات حضور قلب داشته باشند، و همانند سایر مسلمین کعبه را دور بزنند. مسأله ۴۱۱ گاه دیده می شود برخی از افراد جاهل برای احتیاط از شخص دیگری می خواهد که او را طواف دهد، و شانه های او را به سوی کعبه کند، به گونه ای که اختیار از طواف کننده سلب می شود. هر چند این کار موجب بطلان طواف نمی گردد، امّا بدون شک کارهای این افراد بسیار بد و زننده است.

مسأله ۴۱۲ هرگاه بر اثر شلوغی مطاف، و ازدحام طواف کنندگان، مقداری از طواف برخلاف متعارف انجام شد; مثل این که بدن طواف کننده در حال حرکت به سمت کعبه واقع شد، یا پشت به کعبه قرار گرفت، یا مقداری عقب عقب حرکت کرد، و طواف را ادامه دهد باید آن مقدار را از سر بگیرد، و اگر نمی تواند برگردد، بدون قصد طواف همراه جمعیّت دور می زند تا به محلّ مورد

نظر برسد، و از آنجا نیّت کند و ادامه دهد. مسأله ۴۱۳ اگر بر اثر ازدحام طواف کنندگان، انسان را بدون اختیار به پیش ببرند، در صورتی که با توجّه به این امر و با اختیار خود وارد طواف شده، ضرری به طوافش نمی زند. مسأله ۴۱۴ به هنگام طواف کردن به هر شکل برود مانعی ندارد; می تواند آهسته یا تند، سواره یا پیاده راه برود، یا حتّی بدود، ولی بهتر آن است که به طور عادی و با آرامش راه برود، و ذکر خدا گوید. سؤال ۴۱۵ شخصی در حال طواف کعبه را بوسیده، و احتمال می دهد در آن حال چند قدم راه هم رفته باشد، و این شک بعد از انجام طواف به وجود آمده است. طوافش چه حکمی دارد؟

جواب: چون شک بعد از طواف بوده، طوافش صحیح است. سؤال ۴۱۶ شخصی در اثناء طواف به خاطر لمس و بوسیدن بیت الله الحرام از مسیر خود منحرف شده، و نمی داند در بازگشت طواف را از همان نقطه ادامه داده یا نه، اکنون وظیفه اش چیست؟ جواب: هرگاه شک بعد از طواف بوده طوافش صحیح است، والاّ باید از سر بگیرد. سؤال ۴۱۷ یکی از حجّاج خیال کرده به هنگام طواف مقداری از شوط را بر اثر فشار جمعیّت طی کرده، ولی یقین به این مطلب ندارد، و از آنجا که نمی توانسته آن مقدار را برگردد و اعاده کند، بقیّه شوط را به قصد رجاء و احتیاطاً انجام می دهد (تا اگر آن دور باطل بوده اضافه لغو باشد، و اگر صحیح بوده، اضافه بر طواف محسوب نشود) سپس

هفت دور بجا آورده، و آن دور را حساب نکرده است. این طواف چه حکمی دارد؟ جواب: این طواف بنابر احتیاط صحیح نیست. سؤال ۴۱۸ شخصی به هنگام طواف بر اثر فشار جمعیّت چند گام به جلو رفته، سپس به جای آن که همان مقدار را جبران کند، آن را رها کرده و یک دور دیگر به جا آورده، که مجموعاً هفت دور تمام و یک دور ناقص می شود. آیا این طواف صحیح است؟ جواب: طوافش اشکال دارد، و باید آن را اعاده کند. سؤال ۴۱۹ اگر محرم از ابتدا بداند که بر اثر شلوغی طواف کنندگان مقداری از طواف یا همه آن را بی اختیار انجام خواهد داد، آیا از اوّل می تواند نیّت کند آن مقدار، که جمعیّت او را می برد، نیز جزء طواف باشد، و آن را مثل طواف سواره محسوب نماید؟ جواب: طوافش صحیح است، و اشکالی ندارد. سؤال ۴۲۰ شخصی در حال طواف به یکی از طواف کنندگان که روی زمین افتاده، برخورد نموده، و او را از روی زمین بلند می کند. ممکن است در این حال چند گامی به جلو برود، در حالی که توجّه به طواف ندارد. در نتیجه نمی داند که آیا مقداری از طواف را بدون قصد بجا آورده یا نه، تکلیفش چیست؟ جواب: اگر قصد طواف، و لو اجمالاً، داشته کافی است. سؤال ۴۲۱ شخصی در شوط پنجم یقین پیدا می کند که پنج متر شوط اوّل، و پنج متر از شوط دوّم را بی اختیار طواف کرده است. تکلیف او چیست؟ جواب: اگر از اوّل قصد کرده خود را در میان

طواف کنندگان قرار دهد و با آنها بچرخد، آنچه را با فشار جمعیّت به جا می آورد، جزء طواف است و صحیح می باشد.

چهارم: «حجر اسماعیل» داخل طواف باشد

مسأله ۴۲۲ واجب است «حجر اسماعیل» را داخل در طواف کند، یعنی از بیرون حجر اسماعیل کعبه را دور بزند. بنابراین، اگر از داخل «حجر اسماعیل» طواف کند باید آن دور را نادیده گرفته، و از حجر الاسود اعاده نماید (ولی نظر به این که به عقب برگشتن در این گونه موارد با ازدحام جمعیّت مشکل است، بهتر این است که همراه طواف کنندگان آن دور را بدون نیّت ادامه دهد، تا به حجر الاسود برسد، سپس نیّت می کند و آن دور را ادامه می دهد). مسأله ۴۲۳ هرگاه شخصی عمداً از داخل حجر اسماعیل طواف کند، حکم ابطال عمدی طواف را دارد که در ابتدای مسائل طواف حکم آن گذشت.

مسأله ۴۲۴ اگر کسی پس از انجام اعمال عمره متوجّه شود که چند شوط از طواف را، سهواً از داخل حجر اسماعیل انجام داده، عمره او صحیح است، ولی باید آن طواف را تکمیل کند، سپس نماز طواف را اعاده نماید. مسأله ۴۲۵ اگر کسی در بعضی از دورها از روی دیوار حجر اسماعیل طواف کند، کافی است همان مقدار را اعاده کند، و اعاده تمام طواف لازم نیست (البتّه در شرایط کنونی عملا هیچ کس روی دیوار حجر نمی رود).

پنجم: طواف در خارج خانه کعبه باشد

مسأله ۴۲۶ طواف باید در خارج خانه کعبه باشد. بنابراین، طواف در داخل خانه کعبه جایز نیست. مسأله ۴۲۷ جایز نیست روی آن قسمت از کناره کعبه که «شاذروان» نام دارد، طواف کند; هر چند امروز شاذروان طوری ساخته شده که عملا امکان طواف روی آن نیست. مسأله ۴۲۸ دست گذاشتن بر دیوار خانه کعبه، یا بر دیوار حجر اسماعیل، یا دست

گذاردن روی حجر اسماعیل، ضرری برای طواف ندارد; هر چند احتیاط مستحب آن است که در آن طرف کعبه که شاذروان قرار دارد، هنگام طواف دست بر دیوار کعبه نگذارند. مسأله ۴۲۹ هرگاه در اثنای طواف داخل خانه کعبه شود طواف او باطل است، و بایـد اعاده کند، و هرگاه از درون حجر اسـماعیل طواف کند همان دور را (چنان که در بالا گفته شد) از حجر الاسود اعاده کند; امّا اگر از روی دیوار حجر اسماعیل، یا شاذروان طواف کند، اعاده همان مقدار کافی است.

ششم: حدّ مطاف

مسأله ۴۳۰ مشـهور میان جمعی از فقها این است که باید طواف در فاصله مقام ابراهیم و خانه کعبه باشد(۱) و از هر طرف باید این فاصـله در نظر گرفته شـود، بنـابراین در طرف «حجر اسـماعیل» محـدوده طـواف شـش ذراع و نیم (کمـتر از سه مـتر و نیم) خواهـد بـود، زیرا حجر اسـماعیل (که مجموعاً بیست ذراع است) از آن کم می شـود، ولی حـق این است که طـواف در تمـام مسـجد الحرام جایز می باشـد; هر چنـد در غیر مواقع ازدحام رعایت احتیاط مسـتحب است; یعنی اگر طواف کردن در فاصـله مزبور مشـکل نباشـد، از آن حـد خارج نشود. مسأله ۴۳۱ اتّصال صـفوف طواف کننـدگان شـرط نیست. مسأله ۴۳۲ طواف در طبقـات بالا در حال ازدحام زیاد، و در مورد بیماران که اجازه طواف از پائین به آنها داده نمی شود، اشـکالی نـدارد; و گرفتن نـایب لازم نیست. سؤال ۴۳۳ خـانمی بـدون کمـک دیگران قادر بر طواف نیست یا بایـد او را با تخت در خارج مطاف طواف دهند، یا شخص نامحرمی او را بر پشت بگیرد،

و در محـدوده مطـاف طواف دهـد. وظیفه اش چیست؟ جواب: با توجّه به این که به فتوای ما مطاف حـدّ معینی نـدارد، او را با تخت در پشت مقام ابراهیم طواف دهنـد. سؤال ۴۳۴ کسـی که به حدود مطاف آگاهی نداشته، طواف را بجا آورده، و پس از آن شـک می کنـد که در مطـاف بـوده یـا نه، آیـا طـوافش صـحیح است؟ جواب: همـان گونه که در بالاـ آمـد در هر صورت طوافش صحیح است; چون طواف حدّ معینی ندارد.

سؤال ۴۳۵ چنانچه محرم یقین داشـته باشـد که در حال طواف در محـدوده معیّن با مرد نامحرم یا زن نامحرم برخورد می کند، آیا باز هم لازم است در محـدوده معیّن طواف کند؟ جواب: گفتیم که طواف حدّ معینی ندارد. به علاوه برخورد از روی لباس بدون قصد خاصّ اشکال ندارد. سؤال ۴۳۶ گاه انسان ناچار می شود از محدوده طواف فاصـله میان مقام ابراهیم و کعبه دورتر شود، خواه به سـبب نظـافت کارکنـان مسـجدالحرام باشـد، یا تعمیراتی که احیاناً در بعضـی از اطراف کعبه انجام می دهنـد، یا کسـانی که بـا ویلچر و تخت روان طواف داده می شونـد وماننـد اینها، آیا طوافشان صـحیح است؟ جواب: همان گونه که قبلاً گفتیم طواف از نظر ما محـدوده خاصـی ندارد، و در حال اختیار نیز می توان از فاصـله مقام و کعبه دورتر طواف کرد. ۱ . این فاصله بیست و شش ذراع و نیم، یعنی کمتر از سیزده متر می باشد.

هفتم: موالات

مسأله ۴۳۷ موالات عرفی در طواف شرط است; یعنی باید هفت دور پی در پی دور خانه خدا بگردد، و

کمتر از هفت دور کافی نیست; ولی در طواف مستحب موالات شرط نیست. مسأله ۴۳۸ هرگاه طواف را عمداً قطع کند (برای رفع خستگی، یا نوشیدن آب، و مانند آن) ولی از مسجد خارج نشود، و قبل از فوت موالات بازگردد، و از همان جا که قطع کرده ادامه دهد، طوافش صحیح است. خواه کمتر از چهار شوط طواف کرده باشد، یا بیشتر. مسأله ۴۳۹ هرگاه کسی مشغول طواف واجب باشد و وقت نماز فریضه، یا نافله وتر فرا رسد، می تواند طواف را قطع کرده، و نماز را به جا آورد، سپس بقیّه طواف را تکمیل کند; خواه قبل از چهار دور باشد، یا بعد از آن. مسأله ۴۴۰ اگر شخصی در حال طواف باشد، و وقت نماز واجب تنگ گردد، واجب است طواف را رها کند، و نمازش را بخواند، سپس اگر بعد از چهار دور رها کرده، از همانجا طواف را تمام نماید، در غیر این صورت بنابر احتیاط از اوّل شروع می کند. مسأله ۴۴۱ قطع طواف برای رسیدن به نماز جماعت، یا رسیدن به وقت فضیلت نماز واجب، جایز بلکه مستحب است، و بعد از انجام نماز، طواف را از همانجا که قطع کرده ادامه می دهد، و احتیاط مستحب آن است که طبق مسأله بالا عمل کند. (توجّه داشته باشید که این مسأله در مورد نماز جماعت است). مسأله ۴۴۲ اگر بدون عذر طواف را قطع کرد، و کاری که منافات با طواف داشت انجام داد، مثل این که فاصله زیادی انداخت، و موالات عرفیّه از بین رفت، احتیاط آن است که اگر چهار دور بجا آورده طواف را

تمام کند، و سپس اعاده نماید; ولی مانعی ندارد از آغاز طواف را از سر بگیرد. مسأله ۴۴۳ هرگاه در اثناء طواف عذری پیدا شد، مثل بیماری شدید، یا حیض، یا باطل شدن وضو و مانند آن، اگر عذر مذکور بعد از تمام شدن چهار دور بوده، پس از رفع عذر برمی گردد، و طواف را تکمیل می کند، ولی اگر قبل از تمام شدن چهار دور بوده، آن طواف را رها کرده، دوباره از اوّل شروع می کند، و احتیاط مستحب در فرض اوّل (در غیر حیض) اتمام و اعاده است. مسأله ۴۴۴ هرگاه عذر شخصی که طواف را قطع کرده، ادامه پیدا کند تا زمانی که وقتِ انجامِ طواف تنگ شود، در صورت امکان باید او را به مسجد الحرام بیاورند و طوافش دهند، و اگر ممکن نیست برایش نایب بگیرَند.

مسأله ۴۴۵ اگر در حال سعی صفا و مروه یادش آمد که طواف را ناقص به جا آورده، باید برگردد و طواف را از همانجا که ناقص کرده تکمیل کند، سپس بقیّه سعی را بجا آورد، و طواف و سعیش هر دو صحیح است. لکن احتیاط واجب آن است که اگر طواف کمتر از چهار دور بوده، آن را تمام کند و سپس اعاده نماید. همچنین اگر سعی را کمتر از چهار بار انجام داده، آن را تمام نموده و سپس اعاده کند، و در هر دو حالت می تواند طواف یا سعی را رها کرده، از اوّل بجا آورد. مسأله ۴۴۶ حاجی می تواند طواف را رها نموده، خانه را ببوسد، و سپس برگردد و از همانجا که قطع کرده طواف

را ادامه دهـد، ولی بهتر است این کارهـا را انجام ندهـد. سؤال ۴۴۷ شخصـی در شوط اوّل طواف بود که نماز جماعت شـروع شـد. بـدین جهت طواف را قطع کرده، و مشـغول نماز می شود. پس از نماز، طواف را از سـر می گیرد، و هفت شوط کامل به جـا می آورد. آیا طواف او صـحیح است؟ جواب: اشـکال نـدارد. سؤال ۴۴۸ شخصـی در وسـط طواف، آن را به هر دلیـل رها کرده، و طواف را از سـر می گیرد. آیا طوافش صحیح است؟ اگر اعمال بعدی را انجام داده باشد، چه وظیفه ای دارد؟ جواب: طواف و اعمال بعدی در هر حال صحیح است. سؤال ۴۴۹ تعدادی از زائران خانه خدا مشغول طواف بودند که مأمورین نظافت مسـجدالحرام شروع به نظافت نموده، و طواف کنندگان به ناچار طواف را رها کردند. مدّتی طول کشید، خیال کردند موالات عرفیّه به هم خورده، بـدین جهت طواف را از سـر گرفتنـد. در صورتی که به هم خوردن موالات مشـکوک باشد، طوافشان چه حکمی دارد؟ جواب: در هر صورت اشکالی ندارد. سؤال ۴۵۰ شخصی شوط اوّل طواف را، که به طور ناقص انجام شده بود، رها نموده، سـپس شـش شوط دیگر به جا می آورد، بعد از آن شوط اوّل را اعاده می کند. آیا طوافش صـحیح است؟ جواب: هرگاه نیّتش اجمالا انجام طواف واجب شـرعی بوده، مانعی ندارد. سؤال ۴۵۱ شخصـی نیّت طواف را در دل می گذراند، و به قصـد طواف حرکت می کنـد. پس از چنـد قـدمی گمان می کنـد نیّت طواف باید به زبان آورده شود، بدین جهت آن دور را رها نموده، و

برمی گردد، و نیّت را به زبان آورده، و طواف را از نو شروع می کند. آیا طوافش صحیح است؟ جواب: اشکال ندارد. سؤال ۴۵۲ شخصی طواف خود را بر هم می زند و طواف دیگری را شروع می کند. آن را نیز بر هم زده و طواف سوّم را آغاز و به اتمام می رساند. اکنون وظیفه اش چیست؟ جواب: طواف آخر او اشکال ندارد. ولی سزاوار است مؤمنان از این گونه کارها حتّی الامکان بپرهیزند. سؤال ۴۵۳ شخصی در شوط ششم بر اثر خستگی از ادامه طواف باز می ماند. بدین جهت طواف را قطع نموده، به استراحت می پردازد، و شخص دیگری را نایب می کند که بقیّه طوافش را انجام دهد; سپس خودش نماز طواف را بجا می آورد. بعداً متوجّه می شود که استراحت در وسط طواف موالات را بر هم نمی زند. اکنون وظیفه اش چیست؟ جواب: بقیّه طواف را خودش تکمیل می کند، سپس نمازش را اعاده می نماید. سؤال ۴۵۴ شخصی در حال طواف غش کرده، و از ادامه طواف باز می ماند، و پس از چند ساعت به هوش می آید. آیا می تواند طوافش را از همان جا که قطع شده ادامه داده، سپس بقیّه اعمالش را بجا آورد؟ جواب: اگر طوافش قبل از اتمام شوط چهارم قطع شده، وضو می گیرد و طواف را از اوّل شروع می کند، و اگر بعد از شوط چهارم بوده، پس از وضو از همانجا ادامه می دهد. سؤال ۴۵۵ کسی که وظیفه اش اتمام و اعاده طواف است، هرگاه طواف ناقص خود را اتمام نموده، و به

هنگام اعاده طواف، دوباره طوافش قطع شود. آیا این طواف را نیز باید اتمام و اعاده کند؟ جواب: آری، فرقی نمی کند. سؤال ۴۵۶ در مواردی که باید احتیاطاً طواف را تمام کند، سپس نماز طواف را بخواند، و پس از آن طواف و نماز آن را اعاده کند، اگر یک طواف به قصد اعمّ از تمام و اتمام انجام دهد (یعنی چنانچه آن مقدار انجام شده باطل بوده، تمام هفت شوط را قصد طواف داشته باشد، و چنانچه صحیح بوده فقط بقیّه را قصد طواف داشته باشد) و سپس دو رکعت نماز طواف بخواند، آیا کفایت می کند؟ جواب: بهتر آن است که طواف اوّل را رها کرده، طواف دیگری را شروع کند. زیرا این احتیاط مستحب است. سؤال ۴۵۷ در مواردی که طواف و سعی را اتمام و اعاده می کند، آیا ترتیب نیز لازم است؟ جواب: آری، احتیاط آن است که ابتدا طواف را تمام کند و نماز بخواند، سپس طواف و نماز آن را اعاده نماید، و بعد به سراغ سعی برود. سؤال ۴۵۸ در مواردی که طواف و نماز باید اعاده شود، آیا لازم است با لباس احرام باشد؟ جواب: لازم نیست.

احکام طواف

عدم تمکّن از طواف

مسأله ۴۵۹ هرگاه محرم بر اثر بیماری قادر بر انجام طواف نباشد تا وقت طواف تنگ شود، اگر ممکن است، او را به نحوی ببرند و طواف دهند (هر چند بر دوش بگیرند، یا بر چرخ یا تخت بنشانند. البتّه با رعایت شرایط و احکام طواف در حدّ ممکن) و اگر به این شکل هم ممکن نباشد، برای او نایب می گیرند.

نقصان طواف

مسأله ۴۶۰ اگر محرم مشغول سعی بین صفا و مروه شود، سپس یادش بیاید که طواف را بجا نیاورده، باید سعی را رها کرده و طواف و نماز طواف را انجام دهد، و پس از آن سعی را اعاده نماید.

سؤال ۴۶۱ اگر بعد از تقصیر متوجّه نقصان یا بطلان طواف عمره شد، چه وظیفه ای دارد؟ جواب : باید طواف و نماز آن را اعاده کند ولی ظاهراً از احرام خارج شده و کفّاره ای ندارد. سؤال ۴۶۲ اگر بعد از طواف و نماز آن متوجّه شود که یک یا دو دور از طواف را بجا نیاورده، تکلیف چیست؟ جواب : باید مقدار نقصان را تدارک کند و نماز طواف را مجدداً بخواند.

کم یا زیاد کردن طواف

مسأله ۴۶۳ کم یا زیاد کردن طواف جایز نیست. هرگاه کسی از روی عمد یا جهل چیزی بر هفت دور بیفزاید، طواف او باطل است، و اگر طواف واجب را کم کند، چنانچه قبل از فوت موالات عرفیّه بازگردد و آن را تکمیل نماید، طوافش صحیح است، والّا طواف او باطل می شود، و باید از نو شروع کند. مسأله ۴۶۴ طواف واجب یا مستحب را می توان قطع کرد، و از نو شروع نمود. (این حکم برای حلّ بسیاری از مشکلات طواف کارساز است; زیرا می تواند آن را رها کند، و از سر بگیرد). مسأله ۴۶۵ هرگاه طواف را از روی عمد بیش از هفت دور به جا آورد طواف او باطل است; خواه از اوّل قصد زیادی داشته باشد، یا بعد از إتمام هفت دور قصد کند که چیزی بر آن اضافه نماید، و خواه زیادی به

اندازه يک دور باشد، يا کمتر، يا بيشتر; امّا اگر مقدار اضافى را به قصد طواف به جا نياورد، مثل اين که در اوّل کار يک دور با جمعيّت حرکت مى کند تا به طواف آشنا شود، سپس هنگامى که مقابل «حجر الاسود» رسيد قصد طواف مى کند، اين کار ضررى ندارد، همچنين اگر بعد از تمام شدن هفت دور بر اثر کثرت جمعيّت نتواند فوراً از دايره طواف خارج شود، مانعى ندارد مقدارى با مردم بدون قصد طواف ادامه دهد، و بعد خارج شود. مسأله ۴۶۶ هرگاه از روى سهو طواف را زيادتر از هفت دور به جا آورد، اگر اضافه کمتر از يک دور باشد، آن را قطع مى کند و طوافش صحيح است، و اگر يک دور يا بيشتر باشد، احتياط آن است که به قصد قربت بر آن بيفزايد تا هفت دور ديگر به عنوان طواف مستحب کامل شود، و بعد دو رکعت نماز طواف واجب را به جا مى آورد، و پس از سعى (در آنجا که سعى واجب است) دو رکعت ديگر براى طواف مستحب به جا مى آورد. و لازم نيست قصد کند طواف اوّل واجب است، و دوّم مستحب; بلکه همين اندازه که به قصد قربت انجام دهد کافى است. مسأله ۴۶۷ هرگاه از روى سهو و فراموشى طواف واجب را ناقص بگذارد، اگر بعد از تمام کردن چهار دور باشد، برمى گردد و طواف را کامل مى کند. (خواه موالات از دسته رفته باشد، يا نه) و اگر قبل از چهار دور باشد چنانچه موالات به هم نخورده، مى تواند آن را تکميل نمايد وگرنه، بايد

از نو شروع کند. مسأله ۴۶۸ چنانچه پس از بازگشت به وطن متوجّه نقصان در طواف شود، احتیاط آن است که برگردد، و طوافش را طبق آنچه در بالا گفتیم تکمیل کند، و اگر نتواند، یا مشکل باشد، نایب بگیرد. و احتیاط آن است که یک گوسفند در مکّه، و اگر نتواند در شهر خود، قربانی نماید. مسأله ۴۶۹ هرگاه طواف کننده از روی عمد از اوّل قصد کند کمتر از هفت دور یا بیشتر بجا آورد، طوافش باطل است؛ هر چند به هفت دور تمام کند. مسأله ۴۷۰ احتیاط واجب آن است که اگر طواف کننده از روی ندانستن مسأله، یا فراموشی یا غفلت کمتر از هفت دور یا بیشتر بجا آورد، طواف را اعاده کند. مسأله ۴۷۱ اگر در وسط طواف از قصد هفت دور برگشت (چه قصد کرده باشد کمتر انجام دهد، و یا بیشتر) از همانجا که چنین نیّتی کرده طوافش باطل است. و احتیاط آن است که طواف را به نیّت صحیح تمام کرده، و سپس اعاده کند، و اگر با این قصد زیادتر از هفت شوط انجام دهد، اصل طواف باطل می شود. مسأله ۴۷۲ چنانچه شخصی گمان کند همانطور که هفت دور طواف مستحب است، یک دور هم استحباب دارد، و قصد کند هفت دور طواف واجب کند، و یک دور مستحب هم به دنبال آن انجام دهد، یا به همین نیّت هشت دور طواف کند، طوافش صحیح است، ولی آن یک دور بی فایده و باطل است؛ زیرا طواف، کمتر از هفت دور نیست. سؤال ۴۷۳ شخصی چند متر از یک شوط طواف را خراب کرده، و

چون محلّ دقیق آن را نمی دانسته آن را رها نموده، و یک شوط دیگر از حجر الاسود شروع و به آنجا ختم کرده است. اگر نیّت او این باشد که آنچه خراب شده به نحو صحیح انجام شود، و زیادی قبلی و بعدی به عنوان مقدّمه علمیّه باشد، طوافش چه حکمی دارد؟ جواب: طوافش صحیح است، مگر این که بعد از خراب شدن آن شوط، آن قسمت طواف را ادامه داده باشد که در این صورت طواف اشکال دارد. سؤال ۴۷۴ کودک نابالغی با اجازه پدرش محرم شده، و طواف را نیمه کاره رها کرده، به تصوّر این که همان مقدار کافی است، و سعی را نیز از طبقه دوم انجام داده است. اکنون تکلیف او چیست؟ جواب: سعی و طوافش باطل است. باید طواف و نماز و سعی را اعاده نموده، سپس تقصیر نماید. سؤال ۴۷۵ شخصی پس از تمام شدن هفت دور طواف، دو دور دیگر برای جبران نقص احتمالی به قصد احتیاط به جا می آورد. آیا این عمل ضرری به طوافش می رساند؟ جواب: طواف او اشکالی ندارد. سؤال ۴۷۶ شخصی به هنگام سعی بین صفا و مروه متوجّه می شود بیش از هفت دور طواف کرده است. وظیفه او چیست؟ جواب: احتیاط آن است که سعی را تکمیل نموده، سپس طواف و نماز طواف و سعی را دوباره بجا آورد، و پس از آن تقصیر کند. سؤال ۴۷۷ اگر هنگام خروج از محلّ طواف بعد از دور هفتم، مقداری از مسافت را به قصد آن که جزء طواف باشد به جا آورد، چه حکمی دارد؟ جواب: اگر عمدی باشد،

طوافش باطل می شود، و اگر سهوی باشد باید قطع کند، و طوافش صحیح است.

قِران در طواف

مسأله ۴۷۸ «قِران»، یعنی دو طواف را پشت سر هم بجا آوردن بی آن که در وسط آن نماز طواف بخواند، اگر در طواف واجب باشد حرام است، ولی طواف اوّل باطل نمی شود; مگر این که از آغاز چنین قصدی داشته باشد، که در این صورت صحیح بودن طواف اوّل او مشکل است. مسأله ۴۷۹ «قِران» در طواف مستحب مکروه است، ولی حرام و باطل نیست. مسأله ۴۸۰ اگر شخص محرم یک دور، یا کمتر، یا بیشتر، بر هفت دور بیفزاید، و قصدش این باشد که مقدار اضافه جزء آن طواف نباشد، حکم قِران میان دو طواف را دارد که حرام است، ولی طواف اوّل باطل نیست. سؤال ۴۸۱ زنی به همراه شوهرش، که یک دور طواف را انجام داده بود، شروع به طواف می کند، و پس از اتمامِ طوافِ همسرش، که دور ششم او بوده، طواف را از سر می گیرد، و هفت دور دیگر می زند. طواف اوّل و دوّم زن چه حکمی دارد؟ جواب: طوافی را که از سر گرفته صحیح است. سؤال ۴۸۲ آیا «قِران در طواف» که حرام است، طواف را نیز باطل می کند؟ جواب: اگر از اوّل یا در وسط طواف اوّل، قصد قِران داشته احتیاط در اعاده طواف است، و اگر بعد از تمام شدن طواف اوّل قصد قِران کرده، طواف اوّل باطل نمی شود. سؤال ۴۸۳ شخصی پس از انجام هفت دور طواف عمره مفرده، با خود می گوید: «این طواف دلچسب نشد» بدین جهت و بدون خواندن نماز

طواف، هفت دور دیگر طواف می کند، سپس نماز و سعی را انجام داده، و تقصیر می کند. آیا عمل او صحیح است؟ جواب: عمل او صحیح است; هر چند ناآگاهانه داخل در قِران حرام شده است.

شک در طواف

مسأله ۴۸۴ اگر بعد از فراغت از طواف، در عدد دورهای طواف یا شرایط طواف مانند وضو و غیره شک کند اعتنا نمی کند. مسأله ۴۸۵ هرگاه بعد از رسیدن به «حجر الاسود» شک کند هفت دور به جا آورده، یا هشت دور، یا بیشتر، نباید اعتنا کند، و طوافش صحیح است. همچنین اگر در وسط دور شک کند که دور هفتم است یا بیشتر، آن دور را تمام کند، و طوافش صحیح است. مسأله ۴۸۶ اگر در آخر دور، یا در وسط دور، شک کند شش دور به جا آورده، یا هفت دور، طواف او بنابر احتیاط واجب باطل است، و باید آن را رها کرده، از نو شروع کند. همچنین است در هر موردی که یک طرف شک کمتر از هفت دور باشد; امّا در طواف مستحب در این موارد بنابر کمتر می گذارد، و طواف را کامل می کند و طوافش صحیح است. مسأله ۴۸۷ شخص کثیر الشّک که در طواف زیاد شک می کند نباید به شکّ خود اعتنا کند، و آن طرفی را که مناسبتر برای او است بگیرد; مثلا اگر میان پنج و شش شک کند، بنابر شش می گذارد و اگر میان هفت و هشت شک کند، بنا را بر هفت می گذارد. مسأله ۴۸۸ ظنّ و گمان در مسائل گذشته در حکم شک است، و باید مطابق حکم شک

عمل کند. مسأله ۴۸۹ مـانعی نـدارد که انسان برای شـمردن دورهای طواف به رفیق و همراه خود اعتماد کنـد (در صورتی که فرد مورد اعتمادی باشد). مسأله ۴۹۰ بعضـی برای حفظ عدد دورهای طواف، دعای توسّل و مانند آن را شروع می کنند، تا به هفتمین معصوم(علیه السـلام)برسـند. این کـار مناسب نیست; به خصوص اگر با صـدای بلنـد خوانـده شود. بهتر است از اذکار دیگر اسـتفاده شود. سؤال ۴۹۱ اگر فردی در طواف هـای متعـدد هر بـار در یـک مورد شـک می کنـد (در اشواط، در بطلان، طهـارت، هـل دادن) چه تکلیفی دارد؟ جواب : هرگـاه کـثیر الشـک محسوب شود، اعتنـا به شـکش نکنـد. سؤال ۴۹۲ اگر در هنگام طواف در صحّت دور سابق، یا قسمتی از دور فعلی که مشغول انجام آن است و محلّ آن گذشته شک کند، چه حکمی دارد؟ مثلا مشغول انجام دور چهارم است و از حجر اسماعیل هم گذشته، ولی در صحّت دور سوم شک دارد، یا در مورد دور چهـارم شـک دارد که از داخـل حجر طواف کرده، یـا از خـارج آن دور زده است. اکنون وظیفه اش چیست؟ جواب: طوافش صحیـح است. سؤال ۴۹۳ شخصـی به هنگـام انجـام طواف در تعـداد دورهای طواف شک کرد، و چون گمانش به یک طرف بیشتر بود بنا را بر آن طرف گـذاشت. پس از انجام اعمال، یقین به صـحّت طواف پیدا کرد. آیا طوافش صـحیح است؟ جواب: صحیح است. سؤال ۴۹۴ اگر حاجی در حال طواف، یا سـعی، شک کنـد که دور چنـدم طواف یا سـعی است، و با همین حال عمل خویش را ادامه دهد، سپس به

یک طرفِ شک یقین پیدا کرده، و عمل را تمام نماید، آیا چنین عملی صحیح می باشد؟ جواب: اگر طواف یا سعی را به امید انجام وظیفه شرعی ادامه دهد، و بعد یقین پیدا کند اشکالی ندارد، و طواف و سعی او صحیح است. سؤال ۴۹۵ گاه انسان شک می کند که فلان شوط طواف را درست انجام داده، یا نه؟ آیا جایز است بعد از طواف یک شوط دیگر به عنوان احتیاط به جا آورد، سپس نماز طواف را بخواند؟ جواب: با قصد مذکور مانعی ندارد. سؤال ۴۹۶ شخصی در پایان یکی از دورهای طواف آن را رها کرده، و لحظه ای استراحت می کند. هنگامی که برای تکمیل آن برمی گردد شک می کند که شوط پنجم بوده، یا ششم؟ وظیفه اش را بیان فرمائید. جواب: احتیاط واجب آن است که آن طواف را رها کند، و از نو شروع نماید. سؤال ۴۹۷ معیار و ملاکِ کثیر الشّک بودن در طواف چیست؟ جواب: کثیر الشّک بودن یک امر عرفی است؛ یعنی مردم بگویند او بسیار شک می کند. سؤال ۴۹۸ کسی که با کاروان طواف می کند اگر همراهان می گویند هفت دور شده و خودش فکر می کند که شش دور انجام داده است یا بالعکس وظیفه او چیست؟ جواب : اگر از گفته دیگران اطمینان به تعداد دورها حاصل نکند باید به یقین خود عمل نماید، ولی اگر با گفته دیگران شک برایش حاصل شود طواف او باطل است.

نیابت در طواف

مسأله ۴۹۹ طواف دادن شخصی که خود می تواند طواف کند با چرخ یا تخت روان مانعی ندارد. سؤال ۵۰۰ آیا

کسانی که قادر به انجام طواف نیستند باید نایب بگیرند؟ یا لازم است توسّط چرخ، یا تخت های مخصوص طواف داده شوند; هر چند آنها را در خارج از محدوده، یا از طبقه بالا، طواف دهند؟ جواب: نیابت لازم نیست، و طواف به شکل مزبور صحیح است، و طواف از طبقه بالا به هنگام ضرورت مانعی ندارد. سؤال ۵۰۱ آیا قسمتی از طواف، برای کسانی که قادر نیستند تمام آن را خودشان انجام دهند، قابل نیابت هست؟ جواب: در صورت امکان آنها را در باقیمانده سوار بر چرخ و مانند آن طواف دهند، در غیر این صورت، برای تمام طواف نایب بگیرند. سؤال ۵۰۲ شخص ناتوانی که به خاطر گرانی نمی تواند طواف را بوسیله تخت روان و مانند آن انجام دهد، آیا می تواند نایب بگیرد؟ جواب: مانعی ندارد. سؤال ۵۰۳ آیا مُحرم می تواند قبل از انجام طواف واجب خود به نیابت از معذور طواف انجام دهد؟ جواب: مانعی ندارد. سؤال ۵۰۴ آیا کسی که فقط نیابت در طواف یا سعی می کند لازم است لباس احرام بپوشد؟ جواب: لازم نیست.

دیگر سؤالات طواف

مسأله ۵۰۵ سخن گفتن و خندیدن در حال طواف، و حتّی خوردن چیزی، طواف را باطل نمی کند; ولی بهتر است در حال طواف (خواه واجب باشد، یا مستحب) سخنی جز ذکر خدا و دعا نداشته باشد، و با حضور قلب این عبادت بزرگ را انجام دهد، و از هر کاری که حضور قلب را می کاهد، پرهیز کند. سؤال ۵۰۶ اگر طواف، یا نماز طواف، یا سعی شخصی در عمره به جهتی باطل شده، و آن شخص بدون توجّه به

این مطلب تقصیر نموده، و از احرام خارج شده باشد، سپس متوجّه بطلان عمل مذکور گردد، چه وظیفه ای دارد؟ جواب: باید عمل باطل شده را جبران کند، ولی ظاهراً از احرام خارج شده، و کفّاره ای ندارد. سؤال ۵۰۷ شخصی طواف عمره خویش را غلط انجام داده، و پس از آن، چندین طواف نیابی نیز به همان صورت به جا آورده است. تکلیف او در مورد طوافهای مذکور چیست؟ جواب: اگر از روی سهو و فراموشی باشد عمره او صحیح است، و اگر عمداً یا جهلاً ـ بوده، عمره او اشکال دارد. طواف های نیابی نیز همین حکم را دارد. سؤال ۵۰۸ هرگاه محرم لباس احرام را کنار بگذارد و اعمال عمره، نظیر طواف و سعی، را جهلاً ـ یا عمداً با لباس دوخته انجام دهد، اعمالش چه حکمی دارد؟ جواب: طواف و سعی مزبور صحیح، و عمره مذکور مُجزی است، ولی اگر عمداً باشد کفّاره دارد. سؤال ۵۰۹ به هنگام طواف، و بر اثر فشار و ازدحام، بعضی از وسائل طواف کنندگان مثل ساعت، انگشتر، احرامی، شانه و مانند آن، روی زمین و زیر دست و پای طواف کنندگان می افتد، که برداشتن آن خطرناک است. بعضی از طواف کنندگان پا روی آن می گذارند. آیا این عمل ضرری به طواف آنها می زند؟ جواب: اشکالی ندارد، ولی عمداً پا روی آن نگذارند. سؤال ۵۱۰ اگر انسان هنگام طواف پا روی احرامی دیگران بگذارد، و بداند این کار موجب اذیّت و آزار صاحب آن می شود، طوافش چه حکمی دارد؟ جواب: به طواف ضرری نمی زند، ولی عمداً این کار را نکند.

سؤال ۵۱۱ حجّاج

اهل سنّت هنگام طواف وقتی به محاذی حجرالاسود می رسند، دستها را بلند کرده و تکبیر می گویند، و سپس به طواف خود ادامه می دهند. آیا این کار طبق نظر علمای شیعه نیز سفارش شده است؟ جواب: این کار سفارش نشده است. سؤال ۵۱۲ گاه در حال طواف تماس با بدن نامحرم حاصل می شود آیا ضرری برای طواف ندارد؟ جواب: طواف او باطل نمی شود، و کفّاره ای هم ندارد، حتّی اگر خدای نکرده از روی عمد باشد، ولی باید مراقب دام های شیطان بود. سؤال ۵۱۳ نظر به اهمّیّت اعمال حج، به خصوص طوافها و نماز آن، بعضی از حجّاج پاره ای از اعمال را، هر چند ظاهراً نقصی ندارد، احتیاطاً چند بار انجام می دهند. چه حکمی دارد؟ جواب: نباید گرفتار وسواس شد؛ ولی انجام عمل احتیاطی بدون وسوسه مانعی ندارد.

۳ نماز طواف

نماز طواف

مسأله ۵۱۴ واجب است بعد از طواف واجب، دو رکعت نماز بخواند، و احتیاط واجب آن است که این نماز را پشت مقام ابراهیم بجا آورد، ولی لازم نیست متّصل به آن باشد؛ بلکه همین اندازه که بگویند پشت مقام ابراهیم بجا آورده کافی است.

محلّ نماز طواف

مسأله ۵۱۵ محلّ نماز طواف واجب چنانکه گفتیم پشت مقام ابراهیم است، ولی اگر فشار جمعیّت زیاد باشد، می تواند در یکی از دو طرف مقام ابراهیم، یا عقب تر از مقام، نماز بخواند، به خصوص در مواقعی که جمعیّت طواف کننده به قدری زیاد است که صفوف طواف کنندگان به پشت مقام ابراهیم می رسد، و خواندن نماز در آنجا مشکل می شود، در این حال نباید اصرار بر خواندن نماز در نزدیکی مقام ابراهیم داشت، بلکه باید در جایی که این مشکل وجود ندارد خوانده شود، و کارهایی که بعضی از عوام انجام می دهند، مانند این که گروهی دست به دست هم می دهند، و حریمی برای نمازگزاران مورد نظر درست می کنند، هیچ ضرورتی ندارد و اگر برای طواف کنندگان، یا سایر نماز گزاران ایجاد مزاحمت کند، خالی از اشکال نیست بلکه باید عقب تر بروند تا جایی که مزاحم طواف کنندگان نباشد. سؤال ۵۱۶ این که فرموده اید: «واجب آن است که نماز طواف را پشت مقام بجا آورند» پشت مقام تا چه اندازه است، آیا می توان حدّ معیّنی برای آن فرض کرد؟ جواب: این امر عرفی است؛ یعنی مردم بگویند نماز او پشت مقام است. سؤال ۵۱۷ شخصی با اعتقاد به این که حجر اسماعیل مقام ابراهیم است، نمازش را

در آنجا بجا آورده است. وظیفه اش چیست؟ اگر بعد از تقصیر متوجّه شود، آیا اعمال بعد از نماز هم باید اعاده گردد؟ جواب: باید نمازش را در پشت مقام ابراهیم اعاده کند، و اعاده اعمال بعد لازم نیست. سؤال ۵۱۸ آیا نماز در پشت مقام ابراهیم حکم تکلیفی است، یا وضعی؟ به عبارت دیگر، اگر کسی (مثلاـ) نمازش را نزدیک دیوار زمزم بخواند، آیا نمازش باطل است، یا فقط معصیت کرده، ولی نماز صحیح است؟ جواب: خواندن نماز طواف واجب پشت مقام ابراهیم جزء شرایط است، و جنبه حکم وضعی دارد، ولی اگر بر اثر ازدحام نتواند نماز را پشت مقام بخواند، تا جایی که مزاحمتی برای طواف کنندگان نداشته باشد عقب تر می رود. سؤال ۵۱۹ هرگاه فردی به خاطر ازدحام یا نزدیک شدن وقت نمازهای واجب نتواند نماز طواف را پشت مقام بخواند، آیا باید صبر کند تا خلوت شود، یا می تواند فوراً نمازش را در جایی که مقدور است بخواند، ولو در ساعت های بعد، در جای نزدیکتر می تواند اعاده نماید؟ جواب: می تواند در جایی که مقدور است بخواند، و صبر کردن برای نزدیکتر خواندن لازم نیست.

سؤال ۵۲۰ اگر کسی نماز طواف را در مکانی غیر از مقام ابراهیم بخواند، و با اعتقاد به صحّت آن، بقیّه اعمال را انجام دهد، وظیفه او چیست؟ جواب: فقط باید نماز را اعاده کند. سؤال ۵۲۱ در یکی از روزنامه های عربستان مقاله ای تحت عنوان: «آیا جابجایی مقام ابراهیم مناسب است؟» به چاپ رسیده، و مطالبی در مورد لزوم این کار به منظور رفع مانع برای طواف کنندگان مطرح

شـده است. لطفاً بفرمائیـد: الـف) چنین اقـدامی از نظر شـرعی چه حکمی دارد؟ جواب: جابجـایی مقـام ابراهیم ضـرری به امر طواف نمی زنـد; زیرا جـایز است طواف در دو طرف مقـام ابراهیم انجـام شود; امّـا از آنجا که مقام ابراهیم معیاری برای محلّ نماز «طواف واجب» است، و این تغییر سبب می شود که معیار مزبور به هم بخورد، تغییر آن شرعاً مجاز نیست. ب) در صورت عملی شـدن این طرح، تکلیـف حجّـاج در مـورد طـواف و نمـاز طـواف چیست؟ جـواب: همـان طور که گـذشت برای طواف مشـکلی ایجاد نمی شود; زیرا طواف در پشت مقام نیز جایز است; امّا اگر خـدایی نکرده آنها اقدام به چنین کار خلافی کنند، زائران بایـد محلِّ تقریبیِ فعلیِ آن را برای نماز «طواف واجب» در نظر بگیرنـد، و طبق آن عمل کنند. سؤال ۵۲۲ گاه انسان می دانـد که اگر نماز طواف را شـروع کند، طواف کنندگان او را حرکت داده، جا بجا می کنند; ولی در عین حال نماز را شـروع می کنـد. اگر این نماز را تمام کنـد صـحیح است؟ جواب: اگر به امید این که بتواند آن را کامل کند انجام داده، و او را جا به جا نکردنـد، نماز او صـحیح است، و اگر کمی جا به جا کننـد، به طوری که صورت نماز به هم نخورد، و در حال جا به جایی سکوت کند، آن نیز مانعی ندارد. سؤال ۵۲۳ شخصـی مشغول نماز طواف بود که طواف کنندگان او را حرکت دادند. پس از استقرار ذکری را که در حال حرکت خوانده بود تکرار کرد، ولی دوباره او را حرکت دادند، او نیز

ذکر را تکرار کرد. آیا نمازش صحیح است؟ جواب: اگر طوری حرکت داده اند که استقرار او از بین رفته، تکرار ذکر مانعی ندارد; در غیر این صورت، تنها به قصد احتیاط تکرار کند، به شرط آن که از روی وسواس نباشد. سؤال ۵۲۴ هنگامی که قسمتی از زمین مسجد الحرام نجس می شود، کارکنان آنجا اقدام به تطهیر آن به روش غیر صحیح می کنند. آیا نماز خواندن بر روی آن قسمت از زمین، که به روش فوق تطهیر شده و هنوز مرطوب است، جایز است؟ جواب: احتیاط آن است که در مکان دیگری نماز بخواند; ولی اگر یقین به نادرستی روش آنها ندارد اشکالی ندارد، و جستجو در این امور لازم نیست. سؤال ۵۲۵ آیا در نماز طواف رعایت تقدّم و تأخّر بین مرد و زن لازم است؟ جواب : لازم نیست ولی اگر به سهولت بتوان این مطلب را رعایت کرد، احتیاط رعایت آن است. سؤال ۵۲۶ در موقع نماز طواف امکان ندارد که مردان و زنان طوری بایستند که محاذی هم نباشند، یا زنان جلوتر از مردان مشغول نماز نشوند. در این صورت نماز چه حکمی دارد؟

جواب: در این شرایط اشکالی ندارد. سؤال ۵۲۷ آیا طواف عمره مفرده مستحب، حکم طواف واجب را دارد، که باید نماز آن پشت مقام ابراهیم باشد یا حکم طواف مستحبّی را دارد که می توان در هر جای مسجدالحرام آن را خواند؟ جواب: حکم طواف واجب را دارد و باید نماز آن پشت مقام ابراهیم باشد، البته به مقداری که میسّر است.

کیفیّت نماز طواف

مسأله ۵۲۸ نماز طواف را می توان بلند یا آهسته خواند،

و اذان و اقـامه نـدارد، و در چیزهـای دیگر شبیه نمـاز صـبح است; ولی بنـابر احتیـاط واجب، جمـاعت در نماز طواف مشـروع نیست. مسأله ۵۲۹ در نمـاز طواف هر سوره ای، جز سوره هـای سـجده را می توان خوانـد; ولی مسـتحبّ است در رکعت اوّل پس از حمـد سوره «توحیـد» و در رکعت دوم سوره «کافرون» را بخواند. سؤال ۵۳۰ اگر خانمی اذکار نماز طواف را به قـدری بلند بخواند که نامحرم بشنود، چه حکمی دارد؟ جواب: مانعی ندارد، ولی بهتر است آهسته تر بخواند.

سؤال ۵۳۱ آیا روحانی کاروان، که نماز طوافش را به صورت فرادی خوانـده، می توانـد همان نماز راماننـد نمازهای یومیّه، به نیّت جماعت برای افراد کاروان امامت کند؟ جواب: بنابر احتیاط واجب نماز طواف را نمی توان با جماعت خواند.

اصلاح قرائت نماز

مسأله ۵۳۲ بر هر مکلّفی واجب است قرائت نماز خود را یاد بگیرد; یعنی حمد و سوره و سایر ذکرهای نماز را به طور صـحیح بخوانـد; ولی اگر به علّت بیسوادی، یا علل دیگر، بعـد از تلاش لازم نتوانست قرائت را به طور کامل بخوانـد، همان مقـدار که می توانـد کافی است، و اگر می توانـد یاد بگیرد، امّا کوتاهی کند، معصـیت نموده است، ولی اگر وقت تنگ باشد، و فرصـت برای یاد گرفتن نباشد، باید به همان مقدار که توانایی دارد نمازها و از جمله نماز طواف را بخواند، و نایب گرفتن لازم نیست. مسأله ۵۳۳ اگر کسـی نمی دانـد که قرائت نمازش درست نیست، و در نادانی خود معذور باشد، نمازش صـحیح است، و اعاده ندارد; امّا اگر مقصّر بوده، لازم است پس از درست کردن

قرائت، نمازش را اعاده کند; وگرنه معصیت کرده است. مسأله ۵۳۴ همه نمازها را باید با قرائت صحیح انجام داد. زائران خانه خدا باید از فرصت استفاده کنند، و به هنگام اراده این سفر بزرگ روحانی، قرائت نماز خود را برای اهل علم بخوانند، و اگر ایرادی دارد برطرف نمایند، تا اعمال آنها از هر نظر خالی از اشکال باشد. مسأله ۵۳۵ برای صحیح بودن قرائت، دقّتهای علمای تجوید شرط نیست; همین اندازه که در عرف عرب بگویند کلمات را صحیح ادا می کند کافی است. سؤال ۵۳۶ شخصی که نمازش غلطهای فراوانی دارد، و به احرام عمره مفرده محرم شده، و وارد مکّه می شود، و (مثلا) هفت روز در مکّه توقّف می کند. آیا واجب است تا آخر وقت در احرام بماند و نمازش را اصلاح نماید، سپس شروع به طواف و نماز کند، یا وظیفه دیگری دارد؟ جواب: لازم است صبر کند، و نمازش را به مقداری که می تواند اصلاح کند.

سؤال ۵۳۷ هرگاه شخصی مطمئن بوده که قرائت و اذکار نمازش را به طور صحیح انجام می داده، و نماز طواف را بر همان اساس خوانده است، اکنون معلوم شده که اشتباهاتی در قرائت نماز دارد. چه باید بکند؟ جواب: اگر احتمال غلط بودن آن را نمی داده، نمازش صحیح بوده است، ولی برای نمازهای روزانه آینده اشتباهاتش را اصلاح کند.

ترک نماز طواف

مسأله ۵۳۸ هرگاه کسی از روی عمد نماز طواف را ترک کند، باید برگردد و بجا آورد، ولی اگر به موقع بجا نیاورد، عمره او باطل نیست; بلکه فقط گناه کرده و باید آن را جبران کند. مسأله

۵۳۹ اگر شخصی نماز طواف را بجا نیاورد و بمیرد، بر پسر بزرگ او واجب است که قضای آن را بجا آورد; و اگر شخص دیگری نیز بجا آورد کفایت می کند. مسأله ۵۴۰ هر گاه شخصی از روی سهو، یا جهل و ندانستن مسأله، نماز طواف واجب را ترک کند، در صورت امکان باید بر گردد و نماز را پشت مقام بجا آورد، و اگر بر گشتن برای او مشقّت دارد، هر جا که هست نماز را بجا آورد; حتّی اگر در وطن خود باشد. مسأله ۵۴۱ هر گاه نماز طواف را فراموش کند، و در حال سعی یادش بیاید، سعی را رها می کند، و برمی گردد نماز طواف را بجا می آورد، سپس سعی را از همان جا که رها کرده ادامه می دهد. مسأله ۵۴۲ هر گاه نماز طواف را فراموش کند، و اعمال پس از نماز را بجا آورد، و پس از توجّه نماز طواف را انجام دهد، اعاده اعمال پس از نماز برای او لازم نیست; هر چند احتیاط مستحب در اعاده آن اعمال است.

زمان نماز طواف

مسأله ۵۴۳ احتیاط واجب آن است که نماز طواف را بلافاصله بعد از طواف بجا آورد; مگر این که یادش برود، که حکم آن گفته شد. مسأله ۵۴۴ نماز طواف را در همه اوقات می توان خواند، مگر این که با وقت نماز واجب مزاحمت کند، به گونه ای که خواندن نماز طواف در آن وقت باعث از دست رفتن نماز واجب شود، که در این صورت باید نماز روزانه را مقدّم داشت. مسأله ۵۴۵ هر گاه به واسطه مانعی مثل باطل شدن وضو، یا نجس شدن لباس

و بدن، یا ازدحام جمعیّت برای نماز جماعت روزانه، و مانند آن نتواند نماز طواف را بلافاصله پس از طواف بجا آورد، بعد از رفع مانع بجا می آورد، و طواف و نمازش صحیح است. مسأله ۵۴۶ در احکامی که ذکر شد، جاهل به مسأله در حکم کسی است که فراموش کرده است. مسأله ۵۴۷ اگر مُحرم نماز طواف را قبل از طواف خوانده، باید پس از انجام طواف آن را اعاده کند. سؤال ۵۴۸ آیا جایز است در میان طواف و نماز طواف، نماز مستحبّی یا عبادت مستحبّی دیگری بجا آورد؟ جواب: احتیاط در ترک آن، و اقدام به انجام نماز طواف است. سؤال ۵۴۹ آیا فاصله انداختن بین طواف و نماز آن، به مقدار دو رکعت نماز اشکال دارد، و اصولا چه مقدار فاصله ضرر دارد؟ جواب: این مقدار اشکال ندارد، و میزان مبادرت عرفیّه است، و در صورت تأخیر نماز، اعاده طواف لازم نیست. سؤال ۵۵۰ در مناسک فرموده اید باید نماز طواف را پس از طواف بدون فاصله بجا آورد; آیا فوریت نماز بعد از طواف، وضعی است یا تکلیفی و اگر شخص به فاصله مثلا یک ساعت بعد از طواف نماز را بخواند، چه حکمی دارد؟ جواب: ظاهراً حکم وضعی است و اگر عمداً فاصله زیادی بیندازد، احتیاط آن است که طواف را اعاده کند و بعد از آن نماز طواف را بجا آورد.

شک در نماز طواف

مسأله ۵۵۱ شک در رکعات نماز طواف موجب بطلان نماز است، و باید اعاده کند، و احتیاط واجب در ظنّ به رکعات اتمام، سپس اعاده است، و در ظنّ در افعال نماز، باید نمازگزار

احتیاط کند، و در سایر احکام، نماز طواف همانند نماز یومیّه است.

وظیفه زنان حائض

سؤال ۵۵۲ خـانمی برای عمره مفرده محرم شـد و پس از ورود به مکّه و انجـام طواف و قبـل از بجـاآوردن نماز طواف حائض گردیـده است، وظیفه اش چیست؟ جواب: اگر وقت دارد، صبر کنـد تـا پـاک شود و نمـاز طواف را بخوانـد و پس از آن بقیه اعمال را بجا آورد و چنانچه وقت تنگ است، کسـی در نماز از او نیابت می کنـد، سـپس سـعی و تقصـیر را انجام داده و برای طواف و نماز طواف نساء نیز نایب می گیرد.

مسائل دیگر

سؤال ۵۵۳ آیا محمول نجس (همراه داشـتن دسـتمال نجس، و امثال آن) در طواف و نماز طواف جایز است؟ جواب: پوشـیدن لباسـهایی که به تنهایی ستر عورت نمی کند، در طواف و نماز طواف اشـکالی ندارد; همچنین محمول نجس و متنجّس. سؤال ۵۵۴ وضوی شخصـی پس از طواف باطل می شود، ولی بر اثر خجالت وضو نمی گیرد، و به همان شـکل نماز طوافش را به جا آورده، و به دنبال آن سـعی و تقصـیر نموده، و از احرام خارج می شود. وظیفه او چیست؟ جواب: باید نماز و سعی و تقصیر را اعاده کند.

سؤال ۵۵۵ گاه در پشت مقام ابراهیم ازدحام زیاد است، و چون زن و مرد در کنار هم هسـتند احیاناً مورد فشار ازدحام قرار می گیرند. در صورتی که خوف فسادی نرود، آیا به نماز طواف ضرری می زند؟ جواب: در فرض سؤال برای نماز ضرر ندارد.

طوافهای مستحبّی

مسأله ۵۵۶ یکی از مسـتحبّات بسـیار مؤکّد برای کسانی که در مکّه هسـتند طواف خانه خداست، که مانند طواف واجب هفت دور است، و بعـد از آن دو رکعت نمـاز طـواف خوانـده می شـود; ولی سـعی صـفا و مروه نـدارد، و این از افضـل عبـادات در مسـجدالحرام است. در حـدیثی، امـام صادق(علیه السـلام)فرموده انـد: «در اطراف کعبه صـد و بیست رحمت الهی وجود دارد. نیمی از آن مخصـوص طـواف کننـدگان، و چهـل قسـمت از آن مربـوط بـه نمـازگزاران، و بیسـت قسـمت دیگر، از آنِ نگـاه کنندگان به کعبه است».(۱) مسأله ۵۵۷ انسان می تواند به نیّت خود، یا به نیّت دوستانی که در مکّه نیستند، اعمّ از اموات و غیر

اموات، این طواف را به جا آورد. مسأله ۵۵۸ طوافهای مستحب، بر عمره های متعدّد در یک ماه که به قصد رجا بجا می آورند، ترجیح دارد. مسأله ۵۵۹ طواف مستحب مانند طواف واجب است; ولی در موارد زیر تفاوت دارد: ۱ در طواف مستحب وضو شرط نیست; هر چند افضل آن است که با وضو باشد، ولی برای نماز طواف باید وضو بگیرد. ۲ نماز طواف مستحب را در هر جایی از مسجد الحرام می توان به جا آورد، و لازم نیست پشت مقام ابراهیم باشد; حتّی در حال اختیار. ۳ موالات در طواف مستحب لازم نیست، و می تواند میان شوطهای آن جدایی بیندازد. ۴ قطع طواف نافله بدون عذر و ضرورت جایز است; اگر چه نخواهد بقیّه اشواط را بجا آورد; امّا طواف واجب، بنابر احتیاط واجب، نباید در غیر موارد ضرورت قطع شود. ۵ شک در نقصان دورهای طواف مستحب اشکالی ندارد، و بنا را بر کمتر می گذارد. ۶ «قِران» در طواف واجب جایز نیست;یعنی دو طواف را پشت سر هم بدون نماز نمی توان انجام داد، ولی در طواف مستحب جایز و مکروه است. ۷ قطع طواف مستحب در غیر موارد ضرورت نیز جایز است، و بعداً از هر کجا قطع کرده بقّیه را به جا می آورد، و احتیاج به گذشتن از دور چهارم نیست. مسأله ۵۶۰ بهتر است در مواقعی که گروه زیادی مشغول انجام طواف واجب هستند، و ازدحام شدید است، از طواف مستحب خودداری شود. تا محلّ طواف در اختیار کسانی که طواف واجب می کنند

قرار گیرد. مسأله ۵۶۱ طواف مستحب وقت و تعداد معیّنی ندارد، و در هر موقع از شب یا روز می توان انجام داد. ولی هر طواف باید هفت دورباشد. مسأله ۵۶۲ طواف مستحب لباس احرام نمی خواهد، و سخن گفتن در آن (مانند طواف واجب)، جایز است. هر چند بهتر است که مشغول ذکر خدا باشد، یا دعا بخواند. مسأله ۵۶۳ بلند خواندن دعاها در طواف مستحب و واجب، به طوری که مزاحمت برای دیگران فراهم شود، کار درستی نیست.

سؤال ۵۶۴ هرگاه زنان در طوافهای مستحبی بدانند که چشم آنها به بدن مردان می افتد، و امکان دارد در بین فشار مردان هم قرار گیرند، طوافشان چه حکمی دارد؟ جواب: اگر عمداً و از روی اختیار نگاه نکنند اشکال ندارد; ولی بهتر است در ازدحام مراعات کنند. سؤال ۵۶۵ آیا در طوافهای مستحبّی هم ختنه شرط است؟ جواب: آری، شرط است. سؤال ۵۶۶ آیا می توان فقط طواف مستحبی انجام داد و نماز آن را نخواند؟ جواب: احتیاط آن است که نماز آن هم خوانده شود. سؤال ۵۶۷ آیا می توان هر دور از دورهای هفت گانه طواف مستحب را به نیّت یکی از مؤمنین به جا آورد، یا باید مجموع هفت شوط را برای یکی نفر انجام داد؟ جواب: نیابت در یک شوط صحیح نیست، ولی می تواند مجموع را به نیّت چند نفر انجام دهد; و ثواب هر شوط را به یک نفر اهدا کند. ۱ . وسائل الشیعه، جلد ۹، صفحه ۳۹۸.

۴ سعی صفا و مروه

سعی صفا و مروه

مسأله ۵۶۸ سـعی صـفا و مروه از واجبـات «عمره مفرده» است، و منظور از آن رفت و آمـد میـان این دو کوه کوچک است. از «صـفا» به سوی «مروه» می رود، و از «مروه» به «صـفا» بـاز می گردد، تا هفت دور تمام شود (رفتن از یکی به دیگری یک دور حساب می شود). بنـابراین، چهـار بـار از صـفا به مروه می رود، و سه بـار بـاز می گردد، و دفعه چهارم باز نمی گردد، که در مجموع هفت دور می شود.

واجبات سعی

واجبات سعی

مسأله ۵۶۹ در سـعی چنـد چیز واجب است: اوّل: نیّت، دوّم: شـروع از صـفا، سوّم: ختم کردن به مروه، چهارم: هفت دور تمام، پنجم: سـعی داخـل در مسـعی انجـام گیرد، شـشم: به صورت متعـارف انجـام گیرد، هفتم: غصبی نبودن لبـاس، ستر عورت در مردان و حجاب در زنان.

۱ نیّت

مسأله ۵۷۰ واجب است سـعی را با «قصـد» و برای رضای خـدا انجام دهـد، و همین اندازه که اجمالاً بداند چه می کند، و برای حج یا عمره سعی می نماید، کافی است، و گفتن به زبان لازم نیست.

۲ شروع از «صفا»

مسأله ۵۷۱ اگر سـعی را سـهواً از مروه شـروع کنـد، هر وقت فهمیـد بایـد اعاده نمایـد، و در صورتی که در بین سـعی بفهمـد، چنانچه آن دور را که از مروه شـروع کرده نادیـده بگیرد، و بقیّه را تکمیل کند، کفایت می کند. سؤال ۵۷۲ اگر شخصی سعی خود را از مروه شـروع کند و به صـفا ختم نماید، و پس از چند روز به اشتباه خود پی ببرد، وظیفه اش چیست؟ جواب: چنانچه به خاطر ندانسـتن مسأله باشد، باید سعی را از نو به جا آورد، و اگر از روی سهو و فراموشی باشد، کافی است یک دور از صفا به مروه برود، و احتیاط مسـتحب آن است که هفت دور به قصـد ما فی الذمّه بجا آورد. سؤال ۵۷۳ وظیفه کسی که سعی را از مروه آغاز کرده چیست؟ جواب: در صورتی که شوط اوّل را اسـقاط کنـد، سـپس بقیّه را تکمیل نمایـد تا این که هفت دور به مروه خاتمه یابد، سعی او صحیح است.

۳ ختم کردن به «مروه»

مسأله ۵۷۴ رفتن از صفا به مروه(۱) یک دور، و باز گشت از آن، دور دوّم حساب می شود. بنابراین، دور هفتم به مروه ختم می شود.

۴ سعی هفت دور تمام باشد

مسأله ۵۷۵ باید سعی صفا و مروه هفت دور تمام باشد; نه کمتر و نه بیشتر.

مسأله ۵۷۶ بایـد تمام فاصـله میان این دو کوه کوچک را بپیمایـد، و با توجّه به این که در حال حاضـر قسـمتی از دامنه این دو کوه با سنگ پوشانیده شده، همین اندازه که سر بالایی را بپیماید کافی است. بنابراین، لازم نیست به قسمت لخت کوه برود، و پای خود را به آن بچسـباند، و کارهای نادرستی را (مانند بالا رفتن از کوه) که بعضی عوام انجام می دهند، انجام ندهد. مسأله ۵۷۷ اگر کسـی عمـداً سـعی را کم یـا زیـاد کنـد، سـعی او باطـل است، و اگر سـهواً باشـد، در صورت نقصان، پیش از آن که موالاـت از بین برود کامل می کنـد، و در صورت زیادی، زیادی سـهوی ضـرری نـدارد. مسأله ۵۷۸ کسـی که می دانسته باید هفت مرتبه بین صـفا و مروه سـعی کند، و با همین نیّت از صـفا شروع کرده، ولی رفت و برگشت را یک دور حساب نموده، و در نتیجه چهـارده دور سـعی کرده، احتیاط آن است سـعی را اعاده کنـد، و این احتیاط ترک نشود. مسأله ۵۷۹ هرگاه سعی را عمـداً زیـادتر از هفت مرتبه به قصـد سـعی واجب بجا آورد، سـعی او باطل است، و اگر سـهواً یک دور یا کمتر یا بیشتر اضافه کند، و بعد به خاطرش بیاید اعتنا نمی کند، و سعی او صحیح است، و نیازی نیست که مقدار

زیادی را تا هفت دور تمام کند; بلکه احتیاط در ترک این کار است. مسأله ۵۸۰ هرگاه از روی ندانستن مسأله چیزی بر هفت دور اضافه کند، حکمش مانند صورت عمد است; یعنی سعی را از نو بجا می آورد. مسأله ۵۸۱ هرگاه از روی سهو و فراموشی چیزی از سعی را کم کند، خواه قبل از اتمام چهار دور باشد یا پس از آن، هر وقت به خاطرش آمد کمبود را به جا می آورد، و سعی او صحیح است، و اگر از مکّه خارج شده یا به وطن بازگشته، و برگشتن به مکّه برای او مشقّت دارد، نایب می گیرد، و کفّاره ای هم ندارد; هر چند کارهایی را که بر محرم حرام است انجام داده باشد. مسأله ۵۸۲ هرگاه شخصی کمتر از یک دور سعی کرد و بقیّه را فراموش نمود، احتیاط واجب آن است که هر وقت یادش آمد سعی را از سر بگیرد، و اگر یک دور را کامل نمود و بقیّه را فراموش کرد، جایز است همان سعی را تکمیل کند، ولی اگر چهار دور را تمام نکرده، احتیاط مستحب آن است که سعی را تکمیل کند، سپس از سربگیرد.

مسأله ۵۸۳ هرگاه یقین داشته باشد که سعی را ناقص بجا آورده، مثلا شش دور یا کمتر بوده، بر می گردد و آنچه را می داند ناقص گذاشته تکمیل می کند، و سعی او صحیح است. سؤال ۵۸۴ شخصی به اعتقاد این که رفتن از صفا به مروه، و بازگشت به صفا مجموعاً یک دور حساب می شود، سعی خود را شروع کرده، ولی در دور سوّم متوجّه خطایش

می شود، و سعی را به هفت دور (طبق آنچه در مناسک آمده) خاتمه می دهد. سعی او چه حکمی دارد؟ جواب: سعی او صحیح است. سؤال ۵۸۵ ابتدای کوه صفا و مروه بر اثر تعمیرات و سنگ فرش درست روشن نیست. کارکنان مسجد الحرام با گرفتن حقّ الزحمه از حجّاج پیر و مریض، آنها را با چرخ سعی می دهند; ولی زودتر از دورِ حجّاجِ پیاده دور می زنند. تکلیف این افراد چیست؟ جواب: قسمت سربالائی مفروش جزء کوه است، و مسیری را که چرخها طی می کنند قطعاً روی کوه صفا و مروه است، و هیچ اشکالی ندارد. سؤال ۵۸۶ تصوّر می کردم رفتن بالای کوه صفا و مروه لازم است، و چون این مقدار مسافت را بر اثر فشار جمعیّت بی اختیار بالا رفته بودم، به محلّ سعی برگشتم، و آن قسمت را دوباره انجام دادم، و در حقیقت مقداری از مسافت را دو بار طی کردم. آیا سعی من صحیح است؟ جواب: اگر به نیّت احتیاط عمل کرده اید ضرری ندارد; ولی رفتن روی کوه و حتّی بالای کوه واجب نیست. سؤال ۵۸۷ شخصی رفت و برگشت بین صفا و مروه را یک دور حساب کرده، و بدین شکل پنج بار، که در مجموع ده شوط می شود، سعی کرده است، سپس متوجّه مسأله شده، و سعی را از همان جا قطع کرده، و تقصیر نموده است. وظیفه اش چیست؟ جواب: سعی او باطل است، و سعی را باید از نو شروع کند. سؤال ۵۸۸ هرگاه شخصی سهواً سعی را بیش از هفت دور انجام دهد، باید چه کند؟ جواب: به

زیادی اعتنا نمی کند، و سعی او صحیح است. سؤال ۵۸۹ زیادی در سعی بر اثر جهل به مسأله، حکم زیادی سهوی را دارد، یا در حکم زیادی عمدی است؟

جواب: حکم زیادی عمدی را دارد، و باید از نو به جا آورد. سؤال ۵۹۰ اگر شخصی یقین کند هفت شوط سعی را تمام کرده و تقصیر کند; ولی پس از آن متوجّه شود که تنها پنج شوط بجا آورده است. آیا باید کلّ سعی را دوباره بجا آورد، یا انجام همان دو شوط کافی است؟ آیا لازم است تقصیر را نیز اعاده کند؟ جواب: باید همان سعی را تکمیل کند، و بنابر احتیاط واجب تقصیر را اعاده نماید. سؤال ۵۹۱ شخصی سه شوط سعی را بجا آورده، سپس آن را رها کرده، و با فاصله اندکی هفت شوط دیگر انجام داده، سپس تقصیر نموده است. آیا سعی وی صحیح است؟ جواب: آری صحیح است. ۱ . چنانکه گفته شد صفا و مروه دو کوه کوچک نزدیک مسجد الحرام است، که هنگام بیرون آمدن از مسجد از طرف صفا و مروه «صفا» در طرف راست، و «مروه» در سمت چپ قرار دارد. بنابراین، حاجی نخست به صفا آمده، و از آن شروع می کند.

۵ سعی در داخل مسعی انجام گیرد

مسأله ۵۹۲ سعی میان صفا و مروه باید از طریق معمول باشد. بنابراین، اگر قسمتی از سعی را از داخل مسجد الحرام، یا فضای بیرون انجام دهد، درست نیست.

مسأله ۵۹۳ سعی از طبقه بالا، که امروز ساخته شده و بالاتر از دو کوه صفا و مروه قرار دارد، اشکال دارد; مگر این که بر اثر ازدحام یا غیر آن،

نتوانـد از طبقه پائین سـعی را به جا آورد، در این صورت سـعی در طبقه بالا جایز است، و احتیاط این است که در این صورت برای طبقه پایین هم نایب بگیرد. مسأله ۵۹۴ اگر طبقه زیرزمینی درست شود، و کوه صفا و مروه ریشه دار باشد،و سعی بین آن دو کوه واقع شود،صـحیح است، ولی احتیاط آن است که حتّی الامکان از طبقه همکف سـعی کند. سؤال ۵۹۵ همان گونه که اطّلاع داریـد در سـعی صـفا و مروه، حجّاج از یک طرف می روند و از سـمت دیگر باز می گردند; یعنی انتهای مسـیر رفت با ابتدای مسـیر بازگشت چند متر فاصـله دارد، اگر شخصـی از همان مسـیری که رفته بازگردد چه حکمی دارد؟ جواب: اشکالی ندارد; ولی نباید مزاحم دیگران شود. سؤال ۵۹۶ با توجّه به این که در روزهای شلوغ، بر اثر ازدحام زیاد حجّاج، مامورین مانع می شوند که معذورین را با چرخ در طبقه پایین سعی دهند، آیا می توان آنها را در طبقه بالا با چرخ سعی داد؟

جواب: در فرض سؤال مانعی ندارد.

۶ سعی به صورت متعارف انجام گیرد

مسأله ۵۹۷ واجب است هنگام رفتن به مروه رو به مروه، و هنگام برگشـتن به صـفا، رو به صـفا باشـد. مسأله ۵۹۸ اگر کسی به هنگـام رفتن به مروه به عکس باشـد (یعنی موقع رفتن به سوی مروه پشت به آن کرده عقب عقب برود، یا روی دست راست یا دست چپ حرکت کند) سـعی او صـحیح نیست; امّا این مسأله نباید موجب وسواس شود; بلکه همین اندازه که مطابق معمول حرکت کند کافی است، هر چند صورت خود را به راست و چپ

برگرداند، یا مثلا برای ملاحظه همراهان گاهی به عقب سر نگاه کند. سؤال ۵۹۹ شخصی به هنگام سعی، جهت کنترل همراهان خود گاهی به عقب بر می گشته، و مجدّداً همان مسافت را طی می کرده است. آیا سعی او اشکال دارد؟ جواب: اشکال ندارد و اعاده لازم نیست; ولی بهتر است این کار را نکند.

سؤال ۶۰۰ شخصی به هنگام سعی، گاهی عقب عقب به طرف مروه یا صفا حرکت کرده است. تکلیفش چیست؟ جواب:می تواند برگردد وجبران نماید،وسعی اواشکال ندارد. سؤال ۶۰۱ کودکی، که محرم به احرام عمره مفرده بوده، گاه به هنگام سعی می دویده، و گاه به عقب بر می گشته، و با همین وضعیّت اعمال عمره را به پایان برده، ولی قصد سعی را داشته است. اکنون چه وظیفه ای دارد؟ جواب: اشکالی ندارد.

۷ غصبی نبودن لباس، ستر عورت در مردان و حجاب در زنان

مسأله ۶۰۲ برای صحّت سعی احتیاط واجب آن است که لباس انسان غصبی نباشد، و ستر عورت در مردان و حجاب برای زنان لازم است.

زمان انجام سعی

مسأله ۶۰۳ واجب است سعی را پس از انجام نماز طواف بجا آورد.

مسأله ۶۰۴ لازم نیست سعی را بلافاصله بعد از طواف و نماز آن بجا آورد; بلکه اگر خسته شود، یا هوا گرم باشد، می تواند آن را تا ساعتها به تأخیر اندازد. حتّی بدون خستگی و گرما نیز تأخیر جایز است; ولی تأخیر آن تا فردا بدون ضرورت جایز نیست، و اگر تأخیر انداخت، گناه کرده، ولی سعی او باطل نخواهد شد. مسأله ۶۰۵ اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله سعی را بر طواف مقدّم دارد، احتیاط واجب آن است بعد از انجام طواف و نماز طواف سعی را دوباره بجا آورد. سؤال ۶۰۶ یکی از دوستانم طواف و نماز طواف را انجام داد، و سعی را به روز بعد، یا روزهای آینده، محوّل کرد. آیا این تأخیر ضرر دارد، و باید طواف و نماز آن را دوباره بجا آورد؟ جواب: اعاده لازم نیست، ولی کار خلافی کرده; زیرا نباید سعی را اختیاراً به روز بعد موکول کند.

احکام سعی

ترک سعی

مسأله ۶۰۷ سعی از ارکان است، اگر کسی عمداً آن را ترک کند، اعمال مترتبه باطل است و بر احرام باقی است تا آن را بجا آورد. مسأله ۶۰۸ اگر ترک سعی از روی جهل و نادانی نسبت به مسأله بوده، احتیاط واجب آن است که همان حکم عمد را که در مسأله قبل گفته شد اجرا کند; امّا اگر از روی سهو و فراموشی ترک کند، باید هر وقت یادش آمد برگردد و آن را به جا آورد; و اگر برگشتن برای او مشقّت دارد، نایب می گیرد تا

برای او به جا آورد; و در این مـدّت چیزی بر او حرام نیست. سؤال ۶۰۹ شخصی در دور پنجم سعی عمره مفرده بیمار شده، و نتوانسـته اعمـال عمره را به پایان برسانـد. بیماری اش شـدّت یافته، و به ایران منتقل می شود، و پس از بهبودی نتوانسـته به مکّه بازگردد، وظیفه او چیست؟ جواب:در صورتی که خودش نتواند به مکّه بازگردد، شخصـی را نایب می کند که سعی ناتمام او را تمام نموده، و سـپس آن را اعاده نماید، و بعد از آن به منوب عنه اطّلاع دهد تا تقصیر کند، و نایب پس از تقصیر منوب عنه طواف نساء و نماز آن را انجام می دهد.

قطع کردن سعی

مسأله ۶۱۰ هرگاه مشـغول سـعی صـفا و مروه است و مقـداری از آن را انجام داده خواه کم باشد یا زیاد و وقت نماز فرا رسد، سعی را قطع می کند، و نماز را بجا آورده، سـپس باقیمانده سعی را انجام می دهد. مسأله ۶۱۱ هرگاه حاجت ضروری برای او، یا یکی از برادران و خواهران دینی پیـدا شود، می تواند سـعی را قطع کرده و به دنبال آن برود، و پس از بازگشت از همان جا که رها کرده ادامه می دهـد، و سـعی او صـحیح است. همچنین کسـی که خسـته شده می تواند برای استراحت در وسط سـعی بنشیند، و بعد برخیزد و ادامه دهد; خواه در صفا باشد، یا در مروه، یا در میان آن دو، ولی بهتر است که بدون خستگی ننشیند، و استراحت نکند. مسأله ۶۱۲ هرگاه مشغول سعی باشد و یادش بیاید که نماز طواف را بجا نیاورده،

بر می گردد و نماز طواف را نزد مقام ابراهیم می خواند، سپس سعی را از همان جا که رها کرده ادامه می دهد. مسأله ۶۱۳ احتیاط آن است که در غیر مواردی که در بالاـ گفته شد موالات را در سعی مراعات کند; یعنی هفت دور را بدون فاصله زیادی پشت سر هم بجا آورد. سؤال ۶۱۴ شخصی به هنگام سعی برای خوردن آب از مسیر منحرف شده، و پس از نوشیدن آب به سعی خود ادامه داده است. چه حکمی دارد؟ جواب: سعی او صحیح است، مشروط بر این که از همان جا که قطع کرده ادامه دهد. سؤال ۶۱۵ آیا موالات در تمام اشواط سعی معتبر است، یا اختصاص به قسمتی از آن دارد؟ جواب: احتیاط آن است که در غیر موارد استثنا شده، موالات عرفیّه رعایت گردد. سؤال ۶۱۶ آیا موالات در سعی مانند طواف است؟ جواب: استراحت و نشستن در وسط سعی برای کسی که خسته شده، جایز است، ولی احتیاط واجب آن است که زیاد فاصله نشود.

شکّ در سعی

مسأله ۶۱۷ هرگاه بعد از اتمام سعی و انجام تقصیر شک کند آیا هفت دور را صحیح بجا آورده، یا نه؟ یا سایر شرایط موجود بوده، یا نه؟ اعتنا نمی کند، ولی اگر قبل از تقصیر شک کند که ناقص بجا آورده یا کامل، باید سعی را از اوّل اعاده کند; امّا اگر می داند هفت دورِ کامل را بجا آورده و شک در بیشتر دارد، سعی او صحیح است و اعتنا نمی کند. مسأله ۶۱۸ اگر بعد از اتمام سعی، یا اتمام هر دوری، شک کند که آن را درست

بجا آورده، یا نه؟ اعتنا نمی کنـد، و سـعیش صـحیح است. همچنین اگر در بین رفت و آمـد، در صـحیح بجا آوردن جزء پیش شک کنـد اعتنا ننماید. مسأله ۶۱۹ هرگـاه در مروه شـک کنـد هفت دور سـعی نموده، یـا زیادتر (مثل این که شک بین هفت شوط و نُه شوط نمایـد) اعتنا نمی کند، و اگر قبل از رسـیدن به مروه شک کند که این دور هفتم است یا کمتر، سـعی او باطل است. همچنین در هر شـکّی که کمتر از هفت دور باشد، مثل شکّ بین یک و سه، یا دو و چهار و مانند آن، سعی باطل است. مسأله ۶۲۰ اگر طواف را (مثلا روز شـنبه) بجا آورد، و روز بعد شک کند که سـعی کرده یا نه، احتیاط انجام سـعی است، مگر آن که پس از تقصـیر شک نماید، که در این صورت لازم نیست سعی کند. سؤال ۶۲۱ اینجانب پس از تمام شدن شوط ششم در سـعی، گمان کردم هفت دور بجا آورده، و تقصیر نمودم، ولی دوستانم فوراً تذکّر دادند که باید یک دور دیگر بجا آورم. آن دور را بجا آورده، و بار دیگر تقصـیر نمودم. آیا سـعی من صـحیح است؟ اگر صـحیح نبوده، کفّاره ای دارد؟ جواب: عمل شما صـحیح بوده، و کفّاره ای ندارد. سؤال ۶۲۲ اگر کسـی قبل از رسـیدن به مروه شک کند دور هفتم است، یا دور نهم، چه وظیفه ای دارد؟ جواب: سعی او باطل است، و باید از نو شروع کند. سؤال ۶۲۳ یکی از مقلّدین حضرت عالی در عدد دورهای سعی شک می کند، و با حال تردید به سعی

خود ادامه داده، در عین حال فکر می کند تا عدد صحیح را به دست آورد. پس از طیّ حدود صد متر، یا یک دور، یقین به عدد صحیح پیدا نموده، بقیّه سعی را انجام می دهد. آیا سعی او صحیح است؟ جواب: آری سعی او صحیح است; مشروط بر این که در حال شکّ و تردید به امید روشن شدن واقع مسأله سعی را ادامه دهد.

انجام محرّمات احرام بعد از سعی

مسأله ۶۲۴ هیچ یک از محرّمات احرام، یعنی آن چه به واسطه احرام بر محرم حرام شده بود، با انجام سعی حلال نمی شود، بلکه باید تقصیر کند. مسأله ۶۲۵ هرگاه قبل از تقصیر گمان کند سعی خود را کامل کرده، باید به این گمان قناعت نکند، و تحقیق نماید، و اگر فکرش به جایی نرسید، مقداری را که اطمینان به انجامش ندارد، به جا آورد، و اگر بدون تحقیق تنها به گمان این که سعی خود را کامل کرده، تقصیر کند (موی سر را کوتاه کند) و پس از آن با همسر خود نزدیکی نماید، احتیاط واجب آن است که علاوه بر تکمیل سعی خود، یک گاو قربانی کند (قربانی را اگر بتواند در مکّه، و اگر نتواند در شهر خود ذبح می کند). مسأله ۶۲۶ اگر قسمتی از سعی را در عمره مفرده فراموش کند، سپس به گمان این که اعمال عمره تمام شده از احرام خارج شود و با همسرش نزدیکی کند، احتیاط واجب آن است که برگردد و سعی را تمام کند و یک گاو به عنوان کفّاره قربانی نماید.

طهارت از حدث

مسأله ۶۲۷ بهتر است در حال سعی وضو داشته باشد، ولی واجب نیست. حتّی زنان حائض می توانند سعی بین صفا و مروه را انجام دهند. سؤال ۶۲۸ اینجانب به تصوّر این که سعی هم نیاز به وضو دارد، بعد از یک شوط و نیم، سعی را قطع کرده، و پس از وضو هفت شوط دیگر بجا آوردم. آیا سعی من اشکال دارد؟ جواب: اشکالی ندارد. سؤال ۶۲۹ آیا خانم هایی که به علّت عادت ماهانه برای طواف نایب می

گیرنـد، در سـعی هم می تواننـد نایب بگیرنـد؟ جواب: محلّ سـعی مسـجد نیست، و رفتن زن حائض در آنجا اشـکالی نـدارد. بنابراین، بایـد خودشان سـعی را بعد از طواف و نمازِ طوافِ نائب، بجا آورند. سؤال ۶۳۰ بر اثر ازدحـام زیاد حجّاج، گاه انسان ناچار است برای رفتن به محلّ سـعی از مسـجد الحرام عبور کند، و از این راه خودش را به صـفا برساند، و از آنجا سـعی را در مسیر معمولی شروع کند. در این صورت تکلیف زن حائض یا نفساءچیست؟ جواب: در صورتی که ممکن باشد از راه دیگری برود، بایـد خـودش سـعی را بجـا آورد، و اگر ممکن نیست نـایب می گیرد; ولی چنـانچه مرتکب خلاـف شـود، و خـودش از مسجد الحرام عبور کند، باید سعی را بجا آورد و سعیش صحیح است; هر چند گناه کرده است.

امور باقی مانده در سعی

مسأله ۶۳۱ مسـتحبّ است بعـد از تمام کردن طواف و نماز آن اگر ازدحام مانع نشود دست بر «حجر الاسود» بگذارد، یا آن را ببوسـد، سـپس به سـراغ آب زمزم برود، مقـداری از آن بنوشد، و کمی بر سـر و بدن خود بریزد، و پس از آن شـروع به سـعی نمایـد، ولی اگر بوسـیدن، یـا دست گـذاردن بر حجر الاسود، بر اثر ازدحام موجب آزار دیگران یا خودش گردد، بهتر است از آن صرف نظر کند.

مسأله ۶۳۲ سـعی را می توان پیاده یا سواره انجام داد، خواه سالم و توانا باشد، یا بیمار و ناتوان; امّا اشخاصی که توانایی دارند بهتر است پیاده بروند. مسأله ۶۳۳ سخن گفتن، و حتّی خوردن آب، یا چیزی از غذا، در حال

سعی جایز است؛ ولی بهتر آن است که در این حال مشغول دعا و ذکر خدا باشد، و با سکینه و وقار و توجّه به ذاتِ پاکِ خداوند سعی را به جا آورد، و حالت روحانی خود را حفظ کند. مسأله ۶۳۴ مستحبّ است مردان به هنگام رفتن از صفا به مروه، یا هنگام بازگشت، وقتی به محلّ علامتگذاری شده که امروزه با چراغ سبز مشخص شده می رسند «هَرْوَله»(۱) کنند؛ ولی اگر موجب ناراحتی آنهاست آن را ترک کنند. مسأله ۶۳۵ هروله کردن برای زنان مستحب نیست؛ و مردان نیز اگر فراموش کنند احتیاط آن است که برنگردند. سؤال ۶۳۶ قسمتی که هروله در آن مستحب است را به طور عادی راه رفتم. با توجّه به این که خیال می کردم هروله واجب است، آن قسمت را دوباره و به صورت هروله تکرار نمودم. آیا سعی من اشکال دارد؟ جواب: اشکالی ندارد و صحیح است، ولی این کار را تکرار نکنید. سؤال ۶۳۷ شخصی بدون استفاده از چرخ نمی تواند سعی کند، و از سوی دیگر، تمکّن مالی جهت کرایه آن ندارد. وظیفه اش چیست؟ جواب: اگر می تواند با چرخ سعی کند، هر چند با وام گرفتن از دیگران، این کار مقدّم است، و نیابت گرفتن صحیح نیست؛ مگر آن که موجب عُسر و حرج گردد که در این صورت نایب می گیرد. سؤال ۶۳۸ اگر بچه های کوچک در حال طواف یا سعی به خواب روند، چه کمی دارند؟ جواب : حج آنها صحیح است، انشاءالله. سؤال ۶۳۹ کسی که در حال سعی سوار بر چرخ بوده، به علّت خستگی

زیاد در بعضی از حالات رفت و برگشت به خواب رفته است. آیا سعی او صحیح است؟

جواب: اشکالی ندارد. سؤال ۶۴۰ اگر شخصی در سعی صفا و مروه سوار بر چرخ باشد، و تمام هفت دور را در خواب باشد، چه حکمی دارد؟ جواب: احتیاط واجب آن است که اعاده کند، ولی در مورد کودکان اشکالی ندارد. سؤال ۶۴۱ هرگاه زنی به هنگام سعی، عمداً حجاب کامل نداشته باشد، آیا ضرری به سعی او می زند؟ جواب: ضرری به سعی او نمی زند; ولی اگر عمداً باشد گناه کرده است. سؤال ۶۴۲ شخصی پس از تقصیر در عمره متوجّه شد که طواف و سعیش باطل بوده، و آنها را با لباس دوخته اعاده کرد. آیا لازم است تقصیر را نیز اعاده کند؟ جواب: طواف و سعی او صحیح است، و احتیاط آن است که تقصیر را نیز اعاده کند، ولی کفّاره ای ندارد. سؤال ۶۴۳ آیا علاوه بر سعی واجب، سعی صفا و مروه مستحبّی نیز داریم؟ جواب: سعی مستحبّی نداریم، سعی فقط سعی واجب است. سؤال ۶۴۴ آیا قسمتی از سعی، برای کسانی که قادر نیستند تمام آن را خودشان انجام دهند، قابل نیابت است؟ جواب: در صورت امکان آنها را در باقیمانده، سوار بر چرخ و مانند آن سعی دهند، در غیر این صورت برای تمام سعی نایب بگیرند.

۱ . هروله به معنی حرکت سریع است، و حالتی بین راه رفتن و دویدن محسوب می شود.

۵ تقصیر

چگونگی تقصیر

مسأله ۶۴۵ پنجمین واجب عمره تقصیر است; یعنی کوتاه کردن موی سر، یا صورت (ریش یا سبیل) و گرفتن مقداری از ناخن، و کافی

است تنها کمی از موی سر، یا صورت را کوتاه کند، و از کوتاه کردن ناخن صرفنظر نماید، ولی احتیاط واجب آن است که به کوتـاه کردن نـاخن به تنهـایی قنـاعت نکنـد; همانگونه که قناعت کردن به کوتاه نمودن موی زیر بغل وماننـد آن نیز مشـکل است. مسأله ۶۴۶ مردان در عمره مفرده مخیّرند بین کوتاه کردن مو و تراشـیدن سر. مسأله ۶۴۷ کسی که برای تقصیر، تراشیدن سر را انتخاب می کنـد، احتیاط آن است که تمام سـر را بتراشـد و به قسـمتی از آن قناعت نکند. مسأله ۶۴۸ تراشیدن موی سر مخصوص مردان است، و در مورد زنان تراشـیدن موی سـر جایز نیست، و تنها کوتاه کردن مقـداری از آن واجب است. مسأله ۶۴۹ حاجی مخیّر است که برای تقصـیر موی سر را کوتاه کند یا موی صورت را ; و اگر در سر و صورت هیچ مویی ندارد تیغ را به سـر می کشد، و مقداری از ناخن را می گیرد، و اگر ناخن هم نداشت، کافی است تیغ را آهسته به سر بکشد. مسأله ۶۵۰ تراشیدن ریش کفایت از تقصیر نمی کند. مسأله ۶۵۱ کسی که می داند اگر سرش را بتراشد زخمی می شود (و زخمی کردن بـدن در حال احرام خلاف احتیاط است) احتیاط آن است که اوّل مقداری از آن را کوتاه کند، سـپس سـرش را بتراشد. مسأله ۶۵۲ کوتـاه کردن موی سـر، یـا صورت، بـا هر وسـیله ای باشـد فرق نمی کنـد; ولی کنـدن مو کافی نیست. مسأله ۶۵۳ تقصیر عبادت است، و باید با قصد قربت و برای خدا انجام شود، و اگر ریا کند

عمره اش باطل می گردد; مگر آن که جبران کنـد و مجدّداً به قصد قربت انجام دهد. سؤال ۶۵۴ آیا جایز است مقداری از سر خود را با تیغ بتراشد، و بقیّه را ماشین کند؟ البتّه پس از ماشین کردن، دوباره آن قسمت را تیغ می کشد. آیا به این ترتیب حلق صدق می کند؟ جواب: این گونه افراد بهتر است اوّل تمام سر خود را ماشین کنند و بعد چنانچه مایل به احتیاط باشند تمام سر را حلق کنند. سؤال ۶۵۵ تخییر بین حلق و تقصیر ابتدایی است، یا استمراری؟ به عبارت دیگر، اگر شخص حلق را انتخاب کرد و قسـمتی از سـرش را تراشـید و سـپس پشـیمان شـد، آیا می تواند آن را رها کند، و با کوتاه کردن کمی از موی سـر از احرام خارج شود؟ جواب: مانعی ندارد.

زمان تقصیر

سؤال ۶۵۶ اگر کسی در اثناء سعی تقصیر نماید، وظیفه اش چیست؟ جواب: باید سعی را تمام کند، و تقصیر را تکرار نماید. و چنانچه از روی فراموشـی، یا ندانسـتن مسأله این کار را کرده، احتیاطاً تقصیر را اعاده کند، و در هر حال کفّاره ندارد، و اگر از ابتدای سعی قصد هفت دور نداشته، باید سعی را دوباره انجام دهد.

محلّ تقصیر

مسأله ۶۵۷ تقصـیر در عمره محلّ معیّنی نـدارد; بنابراین می توانـد در پایان سـعی در همان محل (مروه) تقصـیر کند، یا پس از مراجعت به منزل این کـار را انجـام دهـد، و نیز تفاوت نمی کنـد که خودش کوتاه کنـد، یا از دیگری که محرم نیست بخواهد کمی از موی او را کوتاه نماید و در هر حال خودش باید نیت کند.

شرایط تقصیر کننده

سؤال ۶۵۸ آیا تقصـیر اهل سـنّت برای شیعیان کفایت می کند؟ یعنی اگر در پایان عمره از آنها خواهش کنیم مقداری از موی ما را کوتاه کنند، اشکالی دارد؟ جواب: اشکال ندارد.

احکام تقصیر

مسأله ۶۵۹ کسـی که محرم به احرام عمره مفرده شود، همه محرّمات احرام بر او حرام می گردد، و هنگامی که تقصیر کرد، یا سر را تراشـید همه چیز، جز مسائل جنسـی، بر او حلال می شود، و پس از انجام طواف نساء و نماز آن، مسائل جنسـی نیز بر او حلال می گردد. مسأله ۶۶۰ حاجی بعد از تقصیر عمره از احرام خارج می شود، و تمام آنچه بر مُحرم حرام بود بر او حلال می شود; مگر صـید و شـکار کردن که همچنان بر او حرام است; زیرا صید حَرَم برای همه حرام است. سؤال ۶۶۱ شخصی پس از انجام تقصـیر شک می کنـد که آن را صـحیح به جا آورده، یا نه؟ اکنون وظیفه اش چیست؟ جواب: اگر در حال انجام تقصـیر عالِم به مسأله بوده، و توجّه به آن داشـته، اشـکالی نـدارد. سؤال ۶۶۲ شخصـی بعد از طواف و نماز طواف تقصـیرکرده، سپس سعی را بجا آورده، و دوباره تقصیر نموده است. چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که حکم مسأله را نمی دانسـته، یا فراموش کرده، اشـکالی ندارد. سؤال ۶۶۳ اگر حاجی تقصیر عمره مفرده را فراموش کنـد، و به وطن خود بـازگردد، آیـا می توانـد در هر مکانی تقصـیر کنـد؟ آیا نیازی به انجام دوباره طواف نساء نیز

هست؟ جواب: در فرض سؤال می تواند تقصیر را در هر جا انجام دهد; ولی احتیاط واجب آن

است که طواف نساء را دوباره انجام دهد، و اگر خودش نمی تواند برود، نایب بگیرد. سؤال ۶۶۴ هرگاه شخصی بر اثر جهل و بی اطّلاعی از مسأله، یا از روی نسیان و فراموشی، یا عمد، تقصیر عمره مفرده را ترک کند، و طواف نساء و نماز آن را به جا آورد، چه وظیفه ای دارد؟ جواب: اکنون باید تقصیر کند، و بنابر احتیاط واجب طواف نساء و نماز آن را مجدّداً به جا آورد، و فرقی بین صورت عمد و سهو و علم و جهل نیست. سؤال ۶۶۵ کسی که تقصیر او باطل بوده، و پس از آن محرّمات احرام را به جا آورده، و جاهل به مسأله نیز بوده، آیا باید کفّاره ای بپردازد؟ جواب: در صورتی که جاهل بوده کفّاره ندارد، مگر در شکار به تفصیلی که در کتب فقهی ذکر شده است. سؤال ۶۶۶ جنابعالی فرموده اید: «اگر کسی تقصیر را به قصد ریا انجام دهد، عمره اش باطل است» منظور از این عبارت چیست؟ وظیفه چنین شخصی چه می باشد؟ جواب: منظور این است که در تقصیر ریا کند، و وظیفه او این است که تقصیر را با قصد قربت تکرار کند.

۶ و ۷ طواف نساء و نماز آن

طواف نساء و نماز آن

مسأله ۶۶۷ پس از تقصیر یا حلق، واجب است هفت دور به نیت طواف نساء به دور خانه کعبه بگردد و پس از آن دو رکعت نماز پشت مقام ابراهیم به نیت نماز طواف نساء بجا آورد. مسأله ۶۶۸ طواف نساء و نماز آن با طواف عمره و نماز آن تفاوتی ندارد، بجز در نیت؛ بنابراین، این طواف نیز باید از حجرالاسود شروع شود و به همانجا

ختم گردد و هنگام طواف سمت چپ او به سمت کعبه باشد و شرایطی را که برای طواف عمره گفته شد، مراعات کند. مسأله ۶۶۹ طواف نساء بر مرد و زن، پیر و جوان، متأهّل و مجرّد، و حتّی کودکان ممیّز و خنثی واجب است، و بدون آن زن بر مرد و مرد بر زن حلال نمی شود، بلکه احتیاط واجب آن است که اگر کودک غیر ممیّز را به حج آورده، و محرم کرده اند، ولیّ او همراه او طواف نساء را بجا آورد. مسأله ۶۷۰ اگر «طواف نساء» را ترک کند، خواه از روی عمد باشد، یا جهالت، یا فراموشی عمره مفرده او باطل نیست و کفّاره هم ندارد ولی همسر بر او حرام است، تا بازگردد و طواف کند. و اگر بازگشت ممکن نیست، یا مشکل است، نایب بگیرد. و اگر از دنیا برود، ولیّ او قضای آن را به جا می آورد. مسأله ۶۷۱ اگر شخصی، طواف نساءهای متعدّدی را ترک کرده باشد، یک طواف نساء برای همه آنها کافی است، و در این حکم (ترک طواف نساء) فرقی میان زن و مرد و کودک نیست; زیرا طواف نساء بر همه لازم است، و بدون آن همسر برای او حلال نمی شود. مسأله ۶۷۲ در عمره حجّ تمتّع طواف نساء واجب نیست، ولی در عمره مفرده طواف نساء واجب است. مسأله ۶۷۳ طواف نساء و نماز آن رکن نیست، و ترک عمدی آن موجب باطل شدن حج نمی گردد، هر چند انجام آن در عمره مفرده واجب است، و اگر بجا نیاورد همسر بر او حلال نمی شود; بلکه به خواستگاری

رفتن و شاهـد عقـد شـدن نیز بنابر احتیاط واجب بـدون طواف نساء جایز نیست. مسأله ۶۷۴ هرگـاه زنی که طواف نساء را بجا نیاورده، گرفتار عادت ماهانه شود، و پیش از پاک شدن ناچار به ترک مکّه باشد (مثل این که کاروان مهلت نمی دهد تا پاک شود) لازم است برای طواف نسـاء و نمـاز آن نـایب بگیرد (همچنین کسـان دیگری که به سـبب بیماری یا عـذر دیگر قادر به انجام طواف و سـعی نباشـند باید نایب بگیرند). مسأله ۶۷۵ هرگـاه طواف نسـاء را فراموش کنـد و از عمره مفرده بازگردد، در صورت امکان باید خودش برگردد و بجا آورد، و چنانچه ممکن نباشد، یا مشـقّت داشته باشد نایب می گیرد، و پس از آن که نـایب طواف نسـاء و نمـاز آن را انجام داد، مرد بر زن و زن بر مرد حلال می شود. مسأله ۶۷۶ کسـی که طواف واجب (اعمّ از طواف عمره، یـا طواف نساء) را فراموش کنـد، و به وطن بازگردد، و با همسـر خود نزدیکی نمایـد، هرگاه از روی فراموشـی و جهـل به مسأله باشـد کفّاره نـدارد، ولی اگر مسأله را می دانسـته و عمـداً مرتکب آن شـده بایـد کفّاره بدهـد، و کفّاره آن در محرّمات احرام گـذشت. وماننـد مسأله قبل عمل می نماید. سؤال ۶۷۷ آیـا بر نـایب لازم است علاوه بر طواف نساء که به نیّت منـوب عنه بجـا می آورد، برای خود نیز طواف نسـاء انجـام دهـد؟ جواب: واجب نیست. سؤال ۶۷۸ نیّت نـایب در طواف نساء چگونه است؟ جواب: احتیاط آن است که نیّت ما فی الذّمه کند؛ هر چند می تواند به نیّت منوب

عنه انجام دهد. سؤال ۶۷۹ آیا می توان چند روز پس از سعی و تقصیر، طواف نساء را بجا آورد، یا باید بلافاصله پس از سعی و تقصیر بجا آورد؟ جواب: تأخیر انداختن طواف نساء مانعی ندارد. سؤال ۶۸۰ مردی به همسرش گفت: «وظیفه من طواف نساء است، ولی تو باید طواف رجال بجا آوری!» زن نیز به همین نیّت طواف کرد. آیا کفایت می کند؟ جواب: چون منظورش انجام وظیفه مربوط به حج بوده، مانعی ندارد (هر چند چیزی به نام طواف رجال نداریم). سؤال ۶۸۱ شخصی پس از بازگشت از مکّه شک می کند که طوافِ نساءِ عمره مفرده را بجا آورده یا نه، وظیفه اش چیست؟ جواب: اگر اجمالا توجّه به وجوب طواف نساء داشته، می گوید انجام داده ام، و اگر از وجوب آن اطّلاع نداشته، احتیاط واجب آن است که طواف نساء را انجام دهد، و اگر خودش نمی تواند، نایب بگیرد. سؤال ۶۸۲ شخصی قبل از انجام طواف نساء با همسرش ملاعبه نموده، و از روی شهوت به او دست زده است. آیا کفّاره دارد؟ جواب: بنابر احتیاط واجب کفّاره دارد; ولی در صورت فراموشی یا ندانستن مسأله کفّاره ندارد. سؤال ۶۸۳ اگر نایب طواف نساء را بجا نیاورد، آیا فقط همسر بر او حرام می شود، یا علاوه بر آن ذمّه اش نیز مشغول است، که حتّی اگر فوت کرده باشد باید از طرف او قضا کنند؟ جواب: ذمّه او مشغول است; باید خودش در حال حیات انجام دهد، و اگر نمی تواند نایب بگیرد. سؤال ۶۸۴ آیا طواف نساء بر پیرمردان و پیرزنانی که عرفاً قادر بر

آمیزش جنسی نیستند و ازدواج نمی کنند، و نیز کسانی که عنین هستند، واجب است؟ جواب: همه باید انجام دهند. سؤال ۶۸۵ زن و شوهری به مکّه مشرّف شده، و مناسک را بجا آورده اند، ولی چون زن شوهرش را دوست نداشته، طواف نساء و نماز آن را ترک کرده، و شوهر هم آنها را بجا نیاورده، و به وطن بازگشته اند. حکم این زوجین از نظر محرمیّت و زندگی در یک خانه چیست؟ جواب: این زن و شوهر فقط نمی توانند با هم مناسبات و استمتاعات جنسی داشته باشند، تا زمانی که برگردند و طواف نساء و نماز آن را بجا آورند، و اگر خودشان نمی توانند، لازم است برای طواف نایب بگیرند; یعنی از کسانی که به مکّه می روند خواهش کنند که به نیابت از آنها طواف نساء و نماز آن را بجا آورند. سؤال ۶۸۶ آیا منظور از این که می فرمایید: «بدون طواف نساء زن بر مرد، و مرد بر زن حلال نمی شود». فقط آمیزش جنسی است، یا سایر استمتاعات را هم شامل می شود؟ جواب: سایر استمتاعات را نیز شامل می شود. سؤال ۶۸۷ هرگاه کسی که طواف نساء را ترک کرده با همسرش آمیزش کند و فرزندی به وجود آید، آیا حلال زاده است و از آنها ارث می برد؟ جواب: در هر حال فرزند او مشروع است، و از آنها ارث می برد. سؤال ۶۸۸ کسی که طواف نساء را انجام نداده، و در این حال زنی را عقد کرده، آیا عقد او صحیح است؟ جواب: عقد او باطل است، و چنانچه علم به حکم داشته،

آن زن بر او حرام ابـدی می شـود. سؤال ۶۸۹ کسـی که طوافِ نسـاءِ عمره مفرده را بجـا نیـاورده، و پس از آن حـجّ اِفراد بجا آورده است، آیا طوافِ نساءِ حـجّ اِفراد کفایت می کنـد؟ جواب: آری کفایت می کنـد. سؤال ۶۹۰ شخصی طواف نساء عمره مفرده را فراموش کرده، و برای عمره تمتّع محرم شده است. طواف مذکور را پس از انجام عمره تمتّع بجا آورد، یا قبل از آن؟

جواب: می تواند بعد از انجام اعمال عمره تمتّع بجا آورد، و اگر تأخیر بیندازد طواف نساء حجّ کافی است.

احکام مصدود و محصور

مسأله ۶۹۱ «مصدود» به کسی گفته می شود که شخصی (خواه دشمن، یا مأمور دولت) او را بعد از احرام برای عمره یا حج، از انجـام اعمـال بـاز دارد. و «محصور» به کسـی گفته می شود که بر اثر بیماری یا شکسـتگی اعضا، یا مجروح شـدن، و امثال آن نتوانـد اعمال حـج یا عمره را بجا آورد. مسأله ۶۹۲ کسـی که احرام عمره یا حـج بست، بایـد عمره و حـج را تمام کند، و اگر انجام ندهـد به احرام باقی خواهـد ماند، ولی اگر مصدود یا محصور شد، باید به دسـتورهای آینده عمل کند تا از احرام بیرون آید. مسأله ۶۹۳ شخصـی که محرم به احرام «حج» یا «عمره» شود، و دشـمن یا فرد دیگری، مانند مأموران دولت، یا سارقین، یا غیر آنها، او را از رفتن به مکّه باز دارند، و راه دیگری برای رفتن به مکّه نداشته باشد، یا اگر راهی باشد هزینه آن را ندارد، در همان جا یک قربانی می کند و از احرام خارج

می شود، و احتیـاط آن است که قربـانی را به قصـد خروج از احرام انجام دهـد. همچنین احتیاط آن است که موی سـر خود را کوتاه کنـد، و اگر دسترسـی به قربانی پیـدا نکرد، همان جا نیّت خارج شـدن از احرام می کنـد، و احتیاط آن است که به جای قربـانی، ده روز (بـه شـرحی کـه قبلاـ گفتـه شـد) روزه بگیرد، و اگر در آنجـا بـه آن صـورت نتـوانست بگیرد، تمـام آن را در بـازگشت روزه بگیرد. مسأله ۶۹۴ اگر کسـی بـا احرام عمره وارد مکّه شـد، و دشـمن، یـا کس دیگری او را از انجام اعمال باز داشت، حکم مسـأله قبـل را دارد. مسأله ۶۹۵ هرگـاه شخصـی را به خاطر بـدهکاری، یا اتّهام دیگری زنـدانی کننـد، یا به ظلم حبس نمایند، حکم مسأله سابق را دارد. مسأله ۶۹۶ اگر بعد از احرام، برای رفتن به مکّه، یا اجازه بجاآوردن اعمال پولی مطالبه کننـد، چنـانچه تمکّن دارد بایـد بپردازد; مگر این که موجب عسـر و حرج گردد، و اگر تمکّن نـدارد، یـا حرجی است، حکم «مصدود» را دارد. مسأله ۶۹۷ اگر یک راه بسته باشد، و راه دیگری هست که می تواند از آن برود، و هزینه آن را هم دارد، به احرام باقی می مانـد تا از آن راه برود. مسأله ۶۹۸ مصدود اگر امید برطرف شدن مانع را داشـته باشد احتیاط آن است که صبر کند; ولی اگر گمان برطرف نشدن آن را داشته باشد، می تواند به دستوری که برای «مصدود» گفته شد عمل کند. مسأله ۶۹۹ «محصور» یعنی کسی که بر اثر بیماری، یا مجروح شدن، یا شکستگی

اعضاء و ماننـد آن، نتوانـد اعمال حج و عمره را بجا آورد، اگر محرم به احرام عمره مفرده باشد، ولی بر اثر بیماری و مانند آن مجبور است به وطن بـازگردد، یا در همان جا بستری شود، و در هر حال قادر به انجام عمره نیست. چنین کسـی بایـد پول یک قربانی را به مکّه بفرسـتد، و با دوستان خود قرار بگذارد که در فلان روز و فلان ساعت در مکّه برای او قربانی کنند، سپس در همان موعـد معیّن تقصـیر می کنـد، و از احرام بیرون می آید، و همه چیز بر او حلال می شود مگر همسـر، تا زمانی که حالش خوب شود، و عمره مفرده بجـا آورد، و اگر حـالش خوب شـد و نتوانست عمره بجـا آورد، نـایب می فرسـتد، و چنانچه کسـی نباشـد که برای او در مکّه قربانی کند، در همان جا که هست قربانی می کند و از احرام خارج می گردد، و اگر آن هم ممکن نشـد، در بازگشت به وطن قربانی می کند. مسأله ۷۰۰ هرگاه شـخص بیمار پس از فرسـتادن قربانی یا پول آن، بهبود یافت، به طوری که قادر به رفتن به سوی مکّه شـد، بایـد به مکّه برود، و اعمال را انجام دهد. مسأله ۷۰۱ کسانی که مریض نیستند، ولی به علّت دیگری بعـد از احرام نتوانسـته انـد به مکّه بروند (مثل کسـی که کمر یا پایش شکسـته، یا بر اثر خونریزی ضـعف بر او مسـتولی شـده) حکم مریض را دارند. سؤال ۷۰۲ آیـا تصـادف به هنگـام احرام، داخل در عنوان محصور است، و شخصـی که تصادف کرده باید احکام محصور را

بجا آورد؟ جواب: آری، هرگاه شرایط حصر حاصل شود، حکم «محصور» بر آن مترتّب می شود. سؤال ۷۰۳ کسی که دعای شرط را، که مستحب است هنگام نیّت احرام خوانده شود، بخواند و شرط خروج از احرام را در صورت وجود موانعی کند، آیا در صورتی که محصور یا مصدود شود احکام مصدود و محصور بر او جاری می شود، یا به مجرّد حدوث این دو حالت، بدون قربانی از احرام خارج می گردد؟ جواب: می تواند از احرام خارج شود، ولی قربانی بر او واجب است، و اثر شرط در جهات دیگر ظاهر می شود. سؤال ۷۰۴ شخصی در مدینه مصدوم می گردد. او را به مسجد شجره می برند، و محرم می شود. آیا احرام چنین شخصی صحیح است؟ در صورت صحّت، اگر نتواند مناسک عمره را به جا آورد تکلیفش چیست؟ جواب: احرامش صحیح است. اگر بتواند عمره را، هر چند با کمک نایب در طواف و سعی، انجام دهد عمره او صحیح است، و اگر نتواند بجا آورد، احتیاط آن است که به حکم محصور عمل کند.

مسائل متفرّقه

شرکت در نماز جماعت اهل سنّت

مسأله ۷۰۵ هنگامی که در «مسجد الحرام» یا «مسجد النبی» نماز جماعت برگزار می گردد، مؤمنین نباید از آن اماکن مقدّسه خارج شوند، و نماز جماعت را ترک کنند. بلکه باید به همراه بقیّه مسلمانان به نماز جماعت بایستند. مسأله ۷۰۶ نماز جماعتهای کاروانی و بزرگ در مسافرخانه ها و هتل های مکّه و مدینه توسّط شیعیان در صورتی که بتوانند در نماز جماعت حرمین شرکت کنند، اشکال دارد، ولی نماز جماعت چند نفری اشکال ندارد. مسأله ۷۰۷ کسی

که نمازش را در مسجدالحرام به شکل استداره (دایره وار) خوانده، به گونه ای که رو به روی امام جماعت، یا در سمت راست، یا در طرف چپ او ایستاده بوده، نمازش صحیح است، و نیاز به تکرار آن نیست; مشروط بر این که امام به حسب دایره یعنی از جهت فاصله به کعبه از دیگران جلوتر باشد. مسأله ۷۰۸ رعایت اتّصال صفوف در نماز جماعت با اهل سنّت لازم است، بنابراین هرگاه عدّه ای از آنها با فاصله بایستند، به سراغ گروهی بروید که با امام اتّصال دارند. مسأله ۷۰۹ کسانی که برای شرکت در نماز مغرب یا ظهر به مساجد مکّه و مدینه می روند، و در جماعت آنها شرکت می کنند، می توانند بعد از نماز جماعت، نماز عشا یا عصر خود را به طور فرادی بجا آورند. مسأله ۷۱۰ نمازهایی که همگام با سایر مسلمین به امامت اهل سنّت اقامه می گردد صحیح است، و حتّی در وسعت وقت نیاز به اعاده ندارد. مسأله ۷۱۱ هرگاه رعایت اتّصال صفوف جماعت مستلزم سجده بر فرش باشد، و اصرار نسبت به سجده بر سنگفرش مسجد مستلزم عدم رعایت اتّصال باشد، باید اتّصال را مراعات کند; هر چند بر فرش سجده نماید.

مسأله ۷۱۲ هرگاه با کمی تأخیر به نماز جماعت برسد، به گونه ای که مسلمین نماز خود را بسته، و با صفوف جلو اتّصال معتبر نزد شیعه را ندارند، و امکان عبور از صفوف و رفتن به جایی که اتّصال برقرار است نیز نمی باشد، یا مأمورین اجازه چنین کاری را نمی دهند، در همان جا که ممکن است اقتدا نموده، و

همین نماز کفایت می کند و نیازی به اعاده نیست. مسأله ۷۱۳ نمازهایی که بر اثر ازدحام جمعیّت در پشت بام مسجدالحرام یا مسجدالنّبی به جماعت برگزار می شود، کافی نیست و باید اعاده گردد. مسأله ۷۱۴ نماز جمعه با اهل سنّت نیز کفایت از نماز ظهر می کند، و اعاده آن لازم نمی باشد، و اینها دستوراتی است که ائمّه طاهرین(علیهم السلام)برای حفظ وحدت مسلمین به ما داده اند. مسأله ۷۱۵ هرگاه مؤمنین زمانی به مسجد برسند که نماز جماعت تمام شده، ولی صفها هنوز به هم نخورده، اذان و اقامه ساقط است، و از این جهت تفاوتی با نماز جماعت شیعیان ندارد. مسأله ۷۱۶ خواندن نماز قضا با نماز جماعت اهل سنّت، مانعی ندارد.

مسأله ۷۱۷ با توجّه به این که اگر اهل سنّت یک رکعت از امام عقب بیفتند تجافی نمی کنند (و به صورت نیم خیز نمی نشینند)، انجام این کار برای شیعیان لازم نیست.

سجده گاه

مسأله ۷۱۸ سجده کردن بر تمام انواع سنگها جایز است; چه مرمر باشد، یا سنگهای سیاه معدنی، یا سنگ گچ و آهک قبل از آن که پخته شود. بنابراین، سجده کردن بر تمام سنگفرشهای «مسجدالحرام» و «مسجدالنّبی» که از این قبیل است اشکالی ندارد. مسأله ۷۱۹ سجده کردن بر فرشهای مسجدالنّبی و سایر مساجد مکه و مدینه مانعی ندارد، بلکه مهر گذاشتن جایز نیست، ولی اگر به سهولت به جایی که فرش نیست و برای سجده مناسب است دسترسی دارد و سبب حسّاسیّت برادران اهل سنّت نمی شود آن را مقدّم دارد; امّا تأکید می شود از هر عملی که موجب هتك و انگشت نما

شدن می گردد اجتناب ورزند، ولی سجده بر فرش در هتل ها جایز نیست.

مسأله ۷۲۰ سجده بر حصیرهایی که در مکّه و مدینه مورد استفاده حجّاج ایرانی وغیر ایرانی واقع می شود، وحصیر مزبور با نخ مخلوط است، مانعی ندارد; مشروط بر این که موجب هتک و انگشت نما شدن نگردد. مسأله ۷۲۱ چنانچه حاجی شیعه نمازش را به گونه ای انجام دهد که معلوم نباشد حتّی موافق نظر اهل سنّت است، مثل این که بر پشت نمازگزاران صف جلو سجده کند (آن گونه که بعضی از عوام اهل سنّت به هنگام ازدحام انجام می دهند)، یا اتّصال صفوف را مراعات ننماید، باید نمازش را اعاده کند. مسأله ۷۲۲ نمازهای شخصی که خیال می کرده سجده بر سنگفرشهای مسجدالحرام یا مسجدالنّبی صحیح نیست، و بر پشت دست خود سجده نموده، صحیح نیست; مگر این که جاهل قاصر باشد. مسأله ۷۲۳ حاجی مخیّر است نماز را در محلّی که ثواب فراوانی دارد (مانند روضه مطهره مسجدالنّبی)، امّا مجبور است بر فرش سجده کند بجا آورد، یا در جایی که ثواب کمتری دارد، ولی می تواند بر سنگ سجده نماید.

مسأله ۷۲۴ حجّاج محترمی که در نماز جماعت اهل سنّت بر روی ویلچر یا صندلی نماز می خوانند، به هنگام رکوع کمی خم می شوند، و به هنگام سجده کمی بیشتر، و نمازشان صحیح است، و لازم نیست کفشهای خود را بیرون آورند، یا مهر به پیشانی بچسبانند.

نماز مسافر

مسأله ۷۲۵ مسافران مخیّرند نماز خود را در مسجدالحرام و مسجدالنّبی، بلکه در تمام شهر مکّه و مدینه، تمام یا قصر به جا آورند، و نماز تمام

افضل است، و فرقی بین مکّه و مدینه قدیم و امروز نیست. مسأله ۷۲۶ با توجّه به این که قصد اقامه عشره باید در یک محل، یا دو محلّ نزدیک به هم باشد (مثلا با فاصله سه یا چهار کیلومتر) حجّاج محترم نمی توانند با احتساب ایّام عرفات و مشعر و منی قصد ده روز کنند، ولی چنانچه قصد ده روز توقّف در مکّه کنند، و پس از گذشت ده روز به عرفات و مشعر و منی بروند، یا بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی از قصد برگردند، و به آن امکنه مقدسّه بروند، نمازشان در همه این مکانها کامل است. زیرا در شرایط فعلی فاصله مکّه تا عرفات به مقدار مسافت شرعیّه نیست. مسأله ۷۲۷ هرگاه مدیر کاروان، با توجّه به این که می داند توقّف زائران در مکّه یا مدینه کمتر از ده روز است، اعلام کند که ده روز می مانیم، و زوّار با اعتماد به گفته او نمازشان را تمام بخوانند و روزه بگیرند، و قبل از ده روز از آنجا بروند، نماز و روزه زائران صحیح است; ولی مدیر کاروان نباید دروغ بگوید. مسأله ۷۲۸ شخصی که قصد کرده تا پایان روز ترویه (هشتم ذی الحجّه) در مکّه اقامت کند، و به تصوّر این که از آغاز ورودش تا روز هشتم ذی الحجّه ده روز خواهد بود نمازهایش را تمام خوانده، سپس متوجّه می شود که ده روز اقامت نخواهد داشت، باید نمازها را شکسته بخواند، و آنچه را تمام خوانده قضا کند.

روزه مستحبّی

مسأله ۷۲۹ حاجی می تواند برای برآورده شدن حاجات خود سه روز در مدینه روزه

بگیرد و سزاوار است این سه روز چهارشنبه، پنجشنبه و جمعه باشد.

مسأله ۷۳۰ نذر روزه در سفر اشکال دارد ولی اگر نذر کرد احتیاط آن است که به نذر خود عمل کند.

وقت نماز و روزه

مسأله ۷۳۱ نماز خواندن با اذان اهل تسنّن در نماز صبح و ظهر، چنانچه یقین یا گمان قابل ملاحظه ای به دخول وقت حاصل شود مانعی ندارد; ولی در مورد نماز مغرب احتیاط آن است کمی صبر شود تا حمره زائل گردد. این در صورتی است که بخواهند در محلّ سکونت نماز فرادی بخوانند، ولی اگر با آنها نماز جماعت بخوانند رعایت این احتیاط لازم نیست، و اذان آنها کافی است. مسأله ۷۳۲ کسانی که در ماه مبارك رمضان توفیق انجام عمره مفرده پیدا می کنند، هرگاه جهت نماز اوّل وقت به مسجدالحرام یا مسجدالنّبی بروند، و قبل از زوال حمره به آنها اصرار کنند که افطار نمایند، مجاز هستند افطار کنند، و روزه آنها صحیح است، و نیازی به قضا ندارد.

اعلان عید

مسأله ۷۳۳ هرگاه از سوی قاضی اهل سنّت حکم شود که فلان روز عید قربان است، و ما یقین بر خلاف آن نداشته باشیم، متابعت از آنان جایز است. بلکه اگر یقین بر خلاف داشته باشیم (که غالباً چنین یقینی حاصل نمی شود)، نیز باید تبعیت کنیم، و نیازی به احتیاط نیست، و حجّ صحیح است.

حج و خمس

مسأله ۷۳۴ هرگاه شخصی هزینه حجّ دیگری را بپردازد، و باذل اهل وجوهات شرعیّه نباشد، چنانچه یقین به وجود خمس در پول مزبور نباشد حجّ او اشکالی ندارد، و اگر یقین به وجود خمس در آن دارد، لازم است خمس آن را بپردازد. مسأله ۷۳۵ هرگاه کسی بدون این که خمس مال خود را بپردازد به عمره یا حج برود، و پس از بازگشت متوجّه خطای خود شود، حج یا عمره او صحیح است، ولی در اوّلین فرصت اقدام به پاکسازی اموال خود کند. مسأله ۷۳۶ شخصی که حساب خمسی ندارد هرگاه بخواهد به حج مشرّف شود باید به اموال خود رسیدگی کند. چنانچه تاریخ اوّلین درآمدش را بداند، آنچه از اموال و دارایی ها که بر مبنای اوّلین در آمد، سال بر آن گذشته خمس دارد، و اگر تاریخ اوّلین درآمد را نداند، آنچه در طول سال نزد او بوده خمس دارد، و آنچه مشکوك است خمس ندارد، و تخمیس لباس احرام کفایت نمی کند، بلکه باید تمام هزینه حج یا عمره تخمیس گردد. و بسیار بجاست که حجاج محترم از این فرصت الهی استفاده کرده و آنها که تا کنون تمام اموالشان را تخمیس نکرده اند خمس آن را بپردازند تا هم به وظیفه واجب خویش

عمل کنند و هم مشمول برکات الهی شوند.

لقطه (گمشده) حرم

مسأله ۷۳۷ هرگاه حاجی چیزی در حرم پیدا کند، احتیاط واجب آن است که برندارد. مسأله ۷۳۸ اگر لقطه (گمشده) حرم را برداشت، چنانچه قیمت آن کمتر از یک درهم(۱) باشد می تواند آن را تملّک و مصرف نماید، و اگر تملّک نکرد و کوتاهی ننمود ضامن نیست، ولی اگر بدون قصد تملّک آن را نزد خود نگاه داشت، و در نگهداری آن کوتاهی و تفریط کرد، ضامن است، و اگر قصد تملّک کرد و قبل از آن که آن را مصرف کند صاحبش پیدا شد، باید آن را به صاحبش بازگرداند. مسأله ۷۳۹ هرگاه لقطه حرم را، که یک درهم یا بیشتر ارزش دارد بردارد، باید اگر می تواند آن را به شخصی مطمئنی بسپارد تا یک سال در جستجوی صاحبش باشد و اعلام کند(۲)، و اگر بعد از یک سال صاحبش پیدا نشد، و امیدی به پیدا شدن صاحبش ندارد، آن را صدقه می دهد، ولی چنانچه پس از صدقه دادن، صاحبش پیدا شود و راضی به صدقه نگردد، احتیاط واجب آن است که قیمت آن را به او بدهد، و در هر حال تملّک چنین لقطه ای جایز نیست، و چنانچه تملّک کند مالک نمی شود، و ضامن آن است، و اگر از ابتدا نسبت به پیدا کردن صاحبش کاملاً مأیوس باشد می تواند بلافاصله آن را به شخص نیازمندی از طرف صاحب اصلی صدقه دهد. مسأله ۷۴۰ هرگاه زائرین در مکّه یا مدینه پول سعودی پیدا کنند، و ندانند که متعلّق به زوّار ایرانی است یا غیر ایرانی، در صورتی که از

یافتن صاحبش مأیوس باشند، احتیاط واجب آن است که آن را از طرف صاحبش به فقیری صدقه دهند.

۱ . یک درهم ۶/۱۲ نخود نقره سکّه دار است، که قیمت فعلی آن حدود ۴۰۰ تومان است. ۲ . چنانچه از روزی که آن را پیدا کرده تا یک هفته هر روز، و پس از آن تا یک سال هفته ای یک بار، در محلّ اجتماع مردم اعلام کند، کافی است.

استفتائات مرتبط با مسائل عمره

سؤال ۷۴۱ شخصی که مقلّد هیچ یک از مراجع بزرگوار تقلید نبوده، اکنون می خواهد تقلید نماید. در این مدّت مکّه هم رفته است. آیا عبادتهایش صحیح است؟ جواب: هرگاه اعمالش مطابق فتوای مرجعی که فعلا وظیفه اش تقلید از اوست باشد، صحیح است. سؤال ۷۴۲ قرآنهایی در مسجدالحرام وجود دارد که بر روی بعضی از آنها جمله «وقف لله تعالی» نوشته شده، و بر تعدادی نیز این جمله نوشته نشده است. لطفاً در مورد قرآنهای مذکور به دو سؤال زیر پاسخ فرمائید: الف) در بین حجّاج مشهور است که برداشتن قرآنهایی که جمله مذکور در آن وجود ندارد، جایز است. آیا این سخن صحیح است؟ جواب: برداشتن آنها بدون اجازه مسؤولین مربوطه جایز نیست، و کسانی که بدون اجازه برداشته اند، باید بازگردانند. ب) گاهی از اوقات مسؤولین مسجدالحرام قرآنهایی که جمله مذکور روی آن نوشته شده را به حجّاج هدیه می کنند. آیا گرفتن چنان قرآنهایی جایز است؟ جواب: اشکالی ندارد. سؤال ۷۴۳ آیا می توان قطعه ای از سنگ کوه صفا و مروه، یا صحرای مشعر را به عنوان تبرّک برداشت؟ جواب: برداشتن سنگ از صفا و مروه جایز نیست؛ و

برداشـتن از مشـعر نیز احتیـاط در ترک آن است. سؤال ۷۴۴ گـاه دیـده می شود که برخی از حجّاج محـترم به عنوان تـبرّک مقداری از خاک قبرسـتان بقیع را برداشـته، و همراه خود به ایران می آورند. آیا این کار از نظر شرعی صحیح است؟ اگر جایز نباشـد، وظیفه فعلی آنها چیست؟ جواب: این کار جایز نیست، و احتیاط آن است که آن را برگرداننـد. سؤال ۷۴۵ سال گذشته یکی از دوسـتان، که به حج مشـرّف شده بود، دو قطعه سنگ از غار حرا به عنوان هدیه برایم آورد. سنگها را در مکان مناسبی نهـاده، و هر چنـد روز یـک بـار به عنوان تبرّک آنهـا را می بوسم و زیـارت می کنم. آیـا این عمل شـرک محسوب می شود؟ جواب: این کار ذاتاً حرام نیست؛ امّا از این جهت که ممکن است منشأ برداشـتهای سوء بدخواهان، یا بدعت گردد، از این کار خودداری کنیـد. سؤال ۷۴۶ آیـا مصـرف کنسـروهای گوشت و مـاهی خارجی، که در بازار مسـلمین از جمله مکّه و مـدینه به فروش می رسـد، جایز است؟ جواب: اگر ندانند از کجا وارد شـده، یا بداننـد از کشورهای اسـلامی است، مانعی ندارد، و اگر یقین داشته باشند از کشورهای غیر اسلامی وارد شده، در صورتی استفاده از آن جایز است که وارد کننده آن مسلمان باشد، و احتمـال داده شـود کـه او شـرایط شـرعی ذبـح را احراز کرده، و در دسـترس مسـلمانان قرار داده است، یـا روی آن جمله «ذبح شرعی» نوشته شده باشد. سؤال ۷۴۷ اگر شخصی مبلغی ارز به فردی بدهد، و عوض آن را پول ایرانی بگیرد چه حکمی دارد؟ جواب:

در صورتی که مخالف مقرّرات نباشـد، و با رضایت همدیگر باشد مانعی ندارد. سؤال ۷۴۸ هنگامی که قسمتی از مسجدالحرام نجس می شود، مـأمورین به شـکل زیر آن را تطهیر می کننـد: «ابتـدا عین نجاست را برطرف نموده، سـپس ظرف آب قلیلی بر روی محلّ نجس می ریزنـد، و در مرحله سوم آبهای ریخته شده را جمع می کنند». با توجّه به این نوع تطهیر انسان به نجاسـت تمام مسـجدالحرام یقین پیـدا می کنـد. آیا سـجده بر سـنگهای مذکور در فرض سؤال جایز است؟ جواب: علم به نجاست تمام مسـجد پیـدا نمی شـود، و به شـک نبایـد اعتنـا کرد، و این نیز نـوعی تطهیر است. سـؤال ۷۴۹ اگر شخصـی در مسـجدالحرام یا مسجدالنبی محتلم شود، برای تیمّم چه نیّتی کند؟

جواب: بایـد فوراً خـارج شود، و برای خروج از مسـجد تیمّم بـدل از غسـل جنابت می کنـد; مگر این که زمان خروج کمتر از زمـان تیمّم باشـد، که بـدون تیمّم فـوراً خـارج می شـود. سؤال ۷۵۰ آیـا عبـور و مرور حـائض و جنب، از مقـدار توسـعه یـافته مسـجدالحرام و مسـجدالنبی جـایز است؟ جواب: جـایز نیست، و فرقی میان قسـمت قـدیم و جدیـد نیست. سؤال ۷۵۱ منظور از مشقّت یا عُسر و حرج، که در بعضی ازمسائل به آن اشاره کرده اید چیست؟ آیا مشقّت و عُسر و حرج شخصی ملاک است، یا نوعی؟ جواب: منظور از عُسر و حرج شخصی است. سؤال ۷۵۲ آیا قصد باطل کردن عمره، یا قسمتی از مناسک آن (بدون آن که هنگام قصدِ ابطال عمل را ادامه دهد) موجب بطلان آن می گردد؟ جواب: قصد ابطال موجب بطلان نمی

گردد. سؤال ۷۵۳ غسل احرام، زیارت و مانند آن، تا چه زمانی اعتبار دارد؟ و با چه چیزهایی باطل می شود؟ جواب: تا یک روز معتبر است; و اگر حدث اصغر از او سر زند، به قصد رجا آن را اعاده می کند، ولی واجب نیست. سؤال ۷۵۴ آیا طلب رحمت برای بانیان، حافظان و خدمتکاران مسجدالحرام و مسجدالنّبی، که زحمات فراوانی را متحمّل می شوند، جایز است؟ جواب: برای آنها طلب هدایت کنید. سؤال ۷۵۵ بعضی از حجّاج سهمیّه موادّ خوراکی و مصرفی خود (مانند نوشابه، موز، پرتغال، سیب، پنیر، آبمیوه، صابون، شامپو و مانند آن را) که در ایّام سفر مورد استفاده قرار نداده اند، با خود به ایران می آورند. این کار چه حکمی دارد؟ آیا استفاده از آن مواد جایز است؟ جواب: در صورتی که واقعاً جنبه سهمیّه داشته باشد مانعی ندارد; ولی اگر فقط جنبه اباحه تصرّف دارد، فقط حق دارند در آنجا مصرف کنند، ولی با خود بردن جایز نیست.

سؤال ۷۵۶ انجام حج با مال حرام، یا مال مشتبه به حرام چگونه است؟ جواب: با مال حرام جایز نیست; ولی اگر مال او مشتبه به حرام است، ولی یقین به حرمت آن ندارد، می تواند آن را صرف حج کند. مشروط بر این که از نظر ظاهر محکوم به حلال بودن باشد; یعنی از طریق ظاهراً حلال به دست آورده است. سؤال ۷۵۷ شک در اعمال عمره چه حکمی دارد؟ جواب: هرگاه پس از شروع در عملی که بعد از آن است شک کند، اعتنا ننماید; چه شک در انجام آن داشته باشد، یا شک در صحیح بجا

آوردن آن.

چند مسأله مهم و محلّ ابتلا در عمره

۱ استفاده از ماشینهای سرپوشیده در حال احرام در شبها، یا بین الطّلوعین، یا روزهای کاملا ابری، که سایبان تأثیری برای حفظ از آفتاب و باران ندارد، جایز است، همچنان که سوار ماشین سر پوشیده شدن در حال احرام در داخل شهر مکّه مانعی ندارد (خواه در روز باشد، یا در شب)، ولی بهتر است در آن قسمت که از حرم بیرون است (یعنی آن طرف که از مسجد تنعیم فراتر می رود) احتیاط کند، ولی با توجّه به این که قسمتهای بعد از تنعیم هم جزء شهر مکّه است، احتیاط مذکور واجب نیست. ۲ اگر بدون اختیار چشم مُحرم به آینه بیفتد، اشکالی ندارد، و بهتر است که در ایّام احرام حج یا عمره، در اطاق هایی که افراد مُحرم سکونت دارند، و همچنین در مسیر رفت و آمد آنها، مانند داخل آسانسورها، روی آینه ها چیزی بیندازند، که نگاه غیر اختیاری نیز به آن نیفتد. ۳ احتیاط واجب آن است که مُحرم حشرات (مانند پشه، زنبور، مگس، ملخ و امثال آن را) نکشد; چه روی بدن یا لباس او باشد، یا جای دیگر، و نیز هیچ جنبنده ای را به قتل نرساند، مگر این که مایه آزار او شود، یا حیوان موذی و خطرناکی باشد; (مانند مار و عقرب). و اگر عمداً آنها را بکشد کفّاره دارد، و کفّاره آن مقداری غذا است; (مثلا یک نان به فقیر بدهد)، بنابراین باید موقع راه رفتن مواظب ملخها و مورچه ها و مانند آن باشد. ۴ لازم نیست طواف در فاصله بین مقام ابراهیم و خانه کعبه باشد; بلکه در

تمـام مسـجدالحرام طواف جـایز است; (به خصوص هنگـام ازدحام جمعیّت) ولی در صورت امکان بهتر است از فاصـله مزبور تجاوز نکند. ۵ لازم نیست شانه چپ در تمام حالات محاذی کعبه باشـد; بلکه همین انـدازه که مطابق معمول همه مردم، خانه کعبه را دور بزنـد کافی است. ۶ هرگاه جمعیّت طواف کننـده به قـدری زیاد باشـد که انسان را با فشار و بـدون اختیار به پیش ببرد، ضـرری برای طواف نـدارد، و همین انـدازه که از آغاز نیّت می کند که برای طواف به میان جمعیّت برود کافی است. هر چنـد می داند فشار جمعیّت او را به جلو می برد. ۷ طواف در طبقه دوّم و پشت بام مسـجدالحرام اشکال دارد; ولی کسانی که مجبور هسـتند از آنجـا طواف کننـد طوافشان صـحیح است، و نایب گرفتن لازم نیست. ۸ محـلّ نماز طواف واجب، پشت مقام ابراهیم است; ولی اگر ازدحـام جمعیّت زیـاد باشـد، می توان عقب تر نماز خوانـد. به خصوص، در مواقعی که جمعیّت طواف کننـده به قـدری زیاد است که به پشت مقام ابراهیم می رسـد، در این صورت نبایـد مزاحم طواف کننـدگان شـد، و اصـرار بر خواندن نماز در پشت مقام داشت، و کارهایی که بعضـی از عوام انجام می دهند، و دسـتها را زنجیر می کنند، و مزاحم طواف کننـدگان می شوند، صـحیح نیست; امّا نماز طواف مسـتحب را در هر جای مسـجد می توان خواند. ۹ خوانـدن نماز طواف به جماعت اشکال دارد، حتّی به عنوان احتیاط، و افراد باید حمد و سوره را به قدر امکان اصلاح کنند، و خودشان بخوانند.

۱۰ سعی صفا و مروه

در طبقه بالا جایز نیست; مگر این که ازدحام به قدری زیاد باشد که سعی در طبقه پایین مشقّت شدید داشته باشد. ۱۱ هنگام سعی صفاو مروه کافی است مقداری از سربالایی صفا و مروه را طی کند، و لازم نیست به قسمت لخت کوه برسد، و پای خود را به آن بچسباند. زیرا سربالایی مفروش در صفا و مروه جزء کوه است. ۱۲ نشستن در حال طواف واجب، برای رفع خستگی مانعی ندارد; ولی احتیاط آن است که موالات عرفی به هم نخورد، یعنی فاصله زیاد نشود; امّا نشستن در حال سعی، برای رفع خستگی و مانند آن به هر مقدار مانعی ندارد; خواه در صفا باشد، یا در مروه، یا در میان آن دو. ۱۳ بهتر است هنگام ازدحام جمعیّت، طواف متسحبی را ترک کرد، و محلّ طواف را برای کسانی که طواف واجب می کنند آزاد گذاشت. ۱۴ نماز خواندن با اهل سنّت و شرکت در جماعات آنها در ایّام حج و مانند آن، برای حفظ وحدت مسلمین از مستحبّات مؤکّد و موجب تقویت صفوف در برابر دشمنان است، و در روایات معصومین(علیهم السلام) تأکیدات فراونی درباره آن شده است، و چنین نمازی کفایت از نماز واجب می کند، و اعاده آن لازم نیست. ۱۵ حُجّاج محترم می توانند در مسأله وقت نماز و مانند آن از آنها پیروی نمایند، و با آنها نماز بخوانند، و برای سجده اگر بتوانند، روی سنگهای کف مسجد سجده نمایند (زیرا سجده بر تمام آن سنگها جایز است) و اگر نتوانند، روی فرش سجده می کنند، و لازم نیست دست بسته نماز بخوانند،

یا بعد از حمد آمین بگویند. ۱۶ کسانی که به هنگام افطار روزه در مسجدالحرام یا سایر مساجد آنان حضور دارند، هرگاه به آنها اصرار بر افطار کنند، مانعی ندارد همزمان با اهل سنت افطار نمایند، و روزه آنها صحیح است. ۱۷ استفاده از بادبزن، یا حصیرهای بدون نخ، یا حصیرهای معمولی که نخ نازکی دارد، برای سجده کردن در همه حال جایز است، و لزومی ندارد از مهر استفاده شود که مخالفان به خاطر تبلیغات نادرست روی آن حسّاسیّت دارند. بلکه استفاده از مهر در بعضی از مواقع که باعث بدبینی و اعتراض می شود اشکال دارد.

۱۸ نایب و اجیر باید اعمال حج را مطابق اجتهاد یا تقلید خودش بجا آورد، نه اجتهاد یا تقلید شخصی که برای او نیابت می کند. ۱۹ زوّار خانه خدا مخیّرند نماز خود را در مسجدالحرام و مسجدالنّبی، بلکه در همه شهر مکّه و مدینه، تمام یا قصر بخوانند، و نماز تمام افضل است، و فرقی میان مکّه و مدینه قدیم و جدید نیست. ۲۰ مسافر می تواند برای گرفتن حاجت سه روز در مدینه روزه مستحبّی بگیرد; (هر چند قصد ده روز نکند) و احتیاط لازم آن است که روزهای چهارشنبه و پنج شنبه و جمعه را انتخاب کند. ۲۱ احرام بستن از تمام آنچه امروز جزء مسجد شجره است جایز می باشد، حتّی از کنار مسجد شجره نیز می توان احرام بست. ۲۲ حاجیان شیعه و پیروان مکتب اهلبیت(علیهم السلام) نباید در ایّام حج و مانند آن، نماز جماعت جداگانه به طور گروهی در کاروانها یا مسجدالحرام

یا مسجدالنّبی، تشکیل بدهند، و چنین نماز جماعتی خالی از اشکال نیست، مگر این که نماز چند نفری باشد. ۲۳ زوّار خانه خدا باید از تمام کارهایی که موجب وهن مذهب است اجتناب ورزند; مانند: الف) بازگشت از مسجدالحرام و مسجدالنّبی و صفوف جماعت، هنگام اذان یا نزدیک اذان. ب) پرداختن به خرید و فروش در بازارها و خیابانها، یا بازگشتن با اجناس خریداری شده به سمت کاروانها در چنان ساعاتی; بلکه این کارها را کنار بگذارند، و به جماعت بپیوندند. ج) اجتماع پشت دیوار بقیع برای زیارت قبور معصومین(علیهم السلام)، هنگام نماز جماعت. د) پوشیدن لباسهای نامناسب که مایه وهن در انظار عموم است. ه) برخورد خشونت آمیز در سخن یا رفتار با سایر زوّارخانه خدا، یا ساکنان مکّه و مدینه. خلاصه پیروان مکتب اهل البیت(علیهم السلام) باید چنان رفتار کنند که همه احساس نمایند آنها به برکت پیروی از اهلبیت(علیهم السلام)از تربیت بالا-یی برخوردارند، و هیچ گونه بهانه ای به دست مخالفان ندهند که این کار اجر و ثواب حجّ آنها را انشاء الله مضاعف می سازد.

آداب و مستحبّات عمره

در روایات اسلامی، و کلمات فقهای عظام (رضوان اللّه تعالی علیهم) آداب و مستحبّات بسیاری برای هر یک از اعمال «عمره» ذکر شده که قسمت قابل توجّهی از آن را عیناً در اینجا می آوریم، ولی از آنجا که بعضی از آنها دلیل کافی ندارد (و ما اصلِ تسامحِ در ادلّه سنن و مستحبّات را صحیح نمی دانیم) بهتر است همه را به قصد «رجاء»، یعنی به امید این که مطلوب شرع مقدّس

و دارای ثواب باشـد، به جـا آورد. «نکته مهمّ دیگر» این که انجام بعضـی از این مسـتحبّات در زمان ما، و در آن انبوه جمعیّت، برای بسـیاری از مردم غیر ممکن است; بنـابراین آنچه را ممکن است انجام می دهنـد، و آنچه را نمی توان انجام داد اگر مورد علاـقه حاجی باشـد و نیّت انجام آن را، در صورت امکان داشـته باشـد، طبق روایات معصومین(علیهم السـلام) خداونـد مطابق نیّتش به او پاداش خواهد داد.

مستحبّات سفر

کسـی که قصـد سـفر مکّه، یا سـفر دیگری دارد، مسـتحبّ است امور زیر را انجام دهد: ۱ از خداونـد متعال طلب خیر کنـد. ۲ وصیّت بنماید. ۳ صـدقه دهد، تا به آن صدقه سـلامت خود را خریداری نماید. ۴ هنگـامی که برای مسافرت مهیّا می شود، در خـانه خود چهـار رکعت نمـاز به جـا آورد. در هر رکعت سوره حمـد، و توحیـد (قل هو اللّه) را بخوانـد، و بگویـد: «اللَّهُمَّ إنّی أتَقَرَّبُ إلَیْکَ بِهِنَّ، فَاجْعَلْهُنَّ خَلیفَتی فی أهْلِی وَ مَالی». ۵ بر در خانه خود ایسـتاده، و سه مرتبه از پیش رو، و از طرف راست، و طرف چپ، سوره حمد، و به همین ترتیب سه مرتبه آیه الکرسی را بخواند، سپس بگوید:

«اَللَّهُمَّ احفَظْنی وَ احْفَظْ مَا مَعِیَ، وَ سَلِّمْنی وَ سَلِّم مَا مَعِیَ، وَ بَلِّغْنی وَ بَلِّغْ مَا مَعِیَ، بِبَلاغِکَ الحَسَنِ الجَمیلِ».

مستحبّات احرام

مسـتحبّات احرام چند چیز است: ۱- قبلاًـ بـدن خود را پـاکیزه نموده، و ناخن و شارِب (سبیل) خود را بگیرد، و موی زیر بغل و اطراف عورت را زایل کنـد. ۲- کسـی که قصـد عمره مفرده دارد پیش از یک ماه، موی سـر و ریش را رها کند، و بعضـی از فقها قائل به وجوب آن شـده انـد، و این قول هر چنـد ضـعیف است، ولی موافق احتیاط می باشد. ۳- پیش از احرام در میقـات غسـل احرام کنـد، و این غسـل از زن حائض و زنی که وضع حمل کرده نیز صـحیح است، و تقـدیم این غسل، به خصوص در صورتی که خوف آن باشد که در میقات آب یافت نشود، جایز است، و در صورت تقدیم، اگر در

میقات آب یافت شد مستحبّ است غسل را اعاده بنماید، و هر گاه مکلّف پس از انجام غسل احرام لباسی بپوشد، یا چیزی بخورد که بر محرم حرام است، تکرار غسل مستحبّ است، و اگر در روز غسل نماید، آن غسل تا آخر شب آینده کفایت می کند. همچنین اگر در شب غسل کند، تا آخر روز آینده کافی است; ولی اگر بعد از غسل و پیش از احرام وضوی او باطل شد، غسل را اعاده نماید. ۴- هنگام پوشیدن دو جامه احرام بگوید: «اَلْحَمْدُ لِلّهِ الَّذی رَزَقَنی مَا اُواری بِه عَوْرَتِی، و اُؤَدِّی فیهِ فَرْضی، وَ أعْبُدُ فیهِ رَبِّی، و اَنْتَهی فیهِ إلی مَا اَمَرَنِی. الْحَمْدُ لِلّهِ الَّذی قَصَدْتُهُ فَبَلَّغَنی، و أرَدْتُهُ فَأعانَنی، وَ قَبِلَنی وَ لَمْ یَقْطَعْ بی، وَ وَجْهَهُ أرَدْتُ فَسَلَّمَنی. فَهُوَ حِصْنی وَ کَهْفِی و حِرْزی وَ ظَهْری وَ مَلاذی وَ رَجائی وَ مَنجای و ذُخری وَ عُدَّتی فی شِدَّتی وَ رَخائی». ۵- دو حوله احرام از جنس پنبه باشد. ۶- احرام را به ترتیب زیر ببندد: در صورت امکان بعد از نماز ظهر، و اگر ممکن نبود، پس از نماز واجب دیگر، و چنانچه آن هم امکان پذیر نبود، بعد از شش یا دو رکعت نماز نافله، که در رکعت اوّل پس از حمد سوره توحید، و در رکعت دوم سوره قل یا ایّها الکافرون را بخواند، و شش رکعت افضل است، و پس از نماز، حمد و ثنای إلهی به جا آورد، و بر پیغمبر و آل او صلوات بفرستد; آنگاه بگوید: «اللَّهُمَّ إنِّی أسألُکَ أنْ تَجْعَلَنی مِمَّنِ اسْتَجابَ لَکَ، وَ آمَنَ بِوَعْدِکَ، وَ اتَّبَعَ أمْرَکَ، فإنِّی عَبْدُکَ وَ

فی قَبْضَتِکَ، لا أُوقی إلاّ مَا وَقَیتَ، وَ لا آخُذُ إلاّ مَا أعْطَیتَ، وَ قَدْ ذَکَرْتَ الْحَجَّ فَأسْأَلُکَ أنْ تَعْزِمَ لی عَلیهِ عَلی کِتابِکَ وَ سُنَّهِ نَبِیِّکَ صَلَواتُکَ عَلیهِ وَ آلِهِ، و تُقَوِّیَنی عَلی مَا ضَعُفْتُ، وَ تُسَلِّمَ لی مَناسِکی فی یُسر مِنْکَ وَ عافِیَه، وَ اجْعَلْنی مِن وَفْدِکَ الَّذی رَضِیْتَ وَ ارْتَضَیْتَ، وَ سَمَّیْتَ وَ کَتَبْتَ. اللّهُمَّ إنّی خَرَجْتُ مِنْ شُقَّه بَعیده، وَ أنْفَقْتُ مالی إبْتِغاءَ مَرْضاتِکَ. اللّهُمَّ فَتَمِّمْ لی حَجَّتی وَ عُمْرَتی. اللّهُمَّ إنّی اُریدُ الَّتَمَتُّعَ بِالعُمرَهِ إلی الحَجِّ، عَلی کِتابِکَ وَ سُنَّهِ نَبِیِّکَ، صَلَواتُکَ عَلَیهِ وَ آلِهِ، فَإن عَرَضَ لی عارِضٌ یَحْبِسُنی فَخَلِّنی حَیثُ حَبَسْتَنی، بِقَدَرِکَ الَّذی قَدَّرْتَ عَلَیّ. اللّهُمَّ إنْ لَمْ تَکُنْ حِجَّهً فَعُمرَهً اُحَرِّمُ لَکَ شَعْری وَ بَشَری وَ لَحْمی وَ دَمی وَ عِظامی وَ مُخّی وَ عَصَبِی مِنَ النِّساءِ وَ الثِّیابِ وَ الطّیبِ، أبْتَغی بِذلِکَ وَجْهَکَ وَ الدّارَ الآخِرَهَ». ۷- نیّت احرام را بر زبان جاری کند، و تنها به نیّت قلبی قناعت نکند، و برای مردان مستحبّ است تلبیه را بلند بگویند.

۸- سابقاً گفتیم که تلبیه واجب، که احرام به آن حاصل می شود، بنا بر احتیاط چنین است: «لَبَّیْکَ اللّهُمَّ لَبَّیکَ، لَبَّیْکَ لا شَریکَ لَکَ لَبَّیکَ، إنَّ الحَمْدَ وَ النِّعْمَهَ لَکَ وَ المُلْکَ، لا شَریکَ لَکَ». و مستحبّ است پس از آن بگوید: «لَبَّیْکَ ذَا الْمَعارِجِ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ داعِیاً اِلی دارِ السَّلام لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ غَفّارَ الذُّنُوبِ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ اَهْلَ التَّلْبِیَهِ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ ذَاالْجَلالِ وَ الْاِکْرام لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ تُبْدِئُ وَ الْمَعادُ اِلَیْکَ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ تَسْتَغْنی وَ یُفْتَقَرُ اِلَیْکَ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ مَرْغُوباً وَ مَرْهُوباً اِلَیْکَ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ اِلَهَ الْحَقِّ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ ذَا النَّعْماءِ وَ الْفَضْلِ الْحَسَنِ الْجَمیلِ لَبَّیْکَ،

لَبَّیْکَ کَشّافَ الْکَرَبِ العِظامِ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ عَبْدُکَ وَ ابْنُ عَبْدَیکَ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ یا کَرِیمُ لَبَّیْکَ». ۹- تلبیه ها را در حال احرام، و در موارد زیر تکرار کند: الف) هنگام برخواستن از خواب، ب) بعد از هر نماز واجب و مستحب، ج) وقت رسیدن به زوّار دیگر که سواره هستند، د) هنگام بالا رفتن از بلندی، یا سرازیر شدن از آن، ه) وقت سوار شدن یا پیاده شدن، و) در اوقات سحر تلبیه بسیار بگوید.

۱۰ زنان حائض و نفساء (زنی که وضع حمل کرده) نیز این تلبیه ها را بگویند. شخصی که عمره به جا می آورد تلبیه گفتن او در عمره مستمر خواهد بود تا خانه های مکّه را ببیند، و پس از آن قطع خواهد شد.

مکروهات احرام

مکروهات احرام چند چیز است: ۱- احرام در احرامی مشکی، و احتیاط ترک آن است، و بهتر احرام در جامه سفید است. ۲- احرام بستن در جامه چرکین، و اگر لباس احرام کثیف شود بهتر است مکلّف مادام که در حال احرام است آن را نشوید؛ ولی می تواند تبدیل کند. ۳- احرام بستن در جامه راه راه. ۴- استعمال حنا پیش از احرام.

مستحبّات دخول حرم

۱- برای تواضع و فروتنی در برابر خداوند متعال پا برهنه شده، و کفشهای خود را در دست گرفته، داخل حرم شود. این عمل ثواب زیادی دارد. ۲- هنگام دخول حرم این دعا را بخواند: «اَللّهُمَّ اِنَّکَ قُلْتَ فی کِتابِکَ وَ قَوْلُکَ الْحَقُّ: (وَ اَذِّنْ فی النّاسِ بِالْحَجِّ یَأْتُوکَ رِجالاً وَ عَلی کُلِّ ضامِرٍ یَأْتِینَ مِنْ کُلِّ فَجٍّ عَمِیق)اَللّهُمَّ اِنّی اَرْجُوا اَنْ أکُونَ مِمَّنْ اَجابَ دَعْوَتَکَ، وَ قَدْ جِئْتُ مِنْ شُقَّه بَعِیدَه وَ فَجٍّ عَمِیق، سامِعاً لِنِدآئِکَ، وَ مُسْتَجِیباً لَکَ، مُطِیعاً لِاَمْرِکَ، وَ کُلُّ ذلِکَ بِفَضْلِکَ عَلَیَّ وَ اِحْسانِکَ اِلَیَّ، فَلَکَ الْحَمْدُ عَلی ما وَفَّقْتَنی لَهُ، اَبْتَغی بِذلِکَ الزُّلْفَهَ عِنْدَکَ، وَ الْقُرْبَهَ اِلَیْکَ، وَ الْمَنْزِلَهَ لَدَیْکَ، وَ الْمَغْفِرَهَ لِذُنُوبی، وَ التَّوْبَهَ عَلَیَّ مِنْها بِمَنِّکَ. اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّد، وَ حَرِّمْ بَدَنی عَلَی النّارِ، وَ امِنّی مِنْ عَذابِکَ وَ عِقابِکَ، بِرَحْمَتِکَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمِینَ».

مستحبّات ورود به مکّه معظمه و آداب مسجد الحرام

۱ برای دخول به مکّه معظّمه غسل کردن مستحبّ است. ۲ هنگام ورود به مکّه، با حالت تواضع وارد شود.

۳ مستحبّ است برای دخول به مسجدالحرام غسل نماید. ۴ مستحبّ است با پای برهنه و با حالت سکینه و وقار وارد شود. ۵ بهتر است از باب السّلام که محاذی باب بنی شیبه سابق است وارد شده، و جلوی در مسجد الحرام ایستاده، و بگوید: «اَلسَّلامُ عَلَیْکَ اَیُّهَا النَّبِیُّ وَ رَحْمَهُ اللّهِ وَ بَرَکاتُهُ، بِسْمِ اللّهِ وَ بِاللّهِ وَ ما شآءَ اللّهُ، اَلسَّلامُ عَلی اَنْبیآءِ اللّهِ وَ رُسُلِهِ، اَلسَّلامُ عَلی رَسُولِ اللّهِ، صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ، اَلسَّلامُ عَلی اِبْراهِیمَ خَلیلِ اللّهِ، وَ الْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ». ۶ سپس داخل مسجدالحرام شود، و رو به کعبه دستها

را بلند نموده، بگوید: «اَللّهُمَّ إِنّی اَسْأَلُکَ فِی مَقامی هذا، وَ فی اَوَّلِ مَناسِکی اَنْ تَقْبَلَ تَوْبَتی، وَ اَنْ تَتَجاوَزَ عَنْ خَطِیئَتی، وَ اَنْ تَضَعَ عَنّی وِزْرِی. اَلْحَمْدُ لِلّهِ الَّذِی بَلَّغَنِی بَیْتَهُ الْحَرامَ. اَللّهُمَّ إِنِّی اَشْهَدُ اَنَّ هذا بَیْتُکَ الْحَرامُ الَّذِی جَعَلْتَهُ مَثابَةً لِلنّاسِ، وَ اَمْناً مُبارَکاً، وَ هُدیً لِلْعالَمِینَ. اَللّهُمَّ إِنّی عَبْدُکَ، وَ الْبَلَدَ بَلَدُکَ، وَ الْبَیْتَ بَیْتُکَ، جِئْتُ اَطْلُبُ رَحْمَتَکَ، وَ اَؤُمُّ طاعَتَکَ، مُطِیعاً لِاَمْرِکَ، راضِیاً بِقَدَرِکَ، اَسْأَلُکَ مَسْأَلَةَ الْفَقِیرِ اِلَیْکَ، الْخائِفِ لِعُقُوبَتِکَ. اَللّهُمَّ افْتَحْ لی اَبْوابَ رَحْمَتِکَ، وَ اسْتَعْمِلْنی بِطاعَتِکَ وَ مَرْضاتِکَ». و در روایت دیگر آمده که بر در مسجد چنین بگوید: «بِسْمِ اللّهِ وَ بِاللّهِ، وَ مِنَ اللّهِ وَ اِلَی اللّهِ وَ ما شآءَ اللّهُ، وَ عَلی مِلَّةِ رَسُولِ اللّهِ، صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ، وَ خَیْرُ الْاَسْمآءِ لِلّهِ، وَ الْحَمْدُ لِلّهِ، وَ السَّلامُ عَلی رَسُولِ اللّهِ، اَلسَّلامُ عَلی مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللّهِ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ اَیُّهَا النَّبِیُّ وَ رَحْمَةُ اللّهِ وَ بَرَکاتُهُ، اَلسَّلامُ عَلی اَنْبِیآءِ اللّهِ وَ رُسُلِهِ، اَلسَّلامُ عَلی خَلِیلِ الرَّحْمنِ، اَلسَّلامُ عَلَی الْمُرْسَلِینَ، وَ الْحَمْدُلِلّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ، اَلسَّلامُ عَلَیْنا وَ عَلی عِبادِ اللّهِ الصّالِحِینَ. اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ بارِکْ عَلی مُحمد و آلِ مُحمد، وَ ارْحَم مُحمداً و آلَ مُحَمَّدٍ، کَما صَلَّیْتَ وَ بارَکْتَ وَ تَرَحَّمْتَ علی إِبْراهِیمَ وَ آلِ إِبْراهِیمَ، إِنَّکَ حَمیدٌ مَجیدٌ. اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، عَبْدِکَ وَ رَسُولِکَ، اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی إِبْراهِیمَ خَلِیلِکَ، وَ عَلی أَنْبِیآءِکَ وَ رُسُلِکَ، وَ سَلِّمْ عَلَیْهِمْ، وَ سَلامٌ عَلَی الْمُرْسَلِینَ، وَ الْحَمْدُلِلّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ. اَللّهُمَّ افْتَحْ لِی أَبْوابَ رَحْمَتِکَ، وَ اسْتَعْمِلْنی فِی طاعَتِکَ وَ مَرْضاتِکَ، وَ احْفَظْنِی بِحِفْظِ الاِیمانِ اَبَداً ما اَبْقَیْتَنی، جَلَّ

ثَناءُ وَجْهِکَ، اَلْحَمْدُلِلّهِ الَّذی جَعَلَنی مِنْ وَفْدِهِ وَ زُوّارِهِ، وَ جَعَلَنی مِمَّنْ یَعْمُرُ مَساجِدَهُ، وَ جَعَلَنی مِمَّنْ یُناجیهِ. اَللّهُمَّ إِنی عَبْدُکَ، وَ زائِرُکَ فی بَیْتِکَ، وَ عَلی کُلِّ مَأْتِیٍّ حَقٌّ لِمَنْ أَتاهُ وَ زارَهُ، وَ أَنْتَ خَیْرُ مَأْتِیٍّ وَ أَکْرَمُ مَزُور، فَأَسْأَلُکَ یا اَللّهُ یا رَحْمنُ، بِأَنَّکَ أَنْتَ اللّهُ لا إِلهَ إِلاّ أَنْتَ، وَحْدَکَ لاشَریکَ لَکَ، بِأَنَّکَ واحِدٌ اَحِدٌ صَمَدٌ لَمْ تَلِدْوَ لَمْ تُولَدْ، وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُواً اَحِدٌ، وَ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُکَ وَ رَسُولُکَ، صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ عَلی أَهْلِ بَیْتِهِ، یا جَوادُ یا کَریمُ، یا ماجِدُ یا جَبّارُ یا کَریمُ، أَسْأَلُکَ أَنْ تَجْعَلَ تُحْفَتَکَ إِیّایَ بِزیارَتی إِیّاکَ، أَوَّلَ شَیْء تُعْطِینی فَکاکَ رَقَبَتی مِنَ النّارِ». سپس سه مرتبه می گوید: «أَللّهُمَّ فُکَّ رَقَبتی مِنَ النّارِ». سپس می گوید: «وَ أَوْسِعْ عَلَیَّ مِنْ رِزْقِکَ الْحَلالِ الطَّیِّبِ، وَ ادْرَأْعَنّی شَرَّ شَیاطِیْنِ الْجِنِّ وَالإِنْسِ،وَشَرَّ فَسَقَهِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَم». ۷ مستحبّ است وقتی که به محاذات حجرالأسود رسید بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لا إِلهَ إِلاَّ اللّهُ وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ، وَ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، آمَنْتُ بِاللّهِ، وَ کَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَ الطّاغُوتِ وَ اللاّتِ وَ الْعُزّی، وَ بِعِبادَهِ الشَّیْطانِ، وَ بِعِبادِهِ کُلِّ نِدٍّ یُدْعی مِنْ دُونِ اللّهِ». ۸ سپس نزدیک حجرالأسود رفته، و بگوید: «أَلْحَمْدُ لِلّهِ الَّذی هَدانا لِهذا، وَ ما کُنّا لِنَهْتَدِیَ لَوْ لا أَنْ هَدانَا اللّهُ. سُبْحانَ اللّهِ، وَ الْحَمْدُ لِلّهِ، وَ لا إِلهَ إِلاَّ اللّهُ، وَ اللّهُ أَکْبَرُ، اَللّهُ أَکْبَرُ مِنْ خَلْقِهِ، وَ اللّهُ أَکْبَرُ مِمّا أَخْشی وَ اَحْذَرُ. لا إِلهَ إِلاَّ اللّهُ، وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ، لَهُ الْمُلْکُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، یُحْیی وَ یُمیتُ، وَ یُمیتُ وَ یُحْیی، وَ هُوَ حَیٌّ لا یَمُوتُ،

بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَ هُوَ عَلى كُلِّ شَيْء قَديرٌ». ۹ صلوات بر پيغمبر و آل او عليهم السلام بفرستد، و سلام بر پيغمبران بدهد، همان گونه كه هنگام دخول مسجد سلام مى دهد. ۱۰ سپس بگويد: «إنِّى اُؤمِنُ بِوَعدِكَ وَ أوُفى بِعَهْدِكَ». ۱۱ در روايت معتبر آمده است: هنگامى كه نزديك حجرالأسود رسيدى دستهاى خود را بلند كن، و حمد و ثناى إلهى به جا آور، و بر پيامبر اسلام (صلى الله عليه و آله)صلوات بفرست، و از خداوند عالم بخواه كه حجّ تو را قبول كند. پس از آن، در صورت امكان حَجَر را بوسيده، و اگر بوسيدن ممكن نشد با دست لمس كن، و اگر آن هم ممكن نشد اشاره به آن كن، و بگو: «أَللّهُمَّ أَمانَتى أَدَّيْتُها، وَ ميثاقى تَعاهَدْتُهُ، لِتَشْهَدَ لى بِالْمُوفاهِ. أَللّهُمَّ تَصْديقاً بِكِتابِكَ، وَ عَلى سُنَّهِ نَبِيِّكَ، صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، أَشْهَدُ أَنْ لا اِلهَ إلاَّ اللّهُ، وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ، وَ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، آمَنْتُ بِاللّهِ، وَ كَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَ الطّاغُوتِ وَ اللاّتِ وَ الْعُزّى، وَ عِبادَهِ الشَّيْطانِ، وَ عِبادَهِ كُلِّ نِدٍّ يُدْعى مِنْ دُونِ اللّهِ».

آداب و مستحبّات طواف

انجام اعمال زير در حال طواف مستحبّ است: ۱ «اَللّهُمَّ اِنّى أَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذى يُمْشى بِهِ عَلى ظَلَلِ الْمآءِ، كَما يُمْشى بِهِ عَلى جُدَدِ الأرْضِ، وَ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذى يَهْتَزُّلَهُ عَرْشُكَ، وَ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الّذى تَهْتَزُّ لَهُ اَقْدامُ مَلائِكَتِكَ، وَ اَسْئَلُكَ بِاسمِكَ الَّذى دَعاكَ بِهِ مُوسى مِنْ جانِبِ الطُّورِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ، وَاَلْقَيْتَ عَلَيْهِ مَحَبَّهً مِنْكَ، وَ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذى غَفَرْتَ بِه لِمُحَمَّد صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ ما تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ ما تَأَخَّرَ، وَ اَتْمَمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ، اَنْ تَفْعَلَ بى

کَذا وَ کذا»، و به جای «کذا و کذا» حاجت خود را از خداوند متعال بخواهد. ۲ مستحبّ است هنگام طواف بگوید: «اَللّهُمَّ اِنّی اِلَیْکَ فَقیْرٌ، وَ اِنّی خآئِفٌ مُسْتَجیرٌ، فَلا تُغَیِّرْ جِسْمی، وَ لاتُبَدِّلْ اِسْمی». ۳ صلوات بر محمّد و آل او بفرستد، به خصوص هنگامی که به در خانه کعبه رسید. ۴ هنگامی که به حجر اسماعیل رسید، به ناودان نگاه کند و بگوید: «اَللّهُمَّ اَدْخِلْنِی الْجَنَّهَ، وَ اَجِرْنی مِنَ النّارِ بِرَحْمَتِکَ، وَ عافِنی مِنَ السُّقْمِ، وَ اَوْسِعْ عَلَیَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلالِ، وَ ادْرَأْ عَنّی شَرَّ فَسَقَهِ الْجِنِّ وَ الإنْسِ، وَ شَرَّ فَسَقَهِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَم». ۵ به هنگام عبور از حجر بگوید: «یا ذَا المَنِّ وَ الطَّوْلِ، یا ذَا الْجُودِ وَ الْکَرَم، اِنَّ عَمَلی ضَعیفٌ، فَضاعِفْهُ لی، وَ تَقَبَّلْهُ مِنّی، اِنَّکَ اَنْتَ السَّمیعُ الْعَلیمُ». ۶ هنگامی که به رکن یمانی برسد دستها را بلند کند، و بگوید:

«یا اَللّهُ یا وَلِیَّ الْعافِیَهِ، وَ خالِقَ الْعافِیَهِ، وَ رازِقَ الْعافِیَهِ، وَ الْمُنْعِمَ بِالْعافِیَهِ، وَ الْمَنّانُ بِالْعافِیَهِ، وَ الْمُتَفَضِّلَ بِالْعافِیَهِ عَلَیَّ وَ عَلی جَمیعِ خَلْقِکَ، یا رَحْمنَ الدُّنْیا وَ الآخِرَهِ وَ رَحِیمَهُما، صَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّد، وَ ارْزُقْنا الْعافِیَهَ، وَ تَمامَ الْعافِیَهِ وَ شُکْرَ الْعافِیَهِ، فِی الدُّنْیا وَ الآخِرَهِ، یا اَرْحَمَ الرّاحِمِینَ». ۷ سپس سر را به سمت کعبه کند، و بگوید: «اَلْحَمْدُلِلّهِ الَّذِی شَرَّفَکِ وَ عَظَّمَکِ، وَ الْحَمْدُلِلّهِ الَّذی بَعَثَ مُحَمَّداً نَبِیّاً وَ جَعَلَ عَلِیّاً اِماماً. اَللّهُمَّ اهْدِ لَهُ خِیارَ خَلْقِکَ، وَ جَنِّبْهُ شِرارَ خَلْقِکَ». ۸ هنگامی که بین رکن یمانی و حجرالأسود رسید، بگوید: (رَبَّنا آتِنا فِی الدُّنْیا حَسَنَهً، و فِی الآخِرَهِ حَسَنَهً، وَ قِنا عَذابَ النّار). ۹ در شوط هفتم،

وقتی که به مستجار(۱) رسید، مستحبّ است در صورت امکان دو دست خود را بر دیوار خانه بگشاید، و شکم و صورت خود را به دیوار کعبه بچسباند، و بگوید:

«اَللّهُمَّ الْبَیْتُ بَیْتُکَ، وَالْعَبْدُ عَبْدُکَ، وَ هذا مَکانُ الْعائِذِ بِکَ مِنَ النّارِ».

۱۰ سپس به گناهان خود اعتراف نموده، و از خداوند عالم آمرزش بطلبد که انشاءاللّه تعالی مستجاب خواهد شد، بعد بگوید: «اَللّهُمَّ مِنْ قِبَلِکَ الرَّوْحُ وَ الْفَرَجُ وَ الْعافِیَهُ، اَللّهُمَّ اِنَّ عَمَلِی ضَعِیفٌ فَضاعِفْهُ لِی، وَ اغْفِرْ لِی مَااطَّلَعْتَ عَلَیْهِ مِنّی وَ خَفِیَ عَلی خَلْقِکَ، اَسْتَجِیرُ بِاللّهِ مِنَ النّار». ۱۱ و هرچه خواهد دعا کند، و دست بر رکن یمانی که قبل از رکن حجرالاسود قرار دارد بگذارد، سپس نزد حجرالأسود آمده، و طواف خود را تمام کند، و بگوید: «اَللّهُمَّ قَنِّعْنی بِما رَزَقْتَنی، وَ بارِکْ لی فیما آتَیْتَنی». ۱۲ برای طواف کننده مستحبّ است در هر شوط ارکان خانه کعبه (چهار گوشه آن)، و حجرالاسود را استلام نماید.(۲) و در وقت استلام حجر بگوید: «أمانَتی أدَّیْتُها، وَ میثاقی تَعاهَدْتُهُ، لِتَشْهَدَ لی بِالْمُوافاهِ».

۱ . مستجار، پشت کعبه نزدیک رکن یمانی برابر در خانه کعبه واقع شده است. ۲ . منظور از استلام لمس کردن آن است.

دعاهای اشواط طواف

خواندن دعاهای زیر در هر یک از شوطهای طواف به ترتیبی که می آید، شایسته است: شوط اوّل لا إِلهَ إِلَّا اللّهُ إِلهاً واحِداً وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ، لا إِلهَ إِلَّا اللّهُ وَ لا نَعْبُدُ إِلّا إِیّاهُ، مُخْلِصینَ لَهُ الدّینَ، وَ لَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ، لا إِلهَ إِلَّا اللّهُ رَبُّنا وَ رَبُّ آبائِنَا االأَوَّلینَ، لا إِلهَ إِلَّا اللّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ، أَنْجَزَ وَعْدَهُ،

وَ نَصَرَ عَبْدَهُ، وَ أَعَزَّ جُنْدَهُ، وَ هَزَمَ الأحْزابَ وَحْدَهُ، فَلَهُ الْمُلْکَ وَ لَهُ الْحَمْدُ، يُحْيى وَ يُميتُ وَ يُميتُ وَ يُحْيى وَ هُوَ حَيٌّ لا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَ هُوَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ، أَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّد، رَبَّنا آتِنا فِی الدُّنْيا حَسَنَةً، وَ فِی الآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنا عَذابَ النّارِ، وَ صَلَّى اللّهُ عَلى سَيِّدِنا مُحَمَّد وَآلِهِ الأَطْهارِ. شوط دوّم أَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّد، أَللّهُمَّ اهْدِنی مِنْ عِنْدِکَ، وَ أَفِضْ عَلَیَّ مِن فَضْلِکَ، وَ انْشُرْ عَلَیَّ مِنْ رَحْمَتِکَ، وَ أَنْزِلْ عَلَیَّ مِنْ بَرَكاتِکَ، سُبْحانَکَ لا إِلهَ إِلاّ أَنْتَ، إِغْفِرْ لی ذُنُوبی كُلَّها جَميعاً، فَإِنَّهُ لا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلاّ أَنْتَ، أَللّهُمَّ إِنّی أَسْئَلُکَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَحاطَ بِهِ عِلْمُکَ، وَ أَعوُذُ بِکَ مِنْ كُلِّ شَرٍّ أَحاطَ بِهِ عِلْمُکَ، أَللّهُمَّ إِنّی أَسْئَلُکَ عافِيَتَکَ فی أُمُوری كُلِّها، وَ أَعوُذُ بِکَ مِنْ خِزْيِ الدُّنْيا وَ عَذابِ االْاخِرَةِ، وَ أَعوُذُ بِوَجْهِکَ الْكَريمِ، وَ عِزَّتِکَ الَّتی لا تُرامُ، وَ قُدْرَتِکَ الَّتی لا يَمْتَنِعُ مِنْها شَيْءٌ، مِنْ شَرِّ الدُّنْيا وَ الْاخِرَةِ، وَ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إِلاّ بِاللّهِ الْعَلِیِّ الْعَظيمِ. شوط سوّم أَللّهُمَّ إِنّی أَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ الْمَكْنُونِ الْمخزوُنِ الطّاهِرِ الطُّهْرِ الْمُبارَکِ، وَ أَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ الْعَظيمِ، وَ سُلْطانِکَ الْقَديمِ، يا واهِبَ الْعَطايا، وَ يا مُطْلِقَ الأُساری، وَ يا فَكّاکَ الرِّقابِ مِنَ النّارِ، أَسْئَلُکَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلى مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّد، وَ أَنْ تُعْتِقَ رَقَبَتی مِنَ النّارِ، وَ أَنْ تُخْرِجَنی مِنَ الدُّنْيا سالِماً، وَ تُدْخِلَنی الْجَنَّةَ آمِناً، وَ أَنْ تَجْعَلَ دُعائی أَوَّلَهُ فَلاحاً، وَ أَوْسَطَهُ نَجاحاً، وَ آخِرَهُ صَلاحاً، إِنَّکَ أَنْتَ عَلاّمُ الْغُيُوْبِ. شوط چهارم أَللّهُمَّ إِنَّ مَغْفِرَتَکَ أَرْجی مِنْ عَمَلی، وَ إِنَّ رَحْمَتَکَ

أَوْسَعُ مِنْ ذَنْبی، أَللّهُمَّ إِنْ کانَ ذَنْبی عِنْدَکَ عَظیماً فَعَفْوُکَ أَعْظَمُ مِنْ ذَنْبی، أَللّهُمَّ إِنْ لَمْ أَکُنْ أَهْلا أَنْ أَبْلُغَ رَحْمَتَکَ، فَرَحْمَتُکَ أَهْلٌ أَنْ تَبْلُغَنی وَ تَسَعَنی، لاِنَّها وَسِعَتْ کُلَّ شَیْء، بِرَحْمَتِکَ یا أَرْحَمَ الرّاحِمینَ. سُبْحانَ مَنْ لا یَعْتَدی عَلی أَهْلِ مَمْلِکَتِهِ، سُبْحانَ مَنْ لا یَأْخُذُ أَهْلَ الأَرْضِ بِأَلْوانِ الْعَذابِ، سُبْحانَ الرَّؤُوفِ الرَّحیم. أَللّهُمَّ اجْعَلْ لی فی قَلْبی نُوراً وَ بَصَراً وَ فَهْماً وَ عِلْماً، إِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْء قَدیر. شوط پنجم لا إِلهَ إِلاَّ اللّهُ الْعَظیمُ الْحَلیمُ، لا إِلهَ إِلاَّ اللّهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْکَریم، أَلْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعالَمینَ. أَللّهُمَّ إِنّی أَسْئَلُکَ مُوجِباتِ رَحْمَتِکَ، وَ عَزائِمَ مَغْفِرَتِکَ، وَ الْغَنیمَهَ مِنْ کُلِّ بِرّ، وَ السَّلامَهَ مِنْ کُلِّ إِثْم. أَللّهُمَّ لاتَدَعْ لی ذَنْباً إِلاّ غَفَرْتَهُ، وَ لا هَمّاً إِلاّ فَرَّجْتَهُ، وَ لا سُقْماً إِلاّ شَفَیْتَهُ، وَ لا عَیْباً إِلاّ سَتَرْتَهُ، وِ لا رِزْقاً إِلاّ بَسَطْتَهُ، وَ لا خَوْفاً إِلاّ آمَنْتَهُ، وَ لا سُوءً إِلاّ صَرَفْتَهُ، وَ لا حاجَهً هِیَ لَکَ رِضاً، وَلِیَ فیها صَلاحٌ إِلاّ قَضَیْتَها، یا أَرْحَمَ الرّاحِمینَ، آمینَ رَبَّ الْعالَمینَ. شوط ششم

أَسْتَغْفِرُ اللّهَ الَّذی لا إِلهَ إِلاّ هُوَ الْحَیُّ الْقَیّوُمُ، الرَّحْمنُ الرَّحیم، ذُو الْجَلالِ وَ الإِکْرام، وَ أَسْأَلُهُ أَنْ یَتُوبَ عَلَیَّ تَوْبَهَ عَبْد ذَلیل خاضِع فَقیر بائِس مِسْکین مُسْتَکین مُسْتَجیر، لا یَمْلِکُ لِنَفْسِهِ نَفْعاً وَ لا ضَرّاً وَ لا مَوْتاً وَ لا حَیوهً وَ لا نُشوراً، أَللّهُمَّ إِنّی أَعوُذُ بِکَ مِنْ نَفْس لا تَشْبَعُ، وَ مِنْ قَلْب لا یَخْشَعُ، وَ مِنْ عِلْم لا یَنْفَعُ، وَ مِنْ صَلوه لا تُرْفَعُ، وَ مِنْ دُعاء لا یُسْمَعُ، أَللَّهُمَّ إِنّی أَسْئَلُکَ الْیُسْرَ بَعْدَ الْعُسْرِ، وَ الْفَرَجَ بَعْدَ الْکَرْبِ، وَ الرَّخاءَ بَعْدَ الشِّدَّهِ، أَللّهُمَّ ما بِنا مِنْ نِعْمَه فَمِنْکَ،

لا إِلهَ إِلّا أَنْتَ، أَسْتَغْفِرُکَ وَ أَتوُبُ إِلَيْکَ. شوط هفتم أَللّهُمَّ إِنّی أَسْئَلُکَ بِوَجْهِکَ الْکَریم، وَ اسْمِکَ الْعَظیم، وَ مُلْکِکَ الْقَدیم، أَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّد وَ آلِهِ، وَ أَنْ تَغْفِرَلی ذَنْبِیَ الْعَظیم، إِنَّهُ لا یَغْفِرُ الْعَظیمَ إِلاَّ الْعَظیمُ، أَللَّهُمَّ إِنّی أَسْئَلُکَ مُوجِباتِ رَحْمَتِکَ، وَ عَزائِمَ مَغْفِرَتِکَ، وَ النَّجاهَ مِنَ النّارِ وَ مِنْ کُلِّ، بَلِیَّه، وَ الْفَوْزَ بِالْجَنَّهِ، وَ الرِّضْوانِ فی دارِ السَّلام، وَ جِوارِ نَبِیِّکَ مُحَمَّد عَلَیْهِ وَ آلِهِ السَّلامُ، أَللّهُمَّ ما بِنا مِنْ نِعْمَه فَمِنْکَ، لا إِلهَ إِلاّ أَنْتَ، أَسْتَغْفِرُکَ وَ أَتوُبُ إِلَيْکَ. أَللّهُمَّ إِنّی أَسْأَلُکَ بِحَقِّ مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّد عَلَيْکَ، صَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّد، وَ اجْعَلِ النّوُرَ فی بَصَری، وَ الْبَصیرَهَ فی دینی، وَ الْيَقينَ فی قَلْبی، وَ الإِخْلاصَ فی عَمَلی، وَالسَّلامَهَ فی نَفْسی، وَ السَّعَهَ فی رِزْقی، وَالشُّکْرَ لَکَ أَبَداً ما أَبْقَیْتَنی،بِرَحْمَتِکَ یا أَرْحَمَ الرّاحِمینَ. البتّه انجام بسیاری از این امور در این ایام امکان پذیر نیست، و موجب مزاحمت برای زوّار است، آنچه می تواند و مزاحمت ندارد، انجام دهد.

مستحبّات نماز طواف

مستحب است امور زیر را در نماز طواف به قصد رجا بجا آورد: ۱ پس از قرائت سوره حمد، در رکعت اوّل «سوره توحید»، و در رکعت دوم «سوره قل یا ایّها الکافرون» را بخوانـد. ۲ پس از نماز، حمـد و ثنای الهی را به جا آورده، و صلوات بر محمّد و آل محمّد بفرستد، و از خداوند عالم طلب قبول نماید. ۳ در بعضی از روایات آمده، که حضرت صادق(علیه السلام)بعد از نماز طواف به سجده رفته، و چنین راز و نیاز می کردند:

«سَجَدَ لَکَ وَجْهی تَعَبُّداً وَرِقّاً، لااِلهَ اِلاّ اَنْتَ حَقّاً حَقّاً، الْاَوَّلُ قَبْلَ

کُلِّ شَیْء، وَ الْاخِرُ بَعْدَ کُلِّ شَیْء، وَ ها اَنَا ذابَیْنَ یَدَیکَ ناصِیَتِی بِیَدِکَ، فَاغْفِرْلِی، اِنَّهُ لایَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِیمَ غَیْرُکَ، فَاغْفِرْلِی، فَإنِّی مُقِرٌّ بِذُنُوبِی عَلی نَفْسِی، وَ لایَدْفَعُ الذَّنْبَ الْعَظِیمَ غَیْرُکَ». و پس از سجده آثار گریه و زاری بر چهره مبارک آن حضرت ظاهر بود. ۴ پس از انجام نماز طواف، و پیش از سعی مستحبّ است نزد زمزم رفته، و کمی آب بر سر و پشت و شکم خود بریزد، و بگوید: «اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْماً نَافِعاً،وَ رِزقاً واسِعاً،وَشِفاءً مِنْ کُلِّ داء وَ سُقْم».

مستحبّات سعی

پس از نماز طواف نزد حجرالأسود بیاید، و مستحبّ است از درِ محاذی حجرالأسود به سوی صفا برود، و با آرامش بالای صفا رفته، و به خانه کعبه نظر کند، و به رکنی که حجرالأسود در آن است رو نماید، و حمد و ثنای الهی را به جا آورد، و نعمتهای خداوند را در نظر بگیرد، سپس این أذکار را بگوید: «اَللّهُ أَکْبَرُ» هفت مرتبه. «اَلْحَمْدُلِلّهِ» هفت مرتبه. «لا إلهَ إلاَّ اللّهُ» هفت مرتبه. «لا إلهَ إلاَّ اللّهُ وَحْدَهُ لاشَریکَ لَهُ، لَهُ الْمُلْکُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، یُحْیی وَ یُمیتُ، وَ هُوَ حَیٌّ لایَمُوتُ، بِیَدِهِ الْخَیْرُ، وَ هُوَ عَلی کُلِّ شَئ قَدیرٌ» سه مرتبه. سپس سه مرتبه صلوات بر محمّد و آل محمّد بفرستد، و بگوید: «اَللّهُ أَکْبَرُ عَلی ما هَدانا، وَ الْحَمْدُلِلّهِ عَلی ما اَبْلانا، وَ الْحَمْدُلِلّهِ الْحَیِّ القَیُّوم، وَ الْحَمْدُلِلّهِ الْحَیِّ الدّآئم» و سه مرتبه آن را تکرار کند. پس از آن سه مرتبه بگوید: «اَشْهَدُ اَنْ لا إلهَ إلاَّ اللّهُ، وَ اَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، لا نَعْبُدُ إلاَّ إیّاهُ، مُخْلِصینَ لَهُ الدّینَ، وَ لَوْ کَرِهَ المُشْرِکُونَ».

سپس سه مرتبه بگوید: «أَللّهُمَّ إنّی أسْئَلُکَ الْعَفْوَ وَ الْعافِیَهَ، وَالیَقینَ فی الدُّنْیا وَالآخِرَهِ». سپس سه مرتبه بگوید: «اَللّهُمَّ آتِنا فِی الدُّنْیا حَسَنَهً، وَ فِی الآخِرَهِ حَسَنَهً، وَ قِنا عَذابَ النّارِ».

سپس صد مرتبه «اَللّهُ أَکْبَرُ»، صد مرتبه «لا إلهَ إلاَّ اللّهُ»، صد مرتبه «اَلْحَمْدُلِلّهِ»، و صد مرتبه «سُبْحانَ اللّهِ» بگوید. سپس بگوید: «لا إلهَ إلاَّ اللّهُ، وَحْدَهُ وَحْدَهُ، أنْجَزَ وَعْدَهُ، و نَصَرَ عَبْدَهُ، وَ غَلَبَ الأَحْزابَ وَحْدَهُ، فَلَهُ المُلْکُ وَ لَهُ الْحَمْدُ وَحْدَهُ، اَللّهُمَّ بارِکْ لی فی الْمَوْتِ، وَ فیما بَعْدَالمَوتِ، اَللّهُمَّ إنّی اَعُوذُ بِکَ مِنْ ظُلْمَهِ الْقَبْرِ وَ وَحْشَتِهِ، اَللّهُمَّ اَظِلَّنی فی ظِلِّ عَرْشِکَ، یَوْمَ لاظِلَّ إلاّ ظِلُّکَ». «اَسْتَوْدِعُ اللّهَ الرَّحْمنَ الرَّحیمَ الَّذی لاتَضیعُ وَدایِعَهُ، دینی وَ نَفْسی وَ أَهْلی. اَللّهُمَّ اسْتَعْمِلْنی عَلی کِتابِکَ، وَ سُنَّهِ نَبِیِّکَ، وَ تَوَفَّنی عَلی مِلَّتِهِ، وَ اَعِذْنی مِنَ الْفِتْنَهِ». سپس سه مرتبه بگوید: «اَللّهُ أَکْبَرُ» و اگر قادر بر انجام تمام این عمل نباشد، هر قدر که می تواند بخواند. و نیز مستحبّ است که این دعا را بخواند: «اَللّهُمَّ اغْفِرْ لی کُلَّ ذَنْب أذْنَبْتُهُ قَطُّ، فَإنْ عُدْتُ فَعُدْ عَلَیَّ بِالْمَغْفِرهِ، فَإنَّکَ أنْتَ الغَفُورُ الرَّحیمُ. اَللّهُمَّ افْعَلْ بی ما أَنْتَ أَهْلُهُ، فَإنَّکَ إنْ تَفْعَلْ بی ما أنْتَ أهْلُهُ تَرْحَمْنی، وَ إنْ تُعَذِّبْنی فَأَنْتَ غَنِیٌّ عَنْ عَذابی، وَ أَنَا مُحْتاجٌ إلی رَحْمَتِکَ، فَیامَنْ

اَنا مُحْتاجٌ إلی رَحْمَتِهِ إرْحَمْنی. اَللّهُمَّ لاتَفْعَلِ بی ما اَنَا اَهْلُهُ، فَإنَّکَ إنْ تَفْعَلْ بی ما اَنَا أهْلُهُ تُعَذِّبْنی وَ لم تَظْلِمْنی، اَصْبَحْتُ اَتَّقی عَدْلَکَ وَ لاأَخافُ جَوْرَکَ، فَیامَنْ هُوَ عَدْلٌ لا یَجُورُ اِرْحَمْنی».

دعاهای اشواط سعی

خواندن دعاهای زیر در هر یک از دورهای سعی، به ترتیبی که می آید، شایسته است: دور اوّل (از صفا

به مروه) اَللّهُ اَکْبَرُ کَبیراً، وَ الْحَمْدُ لِلّهِ کَثیراً، وَ سُبْحانَ اللّهِ الْعَظیمِ وَ بِحَمْدِهِ الْکَریمِ بُکْرَةً وَ أَصیلا، وَ مِنَ اللَّیْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَیْلا طَویلا، لا اِلهَ اِلاَّ اللّهُ وَحْدَهُ، اَنْجَزَ وَعْدَهُ، وَ نَصَرَ عَبْدَهُ، وَ هَزَمَ الْاَحْزابَ وَحْدَهُ، لا شَیْءَ قَبْلَهُ وَ لا بَعْدَهُ، یُحْیی وَ یُمیتُ، وَ هُوَ حَیٌّ لا یَمُوتُ وَ لا یَفُوتُ أَبَداً، بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَ اَلَیْهِ الْمَصیرُ، وَ هُوَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ. رَبِّ اغْفِرْ وَ ارْحَمْ، وَ اعْفُ وَ تَکَرَّمْ، وَ تَجاوَزْ عَمّا تَعْلَمْ، اِنَّکَ تَعْلَمُ ما لا نَعْلَمُ، اِنَّکَ اَنْتَ اللّهُ الْاَعَزُّ الْاَکْرَمُ، رَبِّ نَجِّنا مِنَ النّارِ سالِمینَ غانِمینَ، فَرِحینَ مُسْتَبْشِرینَ، مَعَ عِبادِکَ الصّالِحینَ، مَعَ الَّذینَ اَنْعَمَ اللّهُ عَلَیْهِمْ مِنَ النَّبِیّینَ وَ الصِّدّیقینَ، وَ الشُّهَداءِ وَ الصّالِحینَ، وَ حَسُنَ اُولئِکَ رَفیقاً، ذلِکَ الْفَضْلُ مِنَ اللّهِ، وَ کَفی بِاللّهِ عَلیماً، لا اِلهَ اِلاّ اللّهُ، حَقّاً حَقّاً، لا اِلهَ اِلاَّ اللّهُ، وَ لا نَعْبُدُ اِلاّ اِیّاهُ، مُخْلِصینَ لَهُ الدّینُ، وَ لَوْ کَرِهَ الْکافِرُونَ. و نزدیک مروه این آیه خوانده می شود: اِنَّ الصَّفا وَ الْمَرْوَةَ مِنْ شَعائِرِ اللّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَیْتَ اَوِ اعْتَمَرَ فَلا جُناحَ عَلَیْهِ اَنْ یَطَّوَّفَ بِهِما، وَ مَنْ تَطَوَّعَ خَیْراً فَاِنَّ اللّهَ شاکِرٌ عَلیمٌ. دور دوّم (از مروه به صفا) اَللّهُ اَکْبَرُ اَللّهُ اَکْبَرُ، اَللّهُ اَکْبَرُ وَ لِلّهِ الْحَمْدُ، لا اِله اِلاَّ اللّهُ الْوحِدُ الْاَحَدُ، الْفَرْدُ الصَّمَدُ، الَّذی لَمْ یَتَّخِذْ صاحِبَةً وَ لا وَلَداً، وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ شَریکٌ فِی الْمُلْکِ، وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ، وَ کَبِّرْهُ تَکْبیراً. اَللّهُمَّ اِنَّکَ قُلْتَ فِی کِتابِکَ الْمُنْزَلِ: «اُدْعُونِی اَسْتَجِبْ لَکُمْ»، دَعَوْناکَ رَبَّنا فَاغْفِرْ لَنا کَما اَمَرْتَنا، اِنَّکَ لا تُخْلِفُ الْمیعادَ، رَبَّنا اِنَّنا سَمِعْنا مُنادِیاً یُنادِی

لِلْایمـانِ اَنْ آمِنُوا بِرَبِّکُمْ فَآمَنّا، رَبَّنـا فَاغْفِرْ لَنا ذُنُوبَنا وَ کَفِّرْ عَنّا سَیِّئاتِنا وَ تَوَفَّنا مَعَ الْاَبْرارِ، رَبَّنا وَ آتِنا ما وَعَدْتَنا عَلی رُسُلِکَ وَ لا تُخْزِنـا یَوْمَ الْقِیـامَهِ اِنَّکَ لاـ تُخْلِفُ الْمیعادَ، رَبَّنا عَلَیْکَ تَوَکَّلْنا وَ اِلَیْکَ اَنَبْنا وَ اِلَیْکَ الْمَصـیرُ، رَبَّنَا اغْفِرْ لَنا وَ لِاِخْوانِنَا الَّذینَ سَبَقُونا بالْاِیمـانِ، وَ لاـ تَجْعَـلْ فِی قُلُوبِنـا غِلاـ لِلَّذِینَ آمَنُوا، رَبَّنـا اِنَّکَ رَؤُفٌ رَحِیمٌ، رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ، وَاعْفُ وَ تَکَرَّمْ، وَ تَجاوَزْ عَمّا تَعْلَمُ، اِنَّکَ تَعْلَمُ مـا لاـ نَعْلَمُ، اِنَّکَ اَنْتَ اللّهُ الاَْعَزُّ الاَکْرَمُ. اِنَّ الصَّفا وَ الْمَرْوَهَ مِنْ شَعائِرِ اللّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَیْتَ، اَوِ اعْتَمَرَ فَلا جُناحَ عَلَیْهِ اَنْ یَطَّوَفَ بِهِمـا، وَ مَنْ تَطَوَّعَ خَیْراً فَـاِنَّ اللّهَ شـاکِرٌ عَلِیمٌ. دور سوّم اَللّهُ اَکْبَرُ اَللّهُ اَکْبَرُ، اَللّهُ اَکْبَرُ وَ لِلّهِ الْحَمْـدُ، رَبَّنا اَتْمِمْ لَنا نُورَنا وَ اغْفِرْ لَنـا، اِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ. اَللّهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ الْخَیْرَ کُلَّهُ، عاجِلَهُ وَ آجِلَهُ، وَ اَسْتَغْفِرُکَ لِذَنْبِی، وَ اَسْئَلُکَ رَحْمَتَکَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمِینَ. رَبِّ اغْفِرْ وَ ارْحَمْ، وَ اعْفُ وَ تَکَرَّمْ، وَ تَجـاوَزْ عَمّـا تَعْلَمُ، اِنَّکَ تَعْلَمُ مـا لا نَعْلَمُ، اِنَّکَ اَنْتَ اللّهُ الاَْعَزُّ الاَْکْرَمُ، رَبِّ زِدْنِی عِلْماً، وَ لا تُزِغْ قَلْبِی بَعْـدَ اِذْ هَـدَیْتَنِی، وَهَبْ لِی مِنْ لَـدُنْکَ رَحْمَهً، اِنَّکَ اَنْتَ الْوَهّابُ. اَللّهُمَّ عافِنِی فِی سَـمْعِی وَ بَصَـرِی، لا اِلهَ اِلاّ اَنْتَ، سُبْحانَکَ اِنِّی کُنْتُ مِنَ الظّالِمِینَ. اَللّهُمَّ اِنِّی اَعُوذُ بِکَ مِنَ الْکُفْرِ وَ الْفَقْرِ، اَللّهُمَّ اِنِّی اَعُوذُ بِرِضاکَ مِنْ سَخَطِکَ، وَ بِمُعافاتِکَ مِنْ عُقُوبَتِکَ، وَ اَعُوذُ بِکَ مِنْکَ لا اُحْصِی ثَناءً عَلَیْکَ، اَنْتَ کَما اَثْنَیْتَ عَلی نَفْسِکَ، فَلَکَ الْحَمْدُ حَتّی تَرْضی. اِنَّ الصَّفا وَ الْمَرْوَهَ مِنْ شَعائِرِ اللّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَیْتَ اَوِ اعْتَمَرَ فَلا جُناحَ عَلَیْهِ اَنْ یَطَّوَفَ

بِهِما، وَ مَنْ تَطَّوَعَ خَيْراً فَاِنَّ اللّهَ شاكِرٌ عَلِيمٌ. دور چهارم اَللّهُ اَكْبَرُ اَللّهُ اَكْبَرُ، اَللّهُ اَكْبَرُ وَ لِلّهِ الْحَمْدُ، اَللّهُمَّ اِنِّى اَسْئَلُكَ مِنْ خَيْرِ ما تَعْلَمُ، وَ اَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ ما تَعْلَمُ، وَ اَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ ما تَعْلَمُ، وَ اَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ ما تَعْلَمُ، وَ اَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ ما تَعْلَمُ، اِنَّكَ اَنْتَ عَلاّمُ الْغُيُوبِ، لا اِلهَ اِلاَّ اللّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّهِ الصّادِقُ الْوَعْدِ الْاَمِينُ. اَللّهُمَّ اِنِّى اَسْئَلُكَ كَما هَدَيْتَنِى لِلْاِسْلامِ اَنْ لا تُنْزِعَهُ مِنِّى، حَتّى تَتَوَفّانِى عَلَيْهِ وَ اَنَا مُسْلِمٌ. اَللّهُمَّ اجْعَلْ فِى قَلْبِى نُوراً، وَ فِى سَمْعِى نُوراً، وَ فِى بَصَرِى نُوراً. اَللّهُمَّ رَبِّ اشْرَحْ لِى صَدْرِى، وَ يَسِّرْلِى اَمْرِى، وَ اَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ وَساوِسِ الصَّدْرِ، وَ شَتاتِ الْاَمْرِ، وَ فِتْنَهِ الْقَبْرِ. اللّهُمَّ اِنِّى اَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ ما يَلِجُ فِى اللَّيْلِ، وَ مِنْ شَرِّ ما يَلِجُ فِى النَّهارِ، وَ مِنْ شَرِّ ما تَهَبُ بِهِ الرِّياحُ، يا اَرْحَمَ الرّحِمِينَ. سُبْحانَكَ ما عَبَدْناكَ حَقَّ عِبادَتِكَ يا اللّهُ، سُبْحانَكَ ما ذَكَرْناكَ حَقَّ ذِكْرِكَ يا اللّهُ، رَبِّ اغْفِرْ وَ ارْحَمْ، وَ اعْفُ وَ تَكَرَّمْ، وَ تَجاوَزْ عَمّا تَعْلَمُ، اِنَّكَ تَعْلَمُ ما لا نَعْلَمُ، اِنَّكَ اَنْتَ اللّهُ الْاَعَزُّ الْاَكْرَمُ. اِنَّ الصَّفا وَ الْمَرْوَهَ مِنْ شَعائِرِ اللّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ اَوِ اعْتَمَرَ فَلا جُناحَ عَلَيْهِ اَنْ يَطَّوَفَ بِهِما، وَ مَنْ تَطَوَّعَ خَيْراً فَاِنَّ اللّهَ شاكِرٌ عَلِيمٌ. دور پنجم اَللّهُ اَكْبَرُ اَللّهُ اَكْبَرُ، اَللّهُ اَكْبَرُ وَ لِلّهِ الْحَمْدُ، سُبْحانَكَ ما شَكَرْناكَ حَقَّ شُكْرِكَ يا اللّهُ، سُبْحانَكَ ما اَعْلى شَأْنَكَ يا اللّهُ، اَللّهُمَّ حَبِّبْ اِلَيْنَا الْايمانَ، وَزَيِّنْهُ فِى قُلُوبِنا، وَ كَرِّهْ اِلَيْنَا الْكُفْرَ وَ الْفُسُوقَ وَ الْعِصْيانَ، وَ اجْعَلْنا مِنَ الرّاشِدِينَ. رَبِّ اغْفِرْ وَ

ارْحَمْ، وَ اعْفُ وَ تَكَرَّمْ، وَ تَجاوَزْ عَمّا تَعْلَمُ، اِنَّکَ تَعْلَمُ ما لا نَعْلَمُ، اِنَّکَ اَنْتَ اللّهُ الاْعَزُّ الاْكْرَمُ. اَللّهُمَّ قِنِى عَذابَکَ يَوْمَ تَبْعَثُ عِبادَکَ، اَللّهُمَّ اهْدِنِى بِالهُدى، وَ نَقِّنِى بِالتَّقْوى، وَ اغْفِرْ لِى فِى الاْخِرَهِ وَ الاْولى، اَللّهُمَّ اَبْسِطْ عَلَيْنا مِنْ بَرَكاتِکَ وَ رَحْمَتِکَ وَ فَضْلِکَ وَ رِزْقِکَ، اَللّهُمْ اِنِّى اِسْئَلُکَ النَّعِيمَ الْمُقِيمَ، الَّذِى يَحُولُ وَ لا يَزُولُ اَبَداً، اَللّهُمَّ اجْعَلْ فِى قَلْبِى نُوراً، وَ فِى سَمْعِى نُوراً، وَ فِى بَصَرِى نُوراً، وَ فى لِسانى نوراً، وَ عَنْ يَمِينِى نُوراً، وَ مِنْ فَوْقِى نُوراً، وَاجْعَلْ فِى نَفسِى نُوراً، وَ عَظِّمْ لِى نُوراً. رَبِّ اشْرَحْ لِى صَدْرِى وَ يَسِّرْلِى اَمْرِى. اِنَّ الصَّفا وَ الْمَرْوَهَ مِنْ شَعائِرِ اللّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ اَوِ اعْتَمَرَ فَلا جُناحَ عَلَيْهِ اَنْ يَطَّوَفَ بِهِما، وَ مَنْ تَطَوَّعَ خَيْراً فَاِنَّ اللّهَ شاكِرٌ عَلِيمٌ. دور ششم

اَللّهُ اَكْبَرُ اَللّهُ اَكْبَرُ، اَللّهُ اَكْبَرُ وَ لِلّهِ الْحَمْدُ، لا اِلهَ اِلاَّ اللّهُ وَحْدَهُ، صَدَقَ وَعْدَهُ، وَ نَصَرَ عَبْدَهُ، وَ هَزَمَ الْاَحْزابَ وَحْدَهُ، لا اِلهَ اِلاَّ اللّهُ، وَ لا نَعْبُدُ اِلاّ اِيّاهُ، مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ، وَ لَوْ كَرِهَ الْكافِرونَ. اَللّهُمَّ اِنِّى اَسْئَلُکَ الْهُدى وَ التُّقى وَ الْعِفافَ وَ الْغِنى، اَللّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ كَالَّذِى تَقُولُ، وَ خَيْراً مِمّا تَقُولُ، اَللّهُمَّ اِنِّى اَسْئَلُکَ رِضاکَ وَ الْجَنَّهَ، وَ اَعُوذُ بِکَ مِنْ سَخَطِکَ وَ النّارَ، وَ ما يُقَرِّبُنِى اِلَيْها مِنْ قَوْل وَ فِعْل اَوْ عَمَل، اَللّهُمَّ بِنُورِکَ اهْتَدَيْنا، وَ بِفَضْلِکَ اسْتَغْنَيْنا، وَ فِى كَنَفِکَ وَ اِنْعامِکَ وَ عَطائِکَ وَ اِحْسانِکَ اَصْبَحْنا وَ اَمْسَيْنا، اَنْتَ الْاَوَّلُ فَلا قَبْلَکَ شَىْءٌ، وَ الاْخِرُ فَلا بَعْدَکَ شَىْءٌ، وَ الظّاهِرُ فَلا شَىْءَ فَوْقَکَ، وَ الْباطِنُ فَلا شَىْءَ دُونَکَ، نَعُوذُ بِکَ مِنَ الْفَلْسِ وَ الْكَسَلِ وَ عَذابِ

الْقَبْرِ، وَ فِتْنَهِ الْغِنی، و نَسْئَلُکَ الْفَوْزَ بِالْجَنَّهِ. رَبِّ اغْفِرْ وَ ارْحَمْ، وَ اعْفُ وَ تَکَرَّمْ، وَ تَجاوَزْ عَمّا تَعْلَمُ، اِنَّکَ تَعْلَمُ ما لا نَعْلَمُ، اِنَّکَ اَنْتَ اللّهُ الْاَعَزُّ الْاَکْرَمُ. اِنَّ الصَّفا وَ الْمَرْوَهَ مِنْ شَعائِرِ اللّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَیْتَ اَوِ اعْتَمَرَ فَلا جُناحَ عَلَیْهِ اَنْ یَطَّوَّفَ بِهِما، وَ مَنْ تَطَوَّعَ خَیْراً فَاِنَّ اللّهَ شاکِرٌ عَلِیمٌ.

دور هفتم اَللّهُ اَکْبَرُ اَللّهُ اَکْبَرُ، اَللّهُ اَکْبَرُ کَبِیراً، و الْحَمْدُ لِلّهِ کَثِیراً، اَللّهُمَّ حَبِّبْ اِلَیَّ الْاِیمانَ وَ زَیِّنْهُ فِی قَلْبِی، وَ کَرِّهْ اِلَیَّ الْکُفْرَ وَ الْفُسُوقَ وَ الْعِصْیانَ، وَ اجْعَلْنِی مِنَ الرّاشِدِینَ. رَبِّ اغْفِرْ وَ ارْحَمْ، وَ اعْفُ وَ تَکَرَّمْ، وَ تَجاوَزْ عَمّا تَعْلَمُ، اِنّکَ تَعْلَمُ ما لا نَعْلَمُ، اِنَّکَ اَنْتَ اللّهُ الْاَعَزُّ الْاَکْرَمُ، اَللّهُمَّ اخْتِمْ بِالْخَیْراتِ آجالَنا، وَ حَقِّقْ بِفَضْلِکَ آمالَنا، وَ سَهِّلْ لِبُلُوغِ رِضاکَ سُبُلَنا، وَ حَسِّنْ فِی جَمِیعِ الْاَحْوالِ اَعْمالَنا. یا مُنْقِذَ الْغَرقی، یا مُنجِیَ الْهَلْکی، یا شاهِدَ کُلِّ نَجْوی، یا مُنْتَهی کُلِّ شَکْوی، یا قَدِیمَ الْاِحْسانِ، یا دائِمَ الْمَعْرُوفِ، یا مَنْ لا غِنی بِشَیْء عَنْهُ، وَ لابُدَّ لِکُلِّ شَیْء مِنْهُ، یا مَنْ رِزْقُ کُلِّ شَیْء عَلَیْهِ، وَ مَصِیرُ کُلِّ شَیْء اِلَیْهِ. اَللّهُمَّ اِنِّی عائِذٌ بِکَ مِنْ شَرِّ ما اَعْطَیْتَنا، وَ مِنْ شَرِّ ما مَنَعْتَنا. اَللّهُمَّ تَوَفَّنا مُسْلِمِینَ، وَ اَلْحِقْنا بَالصّالِحِینَ، غَیْرَ خَزایا وَ لا مَفْتُونینَ، رَبِّ یَسِّرْ وَ لا تُعَسِّرْ، رَبِّ اَتْمِمْ بِالْخَیْر. اِنَّ الصَّفا وَ الْمَرْوَهَ مِنْ شَعائِرِ اللّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَیْتَ اَوِ اعْتَمَرَ فَلا جُناحَ عَلَیْهِ اَنْ یَطَّوَّفَ بِهِما، وَ مَنْ تَطَوَّعَ خَیْراً فَاِنَّ اللّهَ شاکِرٌ عَلِیمٌ. مستحبّ است پیاده سعی نماید، و از آنجا که علامت گذاری شده هروله کند؛ یعنی کمی تندتر برود، و اگر سوار چرخ باشد این مقدار

را فی الجمله تند نماید، و بعد از آن به طور عادی تا مروه راه برود، و در وقت برگشتن نیز به همان ترتیب عمل نماید، و از برای زنها هروله نیست، و مستحبّ است بر درگاه خداوند گریه کند، و در حال سعی دعا بسیار نماید.

مستحبّات دیگر مکّه معظّمه

آداب و مستحبّات دیگر در مکّه معظّمه از این قرار است: ۱- زیاد ذکر خدا کند، و قرآن بخواند. ۲- ختم نمودن یک قرآن. ۳- خوردن آب زمزم، و خواندن دعای زیر پس از آن: «اللّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْماً نَافِعاً، وَ رِزقاً واسِعاً، وَ شِفاءً مِنْ كُلِّ داء وَ سُقْم» «بسم اللّهِ وَ بِاللّهِ وَ الشُّكرُ لِلّهِ». ۴- نگاه کردن به کعبه. ۵- هرگاه مزاحم طواف کنندگانِ واجب نشود، هر قدر که می تواند طواف کند.

طواف وداع

کسی که می خواهد از مکّه بیرون رود مستحبّ است طواف وداع بجا آورد، و در هر شوطی حجرالأسود و رکن یمانی را در صورت امکان استلام نماید، و چون به مستجار رسد مستحبّاتی که قبلاً برای آن مکان ذکر شد به جا آورد، و آنچه خواهد دعا نماید، بعداً حجرالأسود را استلام نموده، و حمد و ثنای الهی نماید، و صلوات بر پیغمبر و آل او بفرستد، و این دعاء را بخواند: «اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّد عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ نَبِيِّكَ وَ أَمينِكَ وَ حَبيبِكَ وَ نَجِيِّكَ وَ خِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ. أَللّهُمَّ كَما بَلَّغَ رِسالاتِكَ، وَ جاهَدَ فى سَبيلِكَ، وَ صَدَعَ بِأَمْرِكَ، وَ أُوذِىَ فى جَنْبِكَ، وَ عَبَدَكَ حَتّى أَتاهُ اليَقينُ. أللّهُمَّ اقْلِبْنى مُفلِحاً مُنْجِحاً مُسْتَجاباً لى، بِأَفْضَلِ مايَرْجِعُ بِهِ اَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ، مِنَ المَغْفِرَهِ وَ الْبَرَكَهِ وَ الرَّحْمَهِ وَ الرِّضْوانِ وَ الْعافِيَهِ». و مستحبّ است وقت بیرون آمدن، از مقابل رکن شامی بیرون رود، و از خداوند متعال توفیق مراجعت بطلبد، و وقت بیرون رفتن معادل یک درهم خرما خریده و آن را به فقرا صدقه دهد.

قسمتی از مستحبّات مدینه طیّبه

توضیح

از جمله مستحبّات که بسیار بر آن تأکید شده این است که هنگام برگشتن ازمکّه،به مدینه طیّبه برگردد. تا به زیارت حضرت رسول(صلی الله علیه وآله)و حضرت صدّیقه طاهره(علیها السلام)و ائمّه بقیع(علیهم السلام)مشرّف شود.

زیارت حضرت رسول اکرم(صلی الله علیه وآله)

«السَّلامُ عَلى رَسولِ اللّهِ صَلّى اللّهُ عليهِ وَ آلِه. السَّلامُ عَلَيْكَ يا حَبيبَ اللّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا صفوَهَ اللّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا أمينَ اللّهِ، أشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ نَصَحْتَ لِاُمَّتِكَ، وَ جاهَدْتَ فى سَبيلِ اللّهِ، وَ عبدتَهُ حَتّى أتاكَ الْيَقينُ، فَجَزاكَ اللّهُ أفضَلَ ما جَزى نبيّاً عَنْ اُمَّتِهِ. اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّد، أفضَلَ ما صَلَّيتَ عَلى إبراهيمَ وَآلِ إبراهيمَ، إنَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ».

زیارت حضرت صدّیقه(علیها السلام)

«يا مُمْتَحَنَهُ اِمْتَحَنَكِ اللّهُ الَّذى خَلَقَكِ قَبْلَ أنْ يَخلُقَكِ، فَوَجَدَكِ لِماَ امتَحَنَكِ صابِرَهً، وَ زَعَمْنا أَنّا لَكِ أولِياءٌ، وَ مُصَدِّقُونَ وَ

صابِرُونَ لِكَلِّ ما أَتانا بِهِ أَبُوكِ(صلى الله عليه وآله) وَ أتانا بِهِ وَصِيُّهُ، فَإِنّا نَسْأَلُكِ إنْ كُنّا صَدَّقْناكِ إلاّ أَلْحَقْتِنا بِتَصْديقِنا لَهُما، لِتُبَشِّرَ أَنْفُسَنا بِأنّا قَدْ طَهُرْنا بِوِلايَتِكِ».

زیارت جامعه که هریک ازائمّه(علیهم السلام)رامی توان با آن زیارت نمود

«اَلسَّلامُ عَلی أَوْلِیآءِ اللّهِ وَ أَصْفِیآئِهِ، اَلسَّلامُ عَلی أُمَنآءِ اللّهِ وَ أَحِبّآئِهِ، اَلسَّلامُ عَلی أنْصارِ اللّهِ و خُلَفآئِهِ، السَّلامُ عَلی مَحالِّ مَعْرِفَهِ اللّهِ، اَلسَّلامُ عَلی مَساکِنِ ذِکرِ اللّهِ، اَلسَّلامُ عَلی مُظْهِری أَمْرِ اللّهِ وَ نَهْیِهِ، اَلسَّلامُ عَلی الدُّعاهِ إلَی اللّهِ، اَلسَّلامُ عَلَی المُسْتَقَرِّینَ فی مَرْضاهِ اللّهِ، اَلسَّلامُ عَلَی الْمُخْلِصینَ فی طاعَهِ اللّهِ، اَلسَّلامُ عَلَی الْأَدِلّاءِ عَلَی اللّهِ، اَلسَّلامُ عَلَی الَّذینَ مَنْ والاهُمْ فَقَدْ والَی اللّهَ، وَ مَنْ عاداهُمْ فَقَدْ عادَی اللّهَ، وَ مَنْ عَرَفَهُمْ فَقَدْ عَرَفَ اللّهَ، وَ مَنْ جَهِلَهُمْ فَقَدْ جَهِلَ اللّهَ، وَ مَنِ اعْتَصَمَ بِهِمْ فَقَدِ اعْتَصَمَ بِاللّهِ، وَ مَنْ تَخَلّی مِنْهُمْ فَقَدْ تَخَلّی مِنَ اللّهِ عَزَّوَجَلَّ. أُشْهِدُ اللّهَ أنّی سِلْمٌ لِمَنْ سالَمْتُمْ، وَ حَرْبٌ لِمَنْ حارَبْتُمْ، مُؤمِنٌ بِسِرِّکُمْ وَ عَلانِیَتِکُمْ، مُفَوِّضٌ فی ذلِکَ کُلِّهِ إلَیْکُمْ، لَعَنَ اللّهُ عَدُوَّ آلِ مُحَمَّد، مِنَ الْجِنِّ وَ الاْنْسِ، مِنَ الاْوَّلینَ وَ الآخِرینَ، وَ أَبرَأُ إِلَی اللّهِ مِنْهُمْ، وَ صَلَّی اللّهُ عَلی مُحَمَّد وَ آلِهِ الطّاهِرینَ».

زیارت ائمّه بقیع(علیهم السلام)

مستحبّ است که زائر بهترین لباس نظیف خود را بپوشد، و به بهترین عطر خود را خوشبو کند، و با آرامش و وقار به زیارت آن بزرگواران برود، و چون نزدیک آن بارگاه شد بایستد، و با خواندن دعای زیر اجازه ورود بگیرد: «یا مَوالِیَّ یا اَبْنآءَ رَسُولِ اللّهِ، عَبْدُکُمْ وَ ابْنُ اَمَتِکُمْ، اَلذَّلِیلُ بَیْنَ اَیْدِیکُمْ، وَ الْمُضْعِفُ فِی عُلُوِّ قَدْرِکُمْ، وَ الْمُعْتَرِفُ بَحَقِّکُمْ، جاءَکُمْ مُسْتَجِیراً بِکُمْ، قاصِداً اِلی حَرَمِکُمْ، مُتَقَرِّباً اِلی مَقامِکُمْ، مُتَوَسِّلاً اِلَی اللّهِ تَعالی بِکُمْ، ءَاَدْخُلُ یا مَوالِیَّ؟ ءَأَدْخُلُ یا اَوْلِیآءَ اللّهِ؟ ءَأَدْخُلُ یا مَلائِکَهَ اللّهِ الْمُحْدِقِینَ بِهذَا الْحَرَمِ، الْمُقِیمِینَ بِهذَا الْمَشْهَدِ»؟ سپس پای راست را پیش بگذارد، و با خشوع و خضوع وارد شود، و بگوید:

«اَللّهُ اَكْبَرُ كَبيراً، وَ الْحَمْدُ لِلّهِ كَثيراً، وَ سُبْحانَ اللّهِ بُكْرَةً وَ اَصيلاً، وَ الْحَمْدُ لِلّهِ الْفَردِ الصَّمَدِ، الْماجِدِ الاْحَدِ، الْمُتَفَضِّلِ الْمَنّانِ، الْمُتَطَوِّلِ الْحَنّانِ، الَّذی مَنَّ بِطَوْلِهِ، وَ سَهَّلَ زِيارَةَ ساداتِی بِإحْسانِهِ، وَ لَمْ يَجْعَلْنِی عَنْ زِيارَتِهِمْ مَمْنُوعاً، بَلْ تَطَوَّلَ وَ مَنَحَ». و سپس پشت به قبله و رو به آن قبور مطهّر دعای زير بخواند: «اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ أَئِمَّةَ الْهُدی، اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ أهْلَ التَّقْوی، اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْحُجَجُ عَلی أهْلِ الدُّنْيا، اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْقُوّامُ فی الْبَرِيَّهِ بِالْقِسْطِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ أهْلَ الصَّفْوَهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ آلَ رَسُولِ اللّهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكُم أهلَ النَّجْوی، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ بَلَّغْتُمْ وَ نَصَحْتُمْ وَ صَبَرْتُمْ فی ذاتِ اللّهِ، وَ كُذِّبْتُمْ وَ اُسیءَ إلَيْكُمْ فَغَفَرْتُمْ، وَ أَشْهَدُ أَنَّكُمُ الْاَئِمَّةُ الرّاشِدُونَ الْمُهْتَدُونَ، وَ أَنَّ طاعَتَكُمْ مَفْرُوضَهٌ، وَ أَنَّ قَوْلَكُمُ الصِّدْقُ، وَ اَنَّكُمْ دَعَوْتُمْ فَلَمْ تُجابُوا، وَ أَمَرْتُمْ فَلَمْ تُطاعُوا، وَ أَنَّكُمْ دَعآئِمُ الدّينِ و أرْكانُ الأرْضِ، لَمْ تَزالُوا بِعَيْنِ اللّهِ يَنْسَخُكُمْ مِنْ أَصْلابِ كُلِّ مَطَهَّر، وَ يَنْقُلُكُمْ مِنْ أرْحامِ الْمُطَهَّراتِ، لَمْ تُدَنِّسْكُمُ الْجاهِلِيَّهُ الْجَهْلاءُ، وَ لَمْ تَشْرَكْ فيكُمْ فِتَنُ الأهْواءِ، طِبْتُمْ وَ طابَ مَنْبَتُكُمْ، مَنَّ بِكُمْ عَلَيْنا دَيّانُ الدّينِ، فَجَعَلَكُمْ فِی بُيُوت اَذِنَ اللّهُ اَنْ تُرْفَعَ وَ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ، وَ جَعَلَ صَلاتَنا عَلَيْكُمْ رَحْمَةً لَنا، وَ كَفّارَةً لِذُنُوبِنا، اِذِ اخْتارَكُمُ اللّهُ لَنا، وَ طَيَّبَ خَلْقَنا بِما مَنَّ عَلَيْنا مِنْ وِلايَتِكُمْ، وَ كُنّا عِنْدَهُ مُسَمِّينَ بِعِلْمِكُمْ، مُعْتَرِفِينَ بِتَصْدِيقِنا اِيّاكُمْ، وَ هذا مَقامُ مَنْ اَسْرَفَ وَ اَخْطَأَ وَ اسْتَكانَ وَ اَقَرَّ بِما جَنی، وَرَجی بِمَقامِهِ الْخَلاصَ، وَ اَنْ يَسْتَنْقِذَهُ بِكُمْ مُسْتَنْقِذُ الْهَلْكی مِنَ الرَّدی، فَكُونُوا لِی شُفَعآءَ، فَقَدْ وَفَدْتُ اِلَيْكُمْ اِذْ رَغِبَ عَنْكُمْ اَهْلُ الدُّنْيا، وَ اتَّخَذُوا آياتِ اللّهِ هُزُواً، وَ اسْتَكْبَرُوا عَنْها. يا

مَنْ هُوَ قآئِمٌ لا یَسْهُو، وَ دآئِمٌ لا یَلْهُو، وَ مُحِیطٌ بِکَلِّ شَیْء، لَکَ الْمَنُّ بِما وَفَّقْتَنِی، وَ عَرَّفْتَنِی بِما اَقَمْتَنِی عَلَیْهِ، اِذْ صَدَّ عَنْهُ عِبادُکَ، وَ جَهِلُوا مَعْرِفَتَهُ، وَ اسْتَخَفُّوا بِحَقِّهِ، وَ مالُوا اِلی سِواهُ، فَکانَتِ الْمِنَّهُ مِنْکَ عَلَیَّ مَعَ اَقْوام خَصَصْتَهُمْ بِما خَصَصْتَنِی بِهِ، فَلَکَ الْحَمْدُ إذ کُنْتُ عِنْدَکَ فی مَقامی هذا، مَذْکُوراً مَکْتُوباً، فَلا تَحْرِمْنی ما رَجَوْتُ، وَ لا تُخَیِّبْنی فیما دَعَوْتُ، بِحُرْمَهِ مُحَمَّد وَ آلِهِ الطّاهِرینَ، وَ صَلَّی اللّهُ عَلی مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّد». سپس قبور فاطمه بنت اسد و ابراهیم فرزند رسول خدا(صلی الله علیه وآله)و سایر بزرگان بقیع را زیارت کند، و بر آنها درود و رحمت فرستد، و بر ایشان فاتحه بخواند.

زیارت حضرت حمزه

و سزاوار است مساجد هفتگانه و مسجد قبا و قبور شهدای اُحد را زیارت کند، و به هنگام زیارت قبر حضرت حمزه، عموی پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) در اُحد بگوید: «اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا عَمَّ رَسُولِ اللّهِ، صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا خَیْرَ الشُّهَدآءِ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا اَسَدَ اللّهِ وَ اَسَدَ رَسُولِهِ، اَشْهَدُ اَنَّکَ قَدْ جاهَدْتَ فِی اللّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَ جُدْتَ بِنَفْسِکَ، وَ نَصَحْتَ رَسُولَ اللّهِ، وَ کُنْتَ فِیما عِنْدَ اللّهِ سُبْحانَهُ راغِباً، بِاَبِی أَنْتَ وَ اُمِّی، مُتَقَرِّباً اِلی رَسُولِ اللّهِ(صلی الله علیه وآله)بِذلِکَ، راغِباً اِلَیْکَ فِی الشَّفاعَهِ، اَبْتَغِی بِزِیارَتِکَ خَلاصَ نَفْسِی، مُتَعَوِّذاً بِکَ مِنْ نار اسْتَحَقَّها مِثْلِی بِما جَنَیْتُ عَلی نَفْسِی، هارِباً مِنْ ذُنُوبِی الَّتِی احْتَطَبْتُها عَلی ظَهْرِی، فَزِعاً اِلَیْکَ رَجاءَ رَحْمَهِ رَبِّی، اَتَیْتُکَ مِنْ شُقَّه بَعِیدَه، طالِباً فَکاکَ رَقَبَتِی مِنَ النّارِ، وَ قَدْ اَوْقَرَتْ ظَهْرِی ذُنُوبِی، وَ اَتَیْتُ ما اَسْخَطَ رَبِّی، وَ لَمْ اَجِدْ اَحَداً اَفْزَعُ اِلَیْهِ خَیْراً لِی مِنْکُمْ

اَهْلَ بَیْتِ الرَّحْمَهِ، فَکَنْ لِی شَفِیعاً یَوْمَ فَقْرِی وَ حاجَتِی، فَقَدْ سِرْتُ اِلَیْکَ مَحْزُوناً،وَ اَتَیْتُکَ مَکْرُوباً، وَ سَکَبْتُ عَبْرَتِی عِنْدَکَ باکِیاً، وَ صِرْتُ اِلَیْکَ مُفْرَداً، وَ اَنْتَ مِمَّن اَمَرَنِیَ اللّهُ بِصِلَتِهِ، وَحَثَّنِی عَلی بِرِّهِ، وَ دَلَّنِی عَلی فَضْلِهِ، وَ هَدانِی لِحُبِّهِ، وَ رَغَّبَنِی فِی الْوِفادَهِ اِلَیْهِ، وَ اَلْهَمَنِی طَلَبَ الْحَوآئِجِ عِنْدَهُ، اَنْتُمْ اَهْلُ بَیْت لا یَشْقی مَنْ تَوَلاَّکُمْ، وَ لایَخِیبُ مَنْ أتَاکُمْ، وَ لایَخْسَرُ مَنْ یَهْواکُمْ، وَ لا یَسْعَدُ مَنْ عاداکُمْ».

زیارت وداع پیامبر(صلی الله علیه وآله)

«اَللّهُمَّ لاْ تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِیارَهِ قَبْرِ نَبِیِّکَ، فَاِنْ تَوَفَّیْتَنِی قَبْلَ ذلِکَ فَاِنِّی اَشْهَدُ فِی مَماتِی عَلی ما اَشْهَدُ عَلَیْهِ فِی حَیاتِی، اَنْ لا اِلهَ اِلاّ اَنْتَ، وَ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُکَ وَ رَسُولُکَ، وَ اَنَّکَ قَدِ اخْتَرْتَهُ مِنْ خَلْقِکَ، ثُمَ اخْتَرْتَ مِنْ اَهْلِ بَیْتِهِ الاَْئِمَّهِ الطّاهِرِینَ، اَلَّذِینَ اَذْهَبْتَ عَنْهُمُ الرِّجْسَ، وَ طَهَّرْتَهُمْ تَطْهِیراً، فَاحْشُرْنا مَعَهُمْ، وَ فِی زُمْرَتِهِمْ، وَ تَحْتَ لِوَاءِهِمْ، وَ لا تُفَرِّقْ بَیْنَنا وَ بَیْنَهُمْ فِی الدُّنْیا وَ الاْخِرَهِ، یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ، السَّلامُ عَلَیْکَ لا جَعَلَهُ اللّهُ آخِرَ تَسْلِیمِی عَلَیْکَ».

زیارت وداع ائمه بقیع(علیهم السلام)

«اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ اَئِمَّهَ الْهُدی وَ رَحْمَهُ اللّهِ وَ بَرَکاتُهُ، اَسْتَوْدِعُکُمُ اللّهَ وَ اَقْرَءُ عَلَیْکُمُ السَّلامَ، آمَنّا بِاللّهِ وَ بِالرَّسُولِ وَ بِما جِئْتُم بِهِ وَدَلَلْتُمْ عَلَیْهِ، اَللّهُمَّ فَاکْتُبْنا مَعَ الشّاهِدینَ»، و سپس می گوید:

«وَ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِیارَتِهِمْ بِرَحْمَتِکَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ، اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَهُ اللّهِ وَ بَرَکاتُهُ». پایان

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹